



انجمن نجات  
استان اردبیل

آغاز فعالیت رسمی انجمن نجات در آلبانی  
نجات یافته‌ها در آلبانی  
زیر پرچم پر افتخار «نجات» رفتند

۴ داغ بزرگ برای رجوی‌ها

فترت نام

فصلنامه خبری-تحلیلی  
پاییز ۱۴۰۲ • شماره ۳۵

افشاگری‌های جدید «بیجار رحیمی» از ماجرای ورود پلیس به «اشرف ۳»

# لحظه فرار

هر شرایطی را

به بندگی مسعود و مریم رجوی ترجیح دادم

فرقه به شدت از حضور خانواده‌ها در تیرانا  
وحشت‌ناک دارد



فرار «علی اصغر زمانی»  
از فرقه رجوی  
و پیوستن به نجات یافته‌ها



این خانواده‌ها جوخه  
تیرباران رجوی  
هستند

در مراسم اکران مستند «از تیرانا تا تهران»  
برای شهروندان آلبانیایی عنوان شد

مسئولیت ما در سراسر  
آلبانی این است  
که صدای مادران باشیم





نشریه  
انجمن نجات  
استان اردبیل

تارنما: [www.feraghnews.ir](http://www.feraghnews.ir)



پست الکترونیکی:  
[feraghnews@gmail.com](mailto:feraghnews@gmail.com)



تلگرام: [@feraghnews](https://t.me/feraghnews)



ایمیل: [@feraghnews](mailto:feraghnews@gmail.com)



بله: [@feraghnews](https://t.me/feraghnews)



اینستاگرام: [Feraghtonline](https://www.instagram.com/Feraghtonline)



فیس بوک:  
[facebook.com/feraghnews](https://facebook.com/feraghnews)



توییتر:  
[twitter.com/feraghnews](https://twitter.com/feraghnews)



آپارات:  
[aparat.com/nejatngo](http://aparat.com/nejatngo)

## تیترها

- رعشه مرگ رجوی‌ها از فراخوان دادگاه ۲
- شیوه جدید رجوی‌ها برای جذب جوانان و اتباع بیگانه ۴
- آغاز فعالیت رسمی انجمن نجات در آلبانی: نجات‌یافته‌ها در آلبانی زیر پرچم پر افتخار «نجات» رفتند ۵
- ابراهیم خدابنده، مدیر عامل انجمن نجات: صداقت و بیان حقایق رسالت اصلی انجمن نجات است ۶
- افشاگری‌های جدید «بیجار رحیمی» از ماجرای ورود پلیس به «اشرف ۳»: لحظه فرار، هر شرایطی را به بندگی مسعود و مریم رجوی ترجیح دادم ۹
- دبیر ستاد حقوق بشر ایران: جلسات رسیدگی به پرونده سران فرقه رجوی بایستی علنی برگزار شود ۱۴
- مادری فداکار که همیشه در صحنه است ۱۵
- نیم قرن برده‌داری نوین ۱۹
- افشاگری هولناک «حمید چاهه» پس از ۱۰ سال سکوت و برای اولین بار ۲۰
- حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای تشریح کرد: راهکار قوه قضاییه چنانچه کشورهای غربی از تحویل سران فرقه رجوی سر باز زنند ۲۱
- در مراسم اکران مستند «از تیرانا تا تهران» برای شهروندان آلبانیایی عنوان شد: مسئولیت ما در سراسر آلبانی این است که صدای مادران باشیم ۲۵
- پای درد دل‌های فریده پرورش خواهر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی سالهاست از نهادهای بین‌المللی می‌خواهیم به داد ما خانواده‌ها برسند ۲۶
- افشاگری از شبکه مالی فرقه رجوی: منشاء پول‌های کثیف ۳۰
- وقتی سیم خادارهای دور اشرف عزیزتر از جان خانواده شد ۳۳
- این خانواده‌ها جوخه تیرباران رجوی هستند ۳۷
- ۴ داغ بزرگ برای رجوی‌ها ۴۲



## رعشه مرگ رجوی‌ها از فراخوان دادگاه

فراق: طبیعی است فرقه ای که توان رویارویی با قانون و حتی پاسخگویی به اعضای سابقش را ندارد با یک حکم دادگاه این چنین به تنش می افتد، هر روز یک ساز می زند و نمی تواند موضع ثابتی را پیش ببرد.

به گزارش فراق، روز اولی که لیستی از سران فرقه رجوی در پی فراخوان دادگاه ایران منتشر شد طبق معمول ابتدا رجوی ها خفقان گرفتند و چند روز بعد واکنش ها شروع شد.

پس از آن بیانیه ای عریض و طویل منتسب به رجوی به منتشر شد و با ادبیات هتاکانه، فحاشی و ترفندهای همیشگی از حکم دادگاه استقبال کرد و با فرار به جلو مضحکی تلویحا گفت من هم به دادگاه خواهم آمد.

چند روز گذشت، رجوی‌ها فاز عوض کردند و این بار مریم قجر به میدان آمد با عریضه‌ای دیگر یک سری خزعلات سرهم بندی کرد. اما این بار صد و هشتاد درجه عکس حرف های نخست که از اساس شرکت در دادگاه و دادخواهی را منکر

شدند.

همه چیز را انکار کردند و گفتند چه دادگاهی؟ ما اصلا دادگاهی را به رسمیت نمی شناسیم. مردم و هشتاد میلیون ایرانی وکیل ما هستند....

اما مهم ترین و مضحک ترین نکته اشاره آن ها به این موضوع بود که گفتند ۸۰ میلیون ایرانی وکیل ما هستند. حالا سوال این است کدام ایرانیان؟

ایرانی که تشکیل شده از چندین میلیون نظامی، کارمندان دولتی و خانواده های آنها، صدها هزار خانواده معظم شهدا که فرزندان و بستگان ها آنها به دست ارتش صدام حسین در جنگ تحمیلی شهید شدند؛ همان جنگی که با کمک دول خارجی و جاسوسی سازمان مجاهدین حمایت می شد. به این آمار اضافه کنید خانواده های ۱۷ هزار شهید ترور، چندین میلیون قشر جوان و نوجوان که این شانس را داشته اند حتی نام منفور فرقه رجوی را ننشیده باشند و نسل جدید هستند. اینها جمع هشتاد میلیون ایرانی هستند.

به یاد کمپین نیم پهلوی افتادم، با همه

زوری که زدند فکر می کنم ۳۰۰ هزار حمایت جمع کردن با در نظر گرفتن این نکته که تمام هواداران سلطنت چه در ایران و چه در خارجه علیه مجاهدین هستند. به این آمارها هزاران خانواده مظلوم همان اعضای فرقه را هم اضافه کنید که سال ها در طلب دیدار و ملاقات با فرزندان گروگان گرفته خود رنج می کشند و رجوی دستورکشتن آنها را صادر کرد و به صراحت گفت اگر قدرت داشتم می گفتم همه خانواده ها را بکشید و به چاه بریزید.

حالا کدام خلق و جمعیت برای رجوی‌ها می ماند. در اغتشاشات سال گذشته و در نظرسنجی های ضعیف و غیرمعتبر خارجی هم به عدد جالب، یک هزارم درصد انتخاب فرقه برای حکومت بر ایران در بین ایرانیان برخورد

خوب توضیح بدهند کدام خلق؟ و کدام هشتاد میلیون حامی آنها هستند.

البته باید اشاره کرد که در همان بیانیه منتسب به روشنی تکیه گاه خود را اعلام کردند.

۳ هزار و ۶۰۰ پارلمانتر اسبق و سابق و

حمایت و محکومیت می خرد و روزی دیگر عنان از کف می دهد، دموکراسی و راه حل سوم و دادگاه بین المللی فراموش می شود و به سلاح و ریختن خون بیگناهان و خشونت پناه می برند

با استناد به همان مطالبی که از قول برخی جدا شدگان چندی پیش منتشر شد و بنا به تجربه، رجوی نه حالا و نه هیچ زمان دیگر جرئت ظاهر شدن در انتظار عمومی و دادگاه که سهل هست حتی توان پاسخگویی و شرکت در یک مصاحبه زنده با خبرنگاران را هم ندارد. او به خاطر فرار از پاسخگویی و اعمال به شدت جنایت کارانه و خیانت کارانه‌ای که مرتکب شده تا آخر عمر ننگین اش در سیاهی و پستی پنهان می‌ماند.

همان حربه همیشگی یعنی قتل ترور و اقدامات ایزدایی و وعده دادن به کشتار بیشتر، به هم زدن صحنه های قانونی و انجام اعمال غیر قانونی کاری که فرقه به دستور شخص رجوی چهار دهه است انجام می دهد.

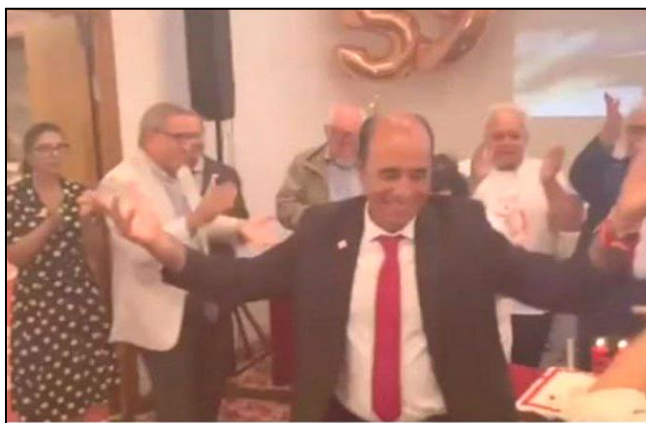
طبیعی است فرقه ای که توان رویارویی با قانون و استدلال و حتی پاسخگویی به اعضای سابقش را ندارد با یک حکم دادگاه این چنین به تنش می افتد، هر روز یک ساز می زند و نمی تواند موضع ثابتی را پیش ببرد.

روزی از دادگاه و دادخواهی استقبال می کند و روزی دیگر از پارلمانتر و افراد خارجی استمداد می طلبد و با پرداخت هزینه های کلان به لابی های اجنبی اش

۱۲۴ حاکم اسبق؛ آنهایی که می دانیم بازنشستگان عالم سیاست و کاسبان اقتصادی هستند. رجوی به صراحت گفت که پشتوانه اش، آنها و دول خارجی هستند. او که سال ها سرنیروهای خود را با این جمله کس نخارد پشت من شیره می مالید و لاف استقلال می زد و این تناقض گوئی و بلوف های جور واجور باعث شد در انتها هر چه در کیسه داشتند بیرون بریزند.

تعدادی عکس های مجهول الهویه از هواداران خارجی و افراد محدودی با سر و روی پوشیده از داخل شدند کل حامیل فرقه و پرده ها افتاد. آخرین تیر ترکش رها شد. به کلی منکر شرکت در دادگاه و محکمه شدند و مدعی شدند محکمه ما در خیابان است.

## رقص و عیاشی برای سران، عملیات های جاری برای اعضای عادی



فرقه تروریستی است که تاکنون نیز بر این تشکیلات حکم فرماست. در صورت مشاهده رفتارهای خلاف چارچوب اعضای سازمان با تنبیه های ناگوار و حتی تصفیه درون سازمانی روبه رو خواهند شد اما همین مقررات گویا برای اعضای ارشد این فرقه تروریستی و نیروهای خارج از آلبانی لازم الاتباع نیست و مصداق بارز صفت نفاق است!

می خورد. نکته قابل توجه ممنوع نبودن همه آن چیزهایی که بیش از سه دهه بر اعضای این تشکیلات در داخل کمپ های عراق و آلبانی تحمیل شده، نسبت به سران فرقه است. داشتن پوشش واحد و لباس فرم برای زنان و مردان و ممانعت از هزنوع اختلاط و حتی ارتباط مشروع بین اعضا و نداشتن حق دیدار با خانواده هایشان، از جمله ضوابط حاکم بر این

تعدادی از سران فرقه رجوی که خارج از آلبانی زندگی می کنند، در شهریور ماه ۵۹مین سالگرد تأسیس این سازمان را جشن گرفتند. رقص و شادی آنها دقیقاً در روزهایی است که به مناسبت اغتشاشات سال گذشته در حال فراخوان دادن برای ایجاد آشوب در شهرهای داخل کشور بودند اما نکته جالب تری در کلیپ های بیرون آمده از این مراسم به چشم



## فرار «علی اصغر زمانی» از فرقه رجوی و پیوستن به نجات یافته‌ها

پلیس شماره ۴ در تیرانا معرفی نمود و در ادامه به دوستان خود پیوست. «انجمن نجات آلبانی مراتب قدردانی خود از مقامات دولت و پلیس آلبانی به خصوص مسئولین ایستگاه پلیس شماره ۴ تیرانا را ابراز کرده است. پایگاه خبری-تحلیلی فراق هم به نوبه خود نجات آقای علی اصغر زمانی و پیوستن وی به جمع خانواده بزرگ نجات را تبریک عرض نماید.

گرفتار در فرقه رجوی توانست از اسارت این فرقه تروریستی نجات یافته و آزادی خود را باز یابد. در این پیام در خصوص نحوه جدایی «علی اصغر زمانی» افزوده شده: «آقای علی اصغر زمانی ورکانه» عضو سابق فرقه رجوی، توانست در یک اقدام شجاعانه روز پنج شنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۲ در یک موقعیت به دست آمده فرار کند. وی بلافاصله خود را به ایستگاه

«علی اصغر زمانی» یکی از اعضای قدیمی فرقه رجوی با فرار از این فرقه به جمع نجات یافته های آلبانی پیوست. به گزارش فراق در پیامی که شعبه تازه تاسیس انجمن نجات در آلبانی به همین مناسبت منتشر کرده، آمده است: با کمال مسرت و خرسندی به اطلاع خانواده های محترم عضو انجمن نجات و عموم مردم ایران می رسانیم که یکی دیگر از فرزندان

## شیوه جدید رجوی‌ها برای جذب سیاهی لشکر

بگذارند آنها از همین شیوه و شگرد برای تجمع در بلژیک استفاده کردند. جالب اینکه رجوی ها از این روش در تجمع علیه آیت الله رئیسی مقابل سازمان ملل بهره بردند.

در سفر ۲۵ شهریور ماه رئیس جمهوری کشورمان برای شرکت و سخنرانی در مراسم سالانه سازمان ملل رجوی ها تجمعی را علیه وی و ایران برگزار کردند اما از آنجایی که آنها با مشکل نفر مواجه بودند در نهایت با سواستفاده از موضوعات جنسی توانستند ۵۰ سیاهی لشکر برای تجمع خود فراهم نمایند.

ترس فرقه از جدایی اعضا و بالا گرفتن درگیری ها به حدی شده است که طبق گزارشات ارسالی، سرکردگان فرقه رجوی با هدف سرگرم کردن نیروها و جلوگیری از مساله دار شدن عناصر محصور به دلیل بیکاری از نیروها برای ساخت و ساز اشرف ۳ استفاده می کنند.

روشی قدیمی که در زمان حضور در عراق هم از کلیه نیروها را در جا به جایی مصالح، نظافت و ... استفاده می کردند.

تجمعات خود یک شیوه مرسوم داشته و آن وعده های مالی و غذا و گردش رایگان در شهر و .. بود اما درحال حاضر با توجه به چالش های پیش رو و نگرانی هایی که به آن اشاره گردید، این شیوه دیگر جوابگوی نیاز آنها نیست. به همین علت آنها شیوه جدیدی را برای جذب نیرو و سیاهی لشکر در تجمعات خود برگزیده اند. آنها با سو استفاده از جاذبه های جنسی برای جذب جوانان و اتباع بیگانه برای حضور در برنامه های خود، دختران و زنان زیبا و آرایش کرده را در با هدف عشوه گری و صحبت به ورودی کمپ پناهندگان مرد می فرستند تا بتوانند مردان را جذب کنند. از سوی دیگر پسران و مردانی جوان و به اصطلاح خوش تیپ را برای حضور در کمپ زنان مامور کرده اند.

از طرفی با توجه به نقد مقامات اروپایی مبنی بر کهولت سن اعضای فرقه، آنان با شیوه سوء استفاده جنسی از جوانان به دنبال نشان دادن این مطلب هستند که فرقه آنان جوانگرا بوده و شرکت کنندگان در برنامه های آنان دختر و پسران جوان و به روز هستند تا از این طریق بر چهره فرتوت فرقه خود روکش

رجوی های شیوه جدیدی را برای جذب نیرو و سیاهی لشکر در تجمعات خود برگزیده اند. آنها با سو استفاده از جاذبه های جنسی برای جذب جوانان و اتباع بیگانه، دختران و زنان زیبا و آرایش کرده را در با هدف عشوه گری و صحبت به ورودی کمپ پناهندگان مرد می فرستند تا بتوانند مردان را جذب کنند.

به گزارش فراق، فشارهای اخیر دولت آلبانی بر فرقه رجوی، این فرقه را با چالش های بزرگی مواجه کرده است.

ممنوعیت تردد اعضا به سایر کشورها، ترس از ارتباط گیری عناصر با دستگاه امنیتی ایران در فضای مجازی برای جدایی از فرقه و ورود به ایران با پذیرش شرط تشکیل پرونده قضایی و همچنین نگرانی بابت تکرار فرار اعضای این تشکیلات از کمپ اشرف ۳ مانند ماجرای بیجار رحیمی، باعث شده تا رجوی ها در برگزاری تجمعات خود در کشورهای دیگر، با چالش کمبود نیرو مواجه شوند.

**شیوه فرقه تروریستی رجوی برای برگزاری تجمعات**  
فرقه تروریستی رجوی برای برگزاری

## آغاز فعالیت رسمی انجمن نجات در آلبانی

## نجات یافته‌ها در آلبانی زیر پرچم پر افتخار «نجات» رفتند

نجات که دو دهه است در جهت منویات حقوق بشری خانواده‌های دردمند در داخل و خارج از ایران فعالیت می‌کند، موجب مباحثات ما می‌باشد.

امیدوارم همگی ما بتوانیم، با درک درست از نقطه عطف ۳۰ خرداد ۱۴۰۲، که خانواده‌ها را چندین مدار کیفی به اهداف حقوق بشری شان نزدیک تر کرد، گام‌های مؤثر بیشتری در جهت رضایت خدا و خانواده‌های عزیز و محترم برداریم.

پس از دریافت این نامه، انجمن نجات آلبانی در ساختمانی جدید در مرکز شهر تیرانا که آدرس و موقعیت آن متعاقبا اعلام خواهد شد اعلام موجودیت نمود.

متن بیانیه اعلام موجودیت انجمن نجات آلبانی به قرار زیر است:

خانواده‌های محترم، هموطنان عزیز با کمال افتخار و در نهایت خرسندی مایلم آغاز فعالیت انجمن نجات آلبانی را در مرکز شهر تیرانا اعلام نماییم.

همانطور که در نامه به مدیرعامل انجمن نجات متذکر شدیم، ظرف قبلی فعالیت ما، یعنی انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی (آسیلا)، همگونی لازم با نوع فعالیت‌های ما در این برهه زمانی را نداشت و موانع دست و پا گیر زیادی به لحاظ اساسنامه و مدیریت، فعالیت‌های ما را کند می‌کرد.

لذا تصمیم گرفته شد تا با اجازه انجمن نجات، این فعالیت‌ها در چهارچوب اساسنامه و اهداف انجمن نجات تحت عنوان «انجمن نجات آلبانی» به عنوان نماینده رسمی انجمن نجات در کشور آلبانی برای حمایت از ایرانیان ادامه یابند. ما به خانواده‌های چشم انتظار تعهد می‌دهیم که تلاش و فعالیت خود را در ظرف جدید، بدون هیچ مانع و رادعی، با شتابی چندین برابر به پیش ببریم تا خواسته‌های به حق خانواده‌ها را محقق سازیم.

انجمن نجات آلبانی

یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲



راستای پیگیری اهداف انجمن نجات و خواسته‌های خانواده‌ها، افرادی مزاحمت و اخلال ایجاد کردند که عملکرد آنها خلاف اصول انجمن بود. بنابراین بعد از هماهنگی‌های صورت گرفته با پلیس و وزارت کشور آلبانی درخواست می‌نماییم تا موافقت شود که با اساسنامه جدید و با همان اهداف حقوق بشری خانواده‌ها در انجمن نجات، و به عنوان نمایندگی رسمی انجمن نجات در کشور آلبانی، با دست باز به فعالیت‌های خود ادامه دهیم تا هرچه زودتر به نتایج مورد نظر برسیم.

پس از این نامه مدیرعامل انجمن نجات نامه زیر را برای یافتگان از فرقه رجوی در آلبانی ارسال نمود.

دوستان ارجمند

با سلام و عرض خدا قوت

از جانب خانواده‌های چشم انتظار اعضای گرفتار در فرقه رجوی که همیشه حامی فرزندان خود بوده‌اند، و از جانب هیئت مدیره انجمن نجات، مایلم صمیمانه‌ترین تقدیر و تشکر را از فعالیت‌های مخلصانه این مدت شما عزیزان اعلام نمایم و همچنین به اطلاع شما برسانم که چنانچه خود مانع و مشکلی مشاهده نمی‌کنید و هماهنگی‌های لازم صورت گرفته است، فعالیت زیر پرچم پر افتخار خانواده بزرگ

فعالیت نجات یافته‌های فرقه رجوی در آلبانی به طور رسمی زیر پرچم پر افتخار خانواده بزرگ نجات قرار گرفت.

به گزارش فراق، چندی پیش جمعی از جدانشدگان از فرقه رجوی در کشور آلبانی و همراهان آلبانیایی آنان، که با عنوان «انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی (آسیلا)» فعالیت می‌کردند، طی نامه‌ای به مدیرعامل انجمن نجات خواستار ادامه فعالیت خود تحت عنوان «انجمن نجات آلبانی» گردیدند.

متن این نامه به قرار زیر است:

مدیرعامل محترم انجمن نجات

جناب آقای ابراهیم خدابخنده

از ابتدا فعالیت‌های انجمن نجات در آلبانی با عنوان «انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی (آسیلا)»، تحت حمایت بی دریغ اعضای خانواده نجات در ایران بوده است. خانواده‌ها در ایران به تمام و کمال فرزندان خود در آلبانی را حمایت نموده و متقابلا جدانشدگان از فرقه رجوی در آلبانی، و همراهان آلبانیایی آنان، تلاش خود را در جهت برآورده شدن خواسته‌های حقوق بشری خانواده‌ها بکار گرفته‌اند.

اما از نظر ما در این برهه زمانی، خصوصا بعد از عبور از نقطه عطف ۳۰ خرداد ۱۴۰۲، در

ابراهیم خدابنده، مدیر عامل انجمن نجات

## صداقت و بیان حقایق رسالت اصلی انجمن نجات است



صداقت و بیان حقایق، رسالت اصلی انجمن نجات است. ایراد بیانات و تبادل اطلاعات از جانب انجمن، متکی بر مستندات انکارناپذیر است و از هرگونه فعالیت‌های سیاسی و خلاف قانون و رفتارهای خشونت‌آمیز دوری می‌کنیم. به گزارش فراق، ابراهیم خدابنده، مدیرعامل انجمن نجات اخیراً در گفت و گوی تفصیلی با خبرنگار همشهری رسالت انجمن نجات را تشریح کرد که فراق نامه به جهت اهمیت موضوع بخش‌هایی از این مصاحبه را منتشر می‌کند:

مجله خبرک تحلیلی

انکارناپذیر است و از هرگونه فعالیت‌های سیاسی و خلاف قانون و رفتارهای خشونت‌آمیز دوری می‌کنیم. به عبارتی هدف ما نجات دوستان سابق از چنگال فرقه تروریستی رجوی و برقراری پیوندهای عاطفی از دست رفته و رشته‌های گسسته آنان با خانواده‌ها و عزیزان چشم‌به‌راهشان است.

می‌دانید فرقه تروریستی رجوی (سازمان مجاهدین خلق) سال‌هاست که بسیاری از هموطنان ما را با فریب و نیرنگ اسیر کرده و از آنها برای امیال ضد مردمی رهبر سازمان سوءاستفاده می‌کند. این سازمان جهنمی، با استفاده از شگردها و ترفندهای معمول تمامی فرقه‌های مخرب کنترل ذهن، توانسته است با قطع ارتباط این افراد با محیط خارج از فرقه و خصوصاً با داخل کشور و همچنین خانواده‌هایشان، آنان را هرچه وابسته‌تر نگاه داشته و در نتیجه به شدت استثمار کند.

### کمی درباره فعالیت‌های انجمن نجات برایمان بگویید.

با سقوط صدام حسین در سال ۱۳۸۲ در عراق، شرایطی به وجود آمد تا عده زیادی از اعضای گرفتار در قرارگاه اشرف مجاهدین خلق بتوانند خود را آزاد کرده و به میهن و به آغوش خانواده بازگردند. این افراد نخستین ارتباطات را با دیگر خانواده‌های اعضای سازمان برقرار نمودند و خیلی از خانواده‌ها که از سرنوشت فرزندان خود بی‌اطلاع بودند تازه متوجه شدند که عزیزانشان در قرارگاه اشرف در عراق گرفتار هستند. به تدریج این ارتباطات شکل سازمان یافته به خود گرفت و در این میان انجمن نجات توسط تعدادی از جدانشدگان از فرقه رجوی به وجود آمد و اعلام موجودیت کرد.

بعد از تلاش‌های بسیار، این انجمن در سال ۱۳۹۴ ثبت رسمی شد و مجمع عمومی و سپس هیأت مدیره آن تشکیل شد و از آن زمان من به عنوان مدیرعامل انجمن نجات معرفی شدم. هدف از راه‌اندازی این انجمن، نجات دوستانی است که هنوز در اسارت ذهنی و حتی عینی این سازمان هستند. همچنین با تأسیس این انجمن سعی در کمک به خانواده‌های رنج کشیده این افراد داریم. همانطور که

### انجمن شما تاکنون چه اقداماتی در این زمینه انجام داده است؟

انجمن نجات طی ۲ دهه فعالیت خود هزاران نامه برای ارگان‌های بین‌المللی و حقوق بشری و مقامات دولتی و غیردولتی فرستاده است. ۱۷۱۸ عضو خانواده‌ها طوماری را تنظیم و امضا کردند و در آن صدها دلیل و مدرک به عفو بین‌الملل ارائه نمودند که مطابق آن ساده‌ترین حقوق انسانی در داخل سازمان مجاهدین خلق نقض می‌شود. اما متأسفانه برخی عناصر عفو بین‌الملل رابطه بسیار نزدیکی با سازمان دارند و حتی مأموران عفو بین‌الملل در کمپ سازمان در تیرانا توسط سرکردگان آنان پذیرایی و تظمیع می‌شوند و گزارش‌ها را مطابق نظر آنها تنظیم می‌کنند. متأسفانه حقوق بشر وسیله‌ای در خدمت کسانی است که می‌خواهند اهداف سیاسی خاصی را

### انجمن زیر نظر چه ارگانی اداره می‌شود؟ کمی درباره اداره انجمن به ما توضیح دهید.

انجمن نجات یک سازمان مردم‌نهاد (ان جی او) صرفاً حقوق بشری است که به هیچ ارگان دولتی و سیاسی وابسته نیست ولی تا حد توان از امکانات و ظرفیت‌های موجود در داخل کشور برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند. همچنین از تمامی کسانی که از موضع انسان دوستانه حاضر به همکاری با انجمن باشند تقاضای کمک می‌کنیم. صداقت و بیان حقایق، رسالت اصلی انجمن نجات است. ایراد بیانات و تبادل اطلاعات از جانب انجمن، متکی بر مستندات

بنیانگذاران آلبانیایی آن در تهران بودم که دیدارهای زیادی در شهرهای مختلف با تعداد بسیاری از خانواده‌ها داشتند و به آنان تعهد دادند که در جهت اهداف خانواده‌ها فعالیت کنند و خانواده‌ها هم قول دادند که از این انجمن تا جای ممکن حمایت نمایند. طی این مدت تعدادی از اعضای ناراضی به امید ملحق شدن به آسیلا از سازمان مجاهدین خلق جدا شده و به آسیلا پیوسته‌اند که جدیدترین نمونه آن بیجار رحیمی است که ۳۱ تیر امسال از اردوگاه مجاهدین خلق فرار کرد و خود را به آسیلا رساند.

ابراهیم خدابنده متولد ۱۳۳۲ در تهران است. سال ۱۳۵۰ بعد از گرفتن دیپلم، برای ادامه تحصیل راهی انگلستان شد و موفق به گرفتن فوق لیسانس مهندسی برق شد. قبل از انقلاب اسلامی سال ۵۷ و بعد از آن با اتحادیه انجمن‌های اسلامی خارج از کشور فعالیت می‌کرد. او در سال ۵۹ جذب تشکل هواداران سازمان مجاهدین خلق در انگلستان شد.

به عقیده خدابنده، هر کس عضو سازمان مجاهدین خلق است با نیرنگ و فریب جذب شده و با مغزشویی ماندگار شده است. به‌خاطر شست‌وشوی ذهنی‌ای که روی افراد می‌شود فکر می‌کنند که مسعود رجوی خیلی با شعور و قدرتمند است. درست مانند کودکی که فکر می‌کند پدرش قوی‌ترین فرد روی زمین است و نمی‌داند که در رؤیاهای کودکانه خود سیر می‌کند. خدابنده تا سال ۱۳۸۲ به مدت ۲۳ سال درگیر این توهم بود، ولی نهایتاً این شانس را پیدا کرد که حباب توهمش شکسته شود.

به قول خودش دعای خیر مادرش پشت سرش بود که سرانجام باعث شد تا راه زندگی‌اش در میانسالی روشن شده و بتواند حقیقت را دریابد. خدابنده که در آغاز جوانی از ایران رفت (۱۸ سالگی) در سال ۸۲، یعنی در آغاز میانسالی (۵۰ سالگی) به ایران بازگشت و از آن موقع تاکنون (۲۰ سال) در خصوص فرقه‌های مخرب کنترل ذهن مطالعه کرده و در جهت افشای فرقه رجوی و رهبر خائن و جنایتکار آن و یاری رساندن به خانواده‌ها فعال است.

به اسارت درآمدن آنها ازجمله کارهایی است که به جد دنبال می‌کنیم. همیشه گفته‌اند که پیشگیری بهتر از درمان است. نجات یک فرد از درون مقرر مجاهدین خلق، کار ساده‌ای نیست اما می‌توان افراد را قبل از اسیر شدن آگاه کرد و عملاً نجات داد. به همین دلیل افشای ماهیت فرقه‌ای و تروریستی سازمان مجاهدین خلق و بر ملا کردن میزان وطن‌فروشی و خیانت و جنایت رهبر آن جزو دستور کار انجمن نجات است.

کمک به نجات یافتگان از سازمان برای وصل به خانواده‌شان و برقراری اتحاد خانواده‌های فروپاشیده و شروع زندگی مجدد شرافتمندانه اساس کار ماست و تاکنون تلاش‌های زیادی برای برقراری ارتباط بین خانواده‌ها و عزیزان در بندشان انجام شده است. نمونه اخیر تجمع مقابل مقر سفارت ترکیه (به‌عنوان حافظ منافع آلبانی) در تهران بود. انجام اقدامات حقوقی از قبیل اخذ ویزا، مهیا کردن شرایط سفر به عراق در گذشته و تلاش برای سفر به آلبانی در حال حاضر، ارتباط با ارگان‌های ذیربط ایرانی و عراقی جهت ایجاد تسهیلات در امر مسافرت خانواده‌ها در زمان حضور این گروه تروریستی در عراق، برقرار کردن جلسات توجیهی با جادشدگان و خانواده‌ها، ... هم از وظایف این انجمن است. به همین منظور سعی می‌کنیم با سازمان‌ها و ارگان‌های حقوقی و بین‌المللی برای جلب حمایت آنان برای رسیدن به اهداف مشخص شده انجمن ارتباط برقرار کنیم. موفقیت جدی سال‌های اخیر، تأسیس انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی (آسیلا) است که در این کشور به ثبت رسیده و رسمیت یافته است. انجمن نجات حامی و یاری‌رسان این انجمن است. این انجمن توسط تعدادی از جادشدگان از فرقه رجوی در آلبانی و همچنین آلبانیایی‌های خیرخواه تشکیل شده و طی کمتر از ۲ سال که از تأسیس و ثبت آن می‌گذرد فعالیت‌های چشمگیری داشته است. سال گذشته من میزبان ۳ تن از

پیش ببرند. حقوق بشر وقتی به آمریکا می‌رسد یک تعریف دارد، برای اروپا همینطور و نسبت به جمهوری اسلامی ایران یک تعریف دیگری پیدا می‌کند. جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر ملل متحد در رابطه با ایران است که خانواده‌های زیادی انبوهی از مدارک را برای او به سازمان ملل بردند، اما او کوچک‌ترین توجهی نکرد. قبل از او احمد رشید این سمت را برعهده داشت که وضعیت او نیز به همین ترتیب بود.

**یکی از وظایف تعریف شده در اساسنامه صلیب سرخ جهانی این است که نامه‌های خانواده‌ها را برای بستگانی که در شرایط عادی به‌سر نمی‌برند، و امکان نامه‌نگاری با آنها وجود ندارد (مانند اسرای جنگی)، ببرد و به‌دست آنها برساند و جواب بگیرد. سرنوشت نامه‌هایی که خانواده‌های بسیاری به صلیب سرخ دادند تا به‌دست عزیزان‌شان در اردوگاه مجاهدین خلق برسد چه شد؟ آیا جواب دادند؟**

صدها نامه به صلیب سرخ تحویل دادیم که در قرارگاه اشرف در عراق به افراد برساند و جواب آن را بیاورد. یکی از مسئولان این نهاد در تهران به من می‌گفت: «شرمندهم. ما توانستیم برای اعضای القاعده در زندان بگرام افغانستان نامه ببریم و جواب آن را در سعودی به خانواده‌هایشان برسانیم، ولی در اشرف نگذاشتند حتی یک نامه به‌دست کسی برسانیم و بعد هم اعلام کردند صلیب سرخ در این زمینه مسئولیتی ندارد.» همین وضعیت در آلبانی همچنان ادامه دارد و صلیب سرخ خود را ناتوان از انجام این مسئولیت می‌بیند.

**از موفقیت‌هایی که در این زمینه کسب کرده‌اید مختصر برایمان بگویید.**

افشاگری علیه فرقه تروریستی رجوی و آگاه کردن جوانان پرشور و ساده‌دل از واقعیات درون سازمان به‌منظور جلوگیری از

## اعضای جدانشده برای گشودن حصارهای «اشرف ۳» گرد هم می آیند

مجازی چهار ساعته با حضور یازده عضو سابق فرقه رجوی در هفت کشور جهان و نه شهر برگزار شد.

در این جلسه که خطری بالفعل و هشدار برای فرقه رجوی و نور امیدی برای اعضای در بند و خانواده‌های آنهاست تصمیماتی گرفته و بررسی شد که در نشست‌های بعدی اجرایی خواهد شد. به امید موفقیت و محو کامل فرقه مخرب مجاهدین خلق.»

در راستای تلاش‌های انجمن نجات در ایران و انجمن حمایت از ایرانیان مقیم در آلبانی برای آگاهی بخشی درباره شرایط وخیم اعضای گرفتار در تشکیلات مجاهدین خلق و کمک به رهایی آنها، دیگر اعضای پیشین این فرقه نیز در صدد برآمدند تا تلاش‌های خود را برای روشننگری درباره سران فرقه از سر بگیرند.



خود از ارتباط تازه میان اعضای جدا شده از فرقه رجوی و تصمیم‌گیری‌های تازه آن‌ها از نقاط مختلف جهان خبر داد.

وی نوشت: «بعد از مدتها که به دلیل شرایط کرونا ارتباط بین اعضای جدا شده از فرقه رجوی به حداقل رسیده بود برای اولین بار طی روزهای گذاشته یک جلسه

اعضای نجات یافته از فرقه رجوی در سراسر جهان، برای گشودن حصارهای «اشرف ۳» گرد هم می‌آیند.

به گزارش فراق، غفور فتحیان، نجات یافته قدیمی از فرقه رجوی که ۲۱ سال اسیر این تشکیلات بود و اکنون ساکن فرانسه است، در حساب کاربری فیس بوک

## زنان عضو انجمن نجات در آلبانی تعهد دادند صدای خانواده‌ها باشند



زنان عضو انجمن نجات در آلبانی تعهد دادند در برابر رساندن صدای خانواده‌های عضو انجمن نجات به فرزندان اسیرشان در فرقه رجوی، از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

به گزارش فراق، شورای زنان انجمن حمایت از ایرانیان مقیم در آلبانی روز پنج‌شنبه ۱۹ مرداد در دفتر این انجمن جمع شدند و به بررسی همایش‌ها و نمایشگاه‌های عکس، کتاب و دیگر فعالیت‌های انجمن در ماه گذشته پرداختند.

زنان انجمن نجات در آلبانی با تاکید بر این که انجمن نجات تنها امید رهایی اعضای گرفتار در فرقه رجوی است تعهد دادند تا در برابر رساندن صدای خانواده‌ها و آزادی اسیران از هیچ تلاشی و کوششی دریغ نکنند.

افشاگری‌های جدید «بیجار رحیمی» از ماجرای ورود پلیس به «اشرف ۳»

# لحظه فرار، هر شرایطی را به بندگی مسعود و مریم رجوی ترجیح دادم

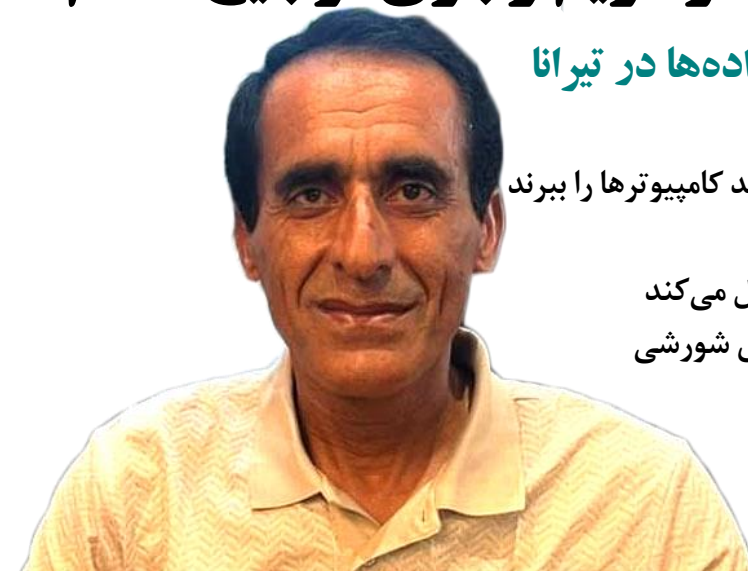
فرقه به شدت از حضور خانواده‌ها در تیرانا  
وحشت دارد

■ دستور آمد به هر قیمتی شده نگذارید کامپیوترها را ببرند

■ خیلی‌ها خواهان خروج هستند

■ هر مفری یک استان مشخص را دنبال می‌کند

■ افشای نحوه ارتباط‌گیری با کانون‌های شورشی



در جریان حمله به میز کتاب آسیلا در یک نمایشگاه کتاب در دوسر، به من گفتند که برادرم و همسرش را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند که خیلی ناراحت و نگران شدم و البته فیلم آن را هم با افتخار به من نشان دادند. آنها مدعی بودند که بعد از دستگیری ۱۱ نفر از اعضا در این خصوص، همگی بدون قید و شرط آزاد شدند و مدعی بودند که پلیس کاملاً با آنها همکاری می‌کند و علیه جاداشدگان است. در تکاپوی این بودم که بتوانم برادرم سرفراز رحیمی را در تردد به شهر تیرانا حداقل یک بار ببینم. مطلع شده بودم که ازدواج کرده و صاحب یک پسر شده است. این موارد را در درون تشکیلات به عنوان خطا و جرم برادرم به من می‌گفتند و مرا سرزنش می‌کردند و می‌پرسیدند که چرا می‌خواهم او را ببینم. اما من فوق العاده راغب بودم که پسر برادرم را در آغوش بگیرم.

غافلگیری در ماجرای ورود پلیس به

«اشرف ۳»

در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۲۳ مأمورین پلیس

کردم و اعلام نمودم که مایل به بازگشت به داخل اردوگاه نیستم و می‌خواهم به آسیلا بپیوندم.

قبل از هر چیز باید از مساعدت و برخورد بسیار خوب و اطمینان بخش پلیس تشکر کنم که با توجه به این که ترس و واهمه بسیار زیادی داشتم خاطرم را جمع کردند که کاملاً در امان خواهم بود و آنچه که سازمان مجاهدین خلق در خصوص آسیلا و انجمن نجات و شرایط خارج از اردوگاه و رفتار پلیس آلبانی گفته است کاملاً دروغ می‌باشد.

از زمانی که برادرم سرفراز رحیمی از سازمان مجاهدین خلق جدا شد فکر جدایی، که از قبل در سرم بود، قوت گرفت. وقتی سازمان به من گفت که حق ارتباط و ملاقات با برادرم و همسر برادرم را ندارم تصمیم به فرار گرفتم و منتظر فرصت بودم. به من اطلاع دادند که برادرم به آسیلا پیوسته است و بعد به این دلیل سازمان مرا تحت فشار قرار می‌داد و به من سرکوفت می‌زد. وقتی بیرون می‌رفتم مراقب من بودند و کلاً کمتر اجازه می‌دادند تا از مقر خارج شوم.

بیجار رحیمی، نجات یافته جدید از فرقه رجوی گفت: پیام مسعود رجوی بعد از تغییر وزیر کشور آلبانی در هر مقر خوانده شد، طوری وانمود می‌کردند که گویی آن‌ها در این تغییر نقش داشتند.

به گزارش فراق، رحیمی که به تازگی از «اشرف ۳» فرار کرده و با هماهنگی پلیس آلبانی به انجمن آسیلا پیوسته، در نامه‌ای خطاب به وزیر کشور آلبانی افشاگری‌های جدیدی از ماجرای ورود پلیس به «اشرف ۳»، اعضای ناراضی خواهان جدایی و نحوه فرارش داشته است.

به گزارش فراق، در نامه تفصیلی بیجار رحیمی خطاب به «تاؤلانت بالا»، وزیر کشور آلبانی آمده است:

**فکر فرار، پس از جدایی برادرم در سر بود**

بیجار رحیمی عضو سابق سازمان مجاهدین خلق هستم که در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۳ از اردوگاه این سازمان فرار کردم. همان روز به اداره پلیس مراجعه نموده و خودم را معرفی

برای بازرسی به اردوگاه ما با اعلام قبلی مراجعه کردند. درست نیم ساعت قبل از مراجعه پلیس به همه اعضا گفته شد که محل های کار را ترک کنند چون پلیس می خواهد به اشرف بیاید و جستجو کند. همه مان غافلگیر شده بودیم که چرا پلیس با این حجم نیرو برای بازرسی وارد مقر شده است. به ما همیشه گفته می شد که پلیس آلبانی در همه حال پیشتیبان ماست. هیچ کس انتظار چنین مراجعه ای از جانب پلیس را نداشت.

### اعضا شروع به شکستن و خرد کردن کامپیوترها نمودند

همه اعضا در شوک بودند چون اصلا انتظار چنین اقدامی از جانب پلیس را نداشتند. پلیس چند بار قبلا برای چک آمده بود ولی با یک یا دو ماشین می آمدند و یک چک سطحی می کردند و می رفتند. تصور مسئولین هم ابتدا همین بود ولی اینبار با تعداد خیلی زیاد و باورنکردنی آمدند که برای سازمان تازگی داشت.

در ابتدا هیچ مشکلی نبود و جستجو به آرامی پیش می رفت و تصور این بود که به زودی خواهند رفت. ولی به محض این که به سراغ کامپیوترها رفتند از طرف مسئولین دستور آمد که به هر قیمتی شده نباید بگذارند کامپیوترها را ببرند. به نفراتی که کامپیوترها از آنها گرفته شده بود از جانب فرماندهان دستور داده شد تا مقاومت کنند و هر طور شده اجازه بردن کامپیوترها را ندهند. در این موقع بعضی از اعضا شروع به شکستن و خرد کردن کامپیوترها نمودند. برخی به پلیس حمله ور شدند و تلاش کردند تا کامپیوترها را از دست آن ها بگیرند و حتی تعدادی جلو ماشین پلیس خوابیدند که مانع حرکت ماشین ها برای بردن کامپیوترها شوند که نهایتا بعد از مجروح شدن چند پلیس با واکنش نیروی پلیس مواجه شدند.

### ۳ روز اینترنت مقر به طور کامل قطع شد

بعد از این واقعه من یک ماه در داخل تشکیلات بودم و مایلم حقایقی که در این یک ماه اتفاق افتاد را برایتان به اختصار نقل کنم: فعالیت های سازمان مجاهدین خلق از قبل تماما روی داخل کشور متمرکز بود که افرادی

که در داخل کشور از طریق فضای مجازی جذب کرده بودند یا به صورت تیمی در قالب کانون های شورشی یا به صورت فردی، از طریق ارتباط اینترنتی بسیار گسترده و نامحدود از آلبانی، برای انجام کارهای تبلیغی و ایذایی و در صورت امکان تروریستی ترغیب می کردند و آموزش می دادند و همچنین پول به دستشان می رساندند.

بعد از مراجعه پلیس و درگیری که پیش آمد به مدت سه روز اینترنت مقر به طور کامل قطع شد که گفته شد به خاطر این است که سرورها دچار مشکل شده اند اما برخی می گفتند که دولت آلبانی اینترنت اردوگاه را قطع کرده است. بعد از سه روز باز هم اینترنت، البته ضعیف تر از سابق، برقرار شد که تعدادی می گفتند که از طریق ماهواره اینترنت گرفته شده است. سازمان برای اینکه نمی خواست از کار داخل کشور باز بماند ارتباطات را در طول شبانه روز به صورت نوبتی کرده بود که افراد با تیم هایشان در داخل ایران ارتباط داشته باشند. مقر به مقر به صورت نوبتی ۲۴ ساعته با اینترنت کار می کردند و سیمای آزادی (تلویزیون مجاهدین خلق) هر شب در اخبار از فعالیت های کانون های شورشی گزارش و فیلم و خبر پخش می نمود.

### نشست زهرا مریخی پس از بیانیه حمایتی آمریکا از اقدام آلبانی

مدتی بعد از صدور بیانیه وزارت امور خارجه آمریکا که از اقدام آلبانی در خصوص مجاهدین خلق حمایت کرد یک نشست عمومی توسط زهرا مریخی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق برگزار شد. تعدادی نشست های آنلاین نیز بعد از آن توسط مریم رجوی برگزار شد که مربوط به گردهمایی پاریس بود. مریم که با تعدادی از مسئولین سازمان، آلبانی را از قبل ترک کرده و به فرانسه رفته بود در این خصوص هیچ موضعی نگرفت. بعدا یک پیام کتبی هم در همین رابطه از جانب مسعود رجوی رهبر عقیدتی مجاهدین خلق داده شد که برای افراد خوانده شد.

زهرا مریخی در نشست عمومی برای تمامی اعضا صحبت از حمله وحشیانه پلیس فاشیست آلبانی کرد و به مقامات آمریکایی برای صدور بیانیه وزارت امور خارجه آمریکا حمله نمود.

زهرا مریخی برای دلگرمی اعضا و اینکه نفرت را از ناامیدی بیرون بیاورد این نشست را گذاشته بود. او اشاره کرد که آنچه پلیس برده است هیچ اهمیتی نداشته است.

او گفت که مجاهدین خلق حامیان با نفوذ بسیاری در سطح جهانی دارد و پلیس و دستگاه قضایی آلبانی هیچ غلطی نمی توانند بکنند. بعد از سه روز همه کارها با همان سازمان کار قبلی و مثل روال سابق آغاز شد. به افراد گفته شد که به شدت و تماما سرگرم کارهای داخل کشور باشند و با اطمینان می گفتند که این موضوع، یعنی مراجعه پلیس، دیگر تکرار نخواهد شد. یک مدت بازرسی سطحی ورود و خروج خودروها توسط پلیس انجام می شد که بعدا متوقف گردید. همچنین بعد از این واقعه به مدت دو روز ترددات به خارج از اردوگاه ممنوع شد. روز سوم فقط نفراتی که قرار تخصصی پزشکی داشتند به تیرانا رفتند. از روز چهارم روال به قبل از واقعه برگشت و نفرت به بیرون تردد داشتند و همه کارها مثل قبل بود.

### پیام معنادار مسعود رجوی بعد از تغییر وزیر کشور آلبانی

پیام مسعود رجوی بعد از تغییر وزیر کشور آلبانی داده شد که در هر مقر خوانده شد. طوری وانمود می کرد که گویی در این تغییر نقش داشته است. او گفت که وزیر کشور جدید آلبانی در دولت ادی راما از دوستان نزدیک مجاهدین خلق است و در گذشته از قرارگاه اشرف ۳ در آلبانی و موزه دیدار کرده و در آمریکا نیز با مجاهدین خلق دیدار و گفتگو داشته است.

مسعود رجوی اضافه کرد که «شما ۱۴ سال پایداری در اشرف و لیبرتی را تجربه کردید آنهم با انقلاب مریم و تشکیلات تان و الان شما باید با انقلاب و کارآموزی و جنگ صد برابر و نبرد با دشمن در برابر هر توطئه ای آمادگی داشته باشید.» او اقدام پلیس را توطئه علیه سازمان مجاهدین خلق خواند و آن را محکوم کرد. در پیام مسعود رجوی، در خصوص رفتن مریم رجوی و تعداد زیادی از همراهانش به فرانسه، آمده بود که: «ریسک کردم که مریم را برای گردهمایی پاریس



گرفتن عکس و فیلم و گزارش کامل، پشت کامپیوتر خود می نشست و کار را هدایت می کرد.

### بسیاری از افراد در داخل اردوگاه مایل به فرار هستند

بسیاری از افراد در داخل اردوگاه مایل به فرار هستند. آنان نیاز به حمایت دارند. خیلی ها می خواهند با خانواده شان ارتباط بگیرند اما سازمان مانع می شود. دولت آلبانی باید در این رابطه اقدام نماید و به کسانی که مایل به جدا شدن هستند یاری برساند. از شما درخواست دارم تا با این افراد صحبت کنید و مثل من به آنان اطمینان بدهید که در خارج از سازمان در امان خواهند بود. من می توانم اسامی آنها را به شما بدهم تا اقدام کنید و با آنها صحبت نمایید. همچنین خوشحال خواهم شد اگر بتوانم کمکی کرده باشم تا دیگر دوستان اسیرم هم آزاد شوند.

همچنین سازمان به شدت از حضور خانواده ها در تیرانا و خصوصا پشت دروازه های اشرف ۳ وحشت دارد. علت این است که

اکنون نفراتی در داخل مناسبات هستند که ضوابط را آنطور که تشکیلات می خواهد رعایت نمی کنند و این امر کاملا مشهود است. مثلا نفراتی هستند که از نشستهای انقلاب اصلا استقبال نمی کنند و در کمیته های کارآموزی انقلاب و ترمهای انقلاب شرکت نمی نمایند و هیچ گزارشی از خود نمی خوانند. یا در نشست های مریم رجوی که آنلاین بود، به خصوص نشست های داخلی، شرکت نمی کنند. یا به ضابطه پوشیدن لباس رسمی نشست های عمومی توجه نمی نمایند و با لباس عادی شرکت می کنند. یا اگر به نشست می آیند مدام به بیرون از نشست می روند و با یکدیگر صحبت می کنند و وقت می گذرانند. سعی می شد که به این نفرات فشار نیاورند چون امکان فرار آن ها می رفت.

### هر مقری یک استان مشخص را دنبال می کرد

در خصوص کار داخله، هر مقری یک استان مشخص را دنبال می کرد. استان من یعنی سیستان و بلوچستان هم در دستور کار بود. چند یکان مسئول نیرویابی در فضای مجازی بود و اگر نیرویی جذب میشد روی آن نیرو کار می کردند. بیشتر برای کارهایی مثل آتش زدن اماکن دولتی و اداری و نصب پلاکارد و شعار نویسی و پر کردن کلیپ ضد ایران عمل می نمودند. این اعمال را نیروهای محلی در سراسر ایران انجام می دادند. به این فعالیت ها اختناق شکن می گفتند.

وقتی یک نیرو جذب می شد و بعد چند کار انجام می داد و قابل اعتماد می گردید به آن نفر آموزشهای لازم داده می شد و این شخص وارد کانونهای شورشی می گردید. کسانی که قابل اعتماد نیستند یا وارد فعالیت نمی شوند را هرگز وارد کانونها نمی کردند و این افراد را فقط تغذیه سیاسی می نمودند و از آنها اطلاعات و پول می گرفتند.

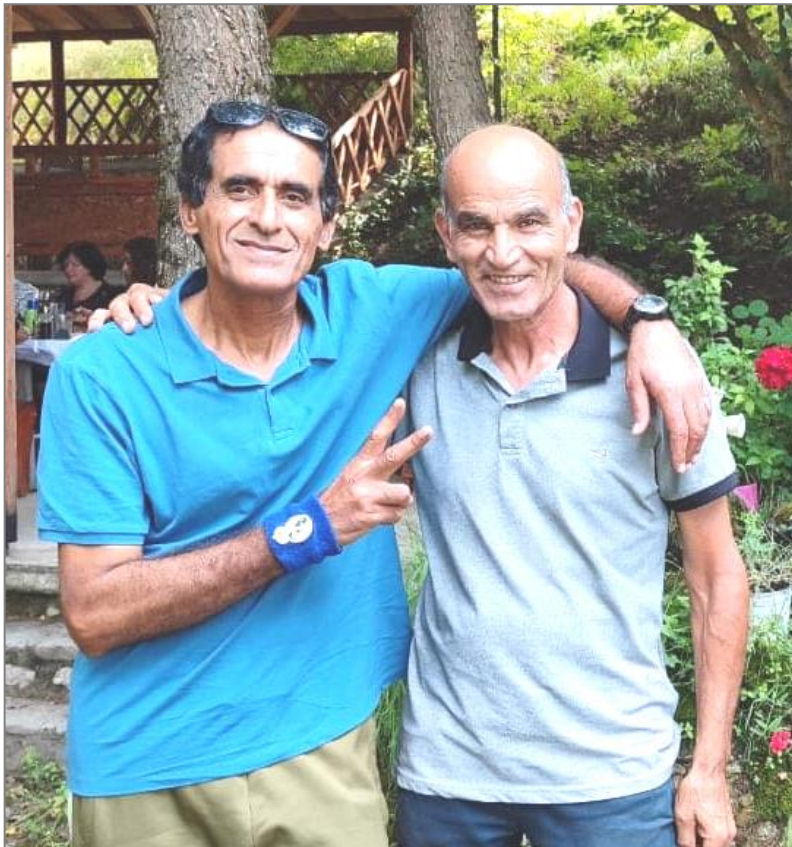
در حال حاضر تمامی مقرات داخل اردوگاه اشرف ۳ در آلبانی، به جز مقرات تأسیسات، آشپزخانه، و اداری، کار داخله (هدایت کانون های شورشی در داخل کشور) را انجام می دهند. اگر در برنامه یک کانون شورشی بود که اقدام به آتش زدن یک محل بکند، مسئول آن کانون در اشرف ۳ می بایست تا پایان کار و

فرستادم و این خطر را پذیرفتم» تعداد زیادی از افراد هستند که مدام به خارج از آلبانی در رفت و آمد هستند. این افراد هم همراه با مریم رجوی رفته بودند.

فضای مسئله داری و درخواست خروج از سازمان مجاهدین خلق روز به روز بیشتر می شود اما بعد از این واقعه، مسئله داری ابعاد وسیعتری گرفت. خیلی ها خواهان جدا شدن و خروج بودند. سازمان آنها را تهدید می کرد که اگر خارج شوید گرفتار پلیس می شوید که با شما بدرفتاری می کند و شما را به کمپ کارچ مثل اعضای آسیلا می برد و زندگی سختی خواهید داشت. سازمان به افرادی که خواهان خروج بودند وعده می داد که خودش آنها را به یونان یا آلمان خواهد برد. ترس و وحشت سازمان این است که اعضا جدا شوند و بعد به آسیلا بپیوندند که مورد حمایت انجمن نجات می باشد. وقتی ویلای آسیلا مورد بازرسی پلیس قرار گرفت و کامپیوترها و موبایل های آنها ضبط گردید سازمان جشن گرفت و آن را پایان آسیلا اعلام کرد. وقتی شش نفر از اعضای آسیلا به کمپ کارچ برده شدند سازمان تبلیغات زیادی برای ترساندن افراد کرد و روی اخراج حسن حیرانی به یونان و احسان بیدی به ایران خیلی مانور داد. این اقدامات پلیس علیه آسیلا کلا باعث شد که خیلی ها که می توانستند از سازمان جدا شده و به آسیلا بپیوندند منصرف شوند و این کمک بزرگی به سازمان بود. ما باور کرده بودیم که پلیس آلبانی تماما حامی مجاهدین خلق و علیه آسیلا و جداشدگان است.

### اعضا را مغزشویی می کنند / رجوی یک مکار حيله گراست

در درون تشکیلات اعضا را مغزشویی می کنند. تمام حرفهای مسئولین اینست که به اعضا امیدواری بدهند که در کمپ بمانند. آنقدر علیه خانواده تبلیغ می نمایند که بعضی از اعضا خانواده را دشمن اصلی خود می دانند. مسعود رجوی یک مکار حيله گراست که ضدیت هیستریکی با خانواده ها دارد. او خانواده ها را در تضاد با منافع شخصی اش می داند. سازمان از این که خانواده های اعضا به آلبانی بیایند به شدت واهمه دارد چون نقطه امیدی برای اعضا ایجاد خواهد شد.



لحظه فرار، هر شرایطی را به بندگی مسعود و مریم رجوی ترجیح دادم. بیجار رحیمی، نجات یافته جدید از فرقه رجوی با انتشار پیامی به یاهوگویی‌های سران فرقه رجوی بعد از آزادی خودش واکنش نشان داد.

به گزارش فراق، بیجار رحیمی همچنین با اشاره به بیانیه سراسر دروغ فرقه در روز ۹ مردادماه ۱۴۰۲ مبنی بر اخراج او از فرقه در یادداشتی نوشت:

جهت اطلاع عموم هموطنان عزیز، باید به مسعود رجوی و مسئولین سازمان مجاهدین خلق گفت: ۲۱ سال به دلیل فریب سران فرقه رجوی، عمر و جوانی و تمام زندگی ام را بخاطر اعتماد به رهبری سازمان مجاهدین خلق تلف کردم، که فقط مانند یک زندانی در این تشکیلات اسیر بودم. تمام این ۲۱ سال هیچگونه حق ارتباط و دیدار با خانواده و دوستانم را نداشتم و از کمترین حقوق انسانی محروم بودم.

بعد از دو دهه اسارت و بردگی، از فرصت به دست آمده استفاده کردم و آگاهانه و مختارانه فرار نمودم.

در ابتدا هیچ چشم اندازی پیش رو نداشتم و نمی دانستم در چه دنیایی قدم می‌گذارم، اما در آن لحظه هر شرایطی را به بندگی مسعود و مریم رجوی ترجیح می‌دادم. کاملاً آگاه بودم و انتظار داشتم که بعد از فرارم از تشکیلات جهنمی مجاهدین خلق و اردوگاه مخوف اشرف ۳، سران فرقه رجوی هر برچسب و انگلی به من بچسبانند و برگه و مدرک جعلی رو کنند. این یاهوگویی‌های سران فرقه رجوی فقط جهت ترساندن دیگر اعضا است که در آینده فرار نکنند و جدا نشوند، اما قبل از هر چیز ترس و وحشت سران سازمان را نشان می‌دهد. از واکنش نابخردانه فرقه رجوی کاملاً معلوم و مشخص است که جدایی من از تشکیلات مخوف رجوی که تنها یک زندان با شرایط سخت است، لرزه برپیکر تشکیلات فرتوت مجاهدین خلق انداخته است.

من در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۴۰۲ مصادف با

روز تولدم از تشکیلات مجاهدین خلق، با افتخار و برای نجات از بردگی، فرار کردم و اکنون احساس می‌کنم که در آن روز دوباره متولد شدم و معنی واقعی رهایی و آزادی را بعد از سالیان فهمیدم. چطور است که سازمان مجاهدین خلق در روز ۹ مردادماه ۱۴۰۲ ابلاغیه‌ای مبنی بر اخراج من از سازمان منتشر کرده و ظاهراً آنرا به من ابلاغ نموده و خواسته است تا بی درنگ اردوگاه را ترک کنم. اگر چنین ابلاغیه‌ای هر زمان به من داده می‌شد و اجازه خروج داشتم لحظه‌ای درنگ نمی‌کردم.

واقعیت این است که سازمان صبح روز بعد، پلیس را از ناپدید شدن من مطلع کرد و خواست تا به دنبال من در تیرانا بگردند. اما پلیس به سازمان اطلاع داد که من به اداره پلیس مراجعه کرده و کتبا نوشته و امضا کرده‌ام که مایل به بازگشت به اردوگاه نیستم.

و می‌خواهم به آسیلا بپیوندم. اگر ذره‌ای در اقدامی که کردم شک و تردید داشتم با همین یک نمونه دجال بازی و فریبکاری و دروغگویی که مشاهده نمودم یقین کردم که ۲۱ سال اسیر دروغ و دغل بودم و خوشحالم که بالاخره توانستم رها شوم. رجوی و یادایش می‌توانند احکام اخراج خود را برای جداسدن‌های بعدی هم آماده کنند چرا که بخوبی اطلاع دارم که بسیاری که حتی فکرش را نمی‌کنند مترصد فرصتی برای فرار هستند تا خود را به آسیلا برسانند. مایلیم به خانواده‌های عزیز عرض نمایم که باید منتظر فرار و آزادی اعضای گرفتار بعدی باشند. آنها ابتدا باید ترس را از خود دور کرده و شهامت فرار را داشته باشند و بعد کافی است در یکی از ترددات به خارج از اردوگاه خود را به پلیس معرفی کرده و خواهان پیوستن به جمع نجات یافته‌ها گردند.

برای اولین بار صورت گرفت

## صدور قطعنامه علیه فرقه تروریستی رجوی توسط پارلمان اروپا

متهم به تهدید و شکنجه تا نفوذ در بین نمایندگان اروپایی



امضا نکرده‌اند یا به عنوان میزبان مشترک کنفرانس‌هایی که هرگز آن را تایید نکرده‌اند، گنجانده است.»

همچنین در این قطعنامه آمده است که فرقه تروریستی رجوی برای گمراه کردن نمایندگان پارلمان اروپا و سامانه شفافیت (Transparency Register) از بیش از ۴۵ عنوان جعلی استفاده کرده است.

پیگیری‌ها نشان می‌دهد، بند مربوط به فرقه رجوی به پیشنهاد گروه تجدید اروپا (متشکل از احزاب لیبرال پارلمان اروپا) به قطعنامه اضافه شده است.

علی‌رغم اینکه نمایندگان عضو این گروه پارلمانی عمدتاً از چهره‌های ضد ایرانی هستند، اما فریبکاری‌ها و شیوه‌های متقلبانه فرقه رجوی برای اعمال نفوذ در پارلمان اروپا به حدی رسیده است که موجب اعتراض شدید این نمایندگان نیز شده است.

قابل ذکر است در پی فشارهای آمریکا و سرویس‌های جاسوسی غربی، اتحادیه اروپا در سال ۱۳۸۷ فرقه رجوی را از فهرست گروه‌های تروریستی خود خارج و امکان فعالیت گسترده آن‌ها در کشورهای اروپایی را فراهم کرد.

بندهای مقدماتی این قطعنامه، به اقدامات فرقه تروریستی رجوی اختصاص یافته است.

فرقه تروریستی رجوی در سال‌های گذشته با استفاده از روش‌های گوناگون مانند پرداخت مبالغ هنگفت و روش‌های متقلبانه تلاش کرده است تا حمایت سیاستمداران غربی را به نفع خود جلب کند تا یک چهره موجه از خود به نمایش بگذارد.

اما این اولین بار است که یک نهاد رسمی اروپایی به فریبکاری‌های این فرقه برای جذب سیاستمداران و سوءاستفاده از نام آن‌ها پرده‌برداری می‌کند.

پارلمان اروپا در بخشی از قطعنامه اخیر، فرقه تروریستی رجوی را سازمانی معرفی کرده است که «متهم به ارباب، شکنجه و قتل اعضای دیاسپورای (مهاجران) ایرانی است و از شیوه‌های تهاجمی و میهم برای دیدار با نمایندگان پارلمان اروپا از جمله با پنهان کردن وابستگی حقیقی خود به این گروه استفاده می‌کند». در بخش دیگری از این قطعنامه به اقدامات فریبکارانه فرقه تروریستی رجوی اشاره شده است: «این سازمان نام نمایندگان پارلمان اروپا را در لیست امضاکندگان نامه‌هایی که

پارلمان اروپا در قطعنامه‌ای که اخیراً به تصویب رسیده است با اشاره به اقدامات خشونت‌آمیز فرقه تروریستی رجوی اعلام کرده که عناصر این فرقه، با فریبکاری و روش‌های گمراه کننده از نمایندگان و سیاستمداران اروپایی سوءاستفاده می‌کنند.

به گزارش فراق، پارلمان اروپا در فوریه سال ۲۰۲۳ با تشکیل «کمیته ویژه دخالت خارجی در روندهای دموکراتیک در اتحادیه اروپا شامل تبلیغات سوء، تقویت صداقت، شفافیت و پاسخگویی در پارلمان اروپا»، به تهیه پیش‌نویس قطعنامه‌ای به منظور ممانعت از دخالت خارجی در این پارلمان اقدام کرد.

در نهایت پس از تصویب پیش‌نویس قطعنامه‌ای تحت عنوان «توصیه‌هایی برای اصلاح مقررات پارلمان اروپا در مورد شفافیت، صداقت، پاسخگویی و مبارزه با فساد» در این کمیته، پارلمان اروپا این قطعنامه را در ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۳ به تصویب رساند.

در بخش مقدماتی این قطعنامه، به موارد متعددی از لابی کشورهای خارجی در پارلمان اروپا اشاره شده است.

اما نکته قابل توجه اینجاست که یکی از

دبیر ستاد حقوق بشر ایران

## جلسات رسیدگی به پرونده سران فرقه رجوی بایستی علنی برگزار شود

مقامات دولت آلبانی فهمیدند که این فرقه، ماهیت تروریستی دارد

ایران تحویل دهند و با خودشان با تشکیل دادگاه به جنایات این فرقه رسیدگی کرده و آنها را محاکمه کنند. در حال حاضر، مستندات بسیار زیادی درخصوص فرقه تروریستی رجوی در دست داریم و چنانچه این کشورها دادگاهی تشکیل دهند، جمهوری اسلامی ایران مستندات را در اختیار این کشورها قرار می‌دهد، همچنان که مستندات لازم را در اختیار برخی کشورها قرار دادیم. تصمیماتی هم که اخیراً علیه این فرقه تروریستی اتخاذ شده، ناشی از ارائه مستندات از سوی ایران به کشورهای مربوطه بوده است و این کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که فرقه رجوی ماهیت تروریستی دارد.

## استکھلم هیچ ادله‌ای برای دستگیری

## حمید نوری ندارد

غریب آبادی خاطرنشان کرد: باور جمهوری اسلامی بر این است که آقای نوری بی‌گناه در سوئد دستگیر شده و ایشان هیچ جرمی مرتکب نشده است. هنگامی که دولت سوئد مبادرت به بازداشت آقای نوری کرد، تا زمان صدور کیفرخواست بیش از یک سال و نیم به طول انجامید که این موضوع ناشی از این بود که استکھلم هیچ ادله‌ای برای دستگیری آقای نوری در دست نداشت. بازداشت آقای نوری از نظر ما در حقیقت ماهیت سیاسی دارد. وی اظهارداشت: در طی یکسال و نیم بازداشت آقای نوری، تمامی حقوق بشر ایشان از جمله حق سلامت، بهداشت، حق وکیل، دادرسی عادلانه، تماس با خانواده و ... در زندان نادیده انگاشته شد. پرونده آقای نوری در حال حاضر در مراحل پایانی تجدیدنظر قرار دارد. ما از طرق رسمی به دولت سوئد گفته ایم که ایشان بی‌گناه است و می‌بایست تبرئه شود. آقای نوری نه تبعه سوئد است و نه جرمی مرتکب شده است. دبیر ستاد حقوق بشر ایران خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران دستگیری آقای نوری توسط دولت سوئد را به نوعی حمایت از تروریسم تلقی می‌کند، چرا که در پشت پرده این موضوع فرقه تروریستی رجوی قرار دارد.

فرقه تروریستی رجوی در داخل کشور بسیار منفور است. در همین راستا، طبیعی است در قبال اقداماتشان می‌بایست پاسخگو باشند و این یک نکته کلیدی است.

غریب آبادی افزود: کیفرخواستی که اخیراً صادر شده برای ۱۰۴ نفر از سران فرقه تروریستی رجوی بوده و نیز موعدی که می‌بایست وکلای خود را معرفی می‌کردند طی چند روز قبل به اتمام رسیده و دادگاه در حال حاضر مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، از کانون وکلا درخواست معرفی وکلای تسخیری نموده و تمامی مراحل قانونی و نیز دادرسی عادلانه در این پرونده همچون سایر پرونده‌ها رعایت خواهد شد. وی گفت: برگزاری علنی دادگاه رسیدگی به جنایات فرقه تروریستی رجوی منوط به تصمیم دادگاه می‌باشد و من بر این باور هستم که جلسات رسیدگی می‌بایست علنی برگزار شود، چرا که افکار عمومی داخل و عرصه بین الملل لازم است تا شاهد جنایات تروریستی فرقه رجوی باشند و با خوی وحشی و تروریستی این فرقه آشنا شوند.

## استقبال جمهوری اسلامی ایران از موضع دولت آلبانی درخصوص فرقه تروریستی رجوی

غریب آبادی گفت: از موضعی که دولت آلبانی درخصوص فرقه تروریستی رجوی اخیراً اتخاذ کرد، استقبال می‌کنیم و البته این تصمیم کافی نیست. با این وجود، خوشنود هستیم که مقامات دولت آلبانی به این باور رسیده‌اند که این فرقه، ماهیت تروریستی دارد و استقرار و حضور فرقه رجوی در این کشور در حقیقت تهدیدی علیه صلح و امنیت کشور و مردم آلبانی محسوب می‌شود.

**کشورهای میزبان فرقه تروریستی رجوی تروریست‌ها را به ایران تحویل دهند**  
غریب آبادی تاکید کرد: ما از کشورهایی که میزبان فرقه تروریستی رجوی هستند، می‌خواهیم تروریست‌ها را از خاک خود اخراج کرده و یا برای محاکمه به جمهوری اسلامی

دبیر ستاد حقوق بشر ایران گفت: جلسات رسیدگی به پرونده سران فرقه رجوی می‌بایست علنی برگزار شود، چرا که افکار عمومی داخل و عرصه بین الملل لازم است تا شاهد جنایات تروریستی فرقه رجوی باشند و با خوی وحشی و تروریستی این فرقه آشنا شوند

به گزارش فراق، کاظم غریب آبادی در گفتگوی اختصاصی با شبکه خبری العالم درباره تشکیل پرونده برای سران فرقه رجوی و رسیدگی به جنایات این فرقه تروریستی، تبادل زندانیان میان ایران و آمریکا، بازداشت حمید نوری و صدور کیفرخواست پرونده متهمان ترور حاج قاسم سلیمانی سخن گفت.

وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران جزء معدود کشورهایی باشد که آماج حملات تروریستی قرار داشته و دارد، گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهک‌های تروریستی با حمایت‌های غرب و آمریکا ایجاد شدند و بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم بی‌گناه را ترور کردند، ۱۷ هزار نفر، آماری است که مربوط به سال‌های گذشته بوده و اکنون دستگاه‌های ذیربط درحال برورسانی این آمار هستند که قطعاً آمار فعلی، بیش از ۱۷ هزار نفر است که بیشتر آنها توسط فرقه تروریستی رجوی در اقصی نقاط ایران به شهادت رسیدند.

غریب آبادی افزود: فرقه تروریستی رجوی همانند سایر گروه‌های تروریستی، عمدتاً در برخی کشورهای غربی استقرار دارد و از حمایت آنها برخوردار هست، البته بر این باور هستیم که غربی‌ها از این گروهک‌ها به عنوان ابزار برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. بایستی خاطرنشان کرد این گروهک‌های تروریستی از توانمندی و ظرفیت خاصی برخوردار نیستند که بتوانند نقش حمایتی برای سیاست خارجی غرب و آمریکا و حامیان آنها در خارج از کشور داشته باشند.

## فرقه تروریستی رجوی را باید در مقابل اقداماتشان پاسخگو نمود

دبیر ستاد حقوق بشر ایران اظهار داشت:



## مادری فداکار که همیشه در صحنه است

قدردانی کنم که هیچ گاه صحنه را خالی نگذاشته و در جمیع جهات به مبارزه توقف ناپذیر خود علیه رجوی و فرقه تروریستی اش ادامه می دهد تا بلکه بتواند فرزندش را از آن مهلکه ای که گرفتار آمده نجات بدهد.

خطاب به خانم عبداللهی عرض می کنم؛ شما کسی نیستید که فقط به خاطر فرزند خودتان این همه تلاش کنید، این روح لطیف شماس که ضمن مبارزه برای رهایی فرزند خودتان با سایر مادرانی که آنان نیز همانند شما هستند همراه و همقدم شدید و صدای آنان نیز بودید. ین همه را فقط باید در واژه فداکاری خلاصه کرد، فداکاری از جنس مادرانه که قطعاً همه معنای آن را می فهمند و برایش ارزش بسیاری قائل می باشند.

بنده به نوبه خود فقط خواستم از تمام زحمات شما قدردانی نموده و تشکر نمایم. همین میزان تلاش شما باعث انگیزه ای در من و سایر زنان گشته تا در هر مناسبتی که باشد در کنارتان بوده و افتخار همراهیتان را داشته باشیم. خداوند را به خاطر وجود نازنین شما شکرگذار بوده و امیدوارم که به زودی چشم شما و سایر مادرانی که در انتظار دیدار عزیزانشان هستند روشن گردد.

به احترام این روزهای گرمی که مصادف شده است با محرم الحرام و ایام عاشورایی از خداوند می خواهم که به شما سلامتی و عزت و احترام هر چه بیشتر عطا فرماید تا به مبارزه حق طلبانه خود ادامه داده و پیروز شوید.

می توانم بگویم که خانم عبداللهی انسان دیگری بوده و هست. تاثیر گذاری او بی نظیر است زیرا ایشان وقتی حرف می زند از دلش بر می خیزد، با تمام وجود و با تمام قوا حرف می ند و از دردهایش می گوید.

در این اواخر صحبت های ایشان را در شبکه نسیم دیدم، چندین بار در این گفتگویی که داشتند اشک های من سرازیر شد و قلبم درد گرفت. آخر این همه درد در سینه یک زن خیلی زیاد است، صبر و انتظار تا کی و تا کجا؟ جگر آدم خون می شود، لذا حیقم آمد که در این خصوص مطلبی کوتاه خدمت بینندگان محترم ننویسم و احساساتم را با شما به اشتراک نگذارم. دوست دارم از تلاش های بی وقفه سرکار خانم عبداللهی بسیار تشکر و



**شما کسی نیستید که فقط به خاطر فرزند خودتان این همه تلاش کنید، این روح لطیف شماس که ضمن مبارزه برای رهایی فرزند خودتان با سایر مادرانی که آنان نیز همانند شما هستند همراه و همقدم شدید و صدای آنان نیز بودید. ین همه را فقط باید در واژه فداکاری خلاصه کرد، فداکاری از جنس مادرانه که قطعاً همه معنای آن را می فهمند و برایش ارزش بسیاری قائل می باشند**

تلاش های خانم عبداللهی که نه تنها برای رهایی فرزند خودش، بلکه برای تمامی اسرای دربند فرقه رجوی است، ستودنی است و شایسته تقدیر.

به گزارش فراق، شهلا رضایی همسر یک عضو نجات یافته از فرقه رجوی در یادداشتی نوشت: من شهلا رضایی همسر آقای بخشعلی علیزاده هستم. همسر یکی از جدانشدگان از فرقه رجوی است. ایشان بعد از یک تصمیم کاملاً آگاهانه، درست و منطقی مصمم شد که صفوف تشکیلات رجوی را بعد از سال ها ترک کند و به آغوش وطن و به نزد خانواده اش باز گردد. بعد از آشنایی با همدیگر پیوند الهی ما ثبت شد و ازدواج کردیم. حاصل این ازدواج یک دختر است که خداوند به ما هدیه داد و زندگیمان را از آنچه که بود بهتر و شاداب تر نمود. در مدتی که من با آقای علیزاده آشنا شدم به فعالیت های حقوق بشری ایشان پی برده و مدام کارهای ایشان را دنبال کرده و می کنم. در این مدت با تعدادی از خانواده های دیگر هم آشنا شدم. با یکی از خانواده ها که بیشتر از بقیه آشنا شدم، خانمی بود به نام مادر ثریا عبداللهی. ایشان از همان ابتدا با روحیه شاداب و جنگنده ای که داشت مرا جذب خودش کرد. دردهایی که او متحمل شده بود را شاید کمتر مادری در دوران ما دیده و کشیده باشد. این افتخار را داشتم که در چندین نوبت با ایشان در جلساتی باشم و با خانواده های بیشتری آشنا شوم ولی به جرات

افشاگری از مصطفی بهشتی

## رجوی می گفت به همسران سابق خود بگویند «عفریته»



رجوی در نشست‌های انقلاب مریم خطاب به کسانی که همسر خود را به اجبار طلاق داده بودند، گفت، هیچ مجاهدی حق ندارد بگوید «همسر سابق» باید بگوید «عفریته سابق».

به گزارش فراق، مصطفی بهشتی در یک افشاگری جدید از ماهیت فرقه پلید رجوی نوشت: یادم هست در یکی از نشست‌های انقلاب مریم، رجوی در مورد بحث افرادی که دارای همسر بودند گفت، هیچ مجاهدی حق ندارد بگوید یاد همسر سابق افتادم، باید بگوید به یاد «عفریته سابق» افتادم.

وی در این نوشته خود افزود: دلم برای افرادی که همسر داشتند می‌سوخت چرا که باید به اجبار حرف رجوی را در نوشتن گزارش‌های غسل و لحظاتی‌شان در مورد همسرانشان می‌نوشتند و در جمع می‌خواندند. این کار

مصطفی بهشتی در این نوشته تصریح کرد: رجوی می‌گفت، زنان شما باید برای من و محرم من باشند. باید آن‌ها را به من بدهید. حتی حق فکر کردن به زنان خود را ندارید. مرد مجاهد به چه حقی به زن خود فکر می‌کند؟ حالا ببینید دم از آزادی و برابری زن و مرد می‌زنند و می‌گویند زنان حق انتخاب دارند.

رذیلاته رجوی دقیقاً ضد انسانی و توهین به زنان بود. نفرت باید در نشست غسل روزانه حتی فکر کردن به همسرانشان را هم باید در جمع بیان می‌کردند. حتی اجازه نداشتند فکر به زندگی گذشته بیفتند. رجوی با این کارها می‌خواست افراد را تحقیر کند و بیشتر شستشوی مغزی دهد.

## فراق

پایگاه خبری-تحلیلی  
را در شبکه‌های اجتماعی  
دنبال کنید

فعالترین و پر مخاطب‌ترین گروه رسانه‌ای  
در حوزه افشاگری از سیمای نفاق

## سیاست چماق و حلوا برای جلوگیری از ریزش نیرو

و در این نقطه بود که فرقه و یا مسئولین تشکیلاتی فرد توان برگرداندن فرد را به حالت نرمال نداشتند. البته در عراق با تهدید و فشار روانی و روحی تا حدودی غلیان نیروهای ناراضی را موقتا خاموش می کردند اما در آلبانی در این زمینه ناکام شده اند و با متوسل شدن به حربه های کثیفی مانند قطع کمک مالی وایزولاسیون نیرویی و یا با تهدید و تطمیع با نیروهای عصیانگر که می خواهند جدا شوند برخورد می کنند.

لذا فرقه برای مقابله با پدیده ریزش نیرویی از روش چماق و حلوا استفاده می کند. چماقش این است که افراد را در خارج از مناسبات و تشکیلات ایزوله می کند و تلاش می کند که به لحاظ سیاسی او را ترور کند و با انواع و اقسام برچسب ها و پرونده سازی و شیطان سازی این چماق را بر سر نیروهای باقیمانده نگه دارند.

سیاست حلوا هم این است که با وعده و وعید و دادن مبلغی بخور و نمیر افراد را کماکان در چنبره تشکیلات قرار می دهد و سایه شوم اش را مرئی و نامرئی بر سر جدا شدگان نگه می دارد.

به جرات می توان گفت که مخوف ترین تشکیلات در حال حاضر تشکیلات فرقه رجوی است هیچ تشکیلات و جریانی پیچیده تر و خطرناک تر از این فرقه در جهان وجود ندارد.

دوم: اصرار و بر خشونت و جنگ مسلحانه فرقه رجوی که استراتژی اش مبتنی بر جنگ مسلحانه است لاجرم خمیر مایه تمام اصول و تاکتیک هایش خشونت و نابودی است. در دهه هشتاد میلادی اکثر گروه های چپ ایرانی که در نوار مرزی ایران و عراق در کردستان بودند نیروهایشان همواره دستخوش کشت و کشتار های درون گروهی و تصفیه فیزیکی بودند و رهبران و مسئولان خیلی راحت با یک برچسب نفوذی فردی را اعدام صحرایی می کردند.

سه نفر از خودش بالاتر تحت کنترل مستمر قرار گرفت و نیروهای هم سطح هم باید مستمرا دیدبان فرقه برای یکدیگر می شدند و از دوستان و رفقایشان مستمر گزارش کتبی و یا شفاهی می دادند. دوستی و رفاقت به معنی عام آن در فرقه از بین رفت و ساختار تشکیلاتی شرایط را طوری تغییر داد که هیچکدام از افراد به هم اعتماد نداشتند و به نوعی از هم ترس داشتند. در مواردی هم که افراد خارج از چشم مسئولین با هم گرم می گرفتند و یا خصوصی با هم صحبت می کردند به شدت تحت برخورد قرار گرفتند.

بخش عمده به اصطلاح افشاگری های فرقه بر علیه جداشدگان گزارشهایی است که به زور و اجبار از افراد گرفته اند و در مواردی هم افراد آن قدر تحت فشار قرار داده می شدند که به دروغ یک سری چیزی ها را علیه خودشان مطرح می کنند تا تشکیلات دست از سر آنها بردارد.

سیستم فرقه در کنار مغزشویی افراد ارتباطات نیروها را به طور مطلق با دنیای بیرون قطع کرد و همه را به یک مسیر کانالیزه نمود که آن هم رهبری فرقه بوده است.

در کنار مغزشویی مستمر و قطع ارتباطات بیگاری و کارهای پوشالی بود که بصورت سیستماتیک برنامه ریزی می شد به طوریکه افراد در ۲۴ ساعت روز حتی یک ساعت وقت خالی و فراغت نداشته باشند تا مجالی برای فکر کردن پیدا نکنند.

با این سیستم هولناک که باورش برای افراد خارج از فرقه خیلی سخت است تمام افکار و اندیشه های نهفته در دورن افراد تبدیل به یک کمپلس و عقده و فشار می شد که با کوچکترین جرقه یا تلنگری که به افراد از طریق دسترسی به اطلاعات یا خانواده هایشان وارد می شد افراد مانند فیر فشرده شده باز می شدند و یک انرژی و پتانسیل زیادی آزاد می شد که افراد در تشکیلات عصیان می کردند

فرقه رجوی هر ترفندی هم که به کار بگیرد نمی تواند جلوی خروج افراد و ریزش نیرویی را آن هم با این حجم که اکنون دیگر به سطح فرماندهان و حتی زنان عضو شورای مرکزی سازمان رسیده است، بگیرد.

به گزارش فراق، عیسی آزاده، نجات یافته قدیمی از فرقه رجوی در یادداشتی با اشاره به موج صعودی ریزش نیرو در آلبانی نوشت: مسعود رجوی با انواع و اقسام تهدید و ارباب و ایجاد دهها زندان تلاش داشت که جداسدن از فرقه را به صفر برساند اما موفق نشد. او حتی به سازمان امنیت مخوف صدام حسین هم متوسل شد و تعداد زیادی از جدا شدگان را روانه شکنجه گاه زندان بدنام ابوغریب کرد اما باز هم فایده نکرد و ریزش نیرو به جای سیر نزولی سیر صعودی به خود گرفت.

دلایل ریزش نیرویی در فرقه رجوی:

اول: ساختار فرقه ای تشکیلات رجوی دوم: اصرار بر خشونت و جنگ مسلحانه اول: ساختار فرقه ای تشکیلات رجوی

با محکم شدن پایه های قدرت رجوی در سازمان مجاهدین این سازمان شکل و محتوایش دچار یک دگردیسی گسترده ای شد و عملا رهبر در جای خدا نشاند شد و نیروها به عنوان مریدان بی چون و چرا خوانده شدند و آشکارا در تشکیلات اعلام شد که: چشم و دهان بسته و فقط گوش باز! (آن هم فقط به حرف های رهبری و دستگاه تبلیغاتی فرقه اش). اندیشه فرقه گرایانه تمام تار و پود سازمان را در بر گرفت و فکر و اندیشه و روح و جسم نیروها در انحصار رهبر قرار گرفت و هرگونه اختیاری از افراد سلب شد حتی فکر کردن افراد هم با مغزشویی مستمر و روزانه تحت سیطره و کنترل تشکیلات فرقه قرار گرفت. و فکر کردن جز به رهبر فرقه ممنوع شد و انتقاد و اشکال گرفتن از رهبری به عنوان یک گناه کبیره در تشکیلات میخس کوبیده شد.

هر نیرو به طور ۲۴ ساعت حداقل توسط

رجوی بارها مطرح می کرد که علیرغم حق قانونی مان من اجازه ندادم کسی در سازمان اعدام شود. که البته این یک بلوف بود و برای اینکه خودش را در اذهان نیروها از همه رهبران سایر گروهها بالاتر جلوه دهد این بلوف ها را می زد. به باور همه نیروهایی که از این فرقه جدا شده اند اعدام کردن از زندگی با اعمال شاقه در درون فرقه خیلی راحت تر بود.

بر خلاف ادعای رجوی که در فرقه اش اعدام نیست کشته شدن آن تعداد از افراد که در زندان سال ۷۳ در قرارگاه اشرف در عراق زیر شکنجه جان دادند اسمش چیست؟

وقتی دادگاه چند هزار نفره بر گزار می کردید و باید صدها نفر روی یک نفر تف کنند و سیلی برپناگوش آن بینوایی که درخواست جدا شدن کرده است بزنند اسمش چیست؟

دهها مورد خودکشی در درون فرقه اعم از زن و مرد و پیر و جوان که جانشان به لبشان رسیده بود اسمش چیست؟ دستور کشتن جدا شدگان و ترور سیاسی آنها و تعقیب و مراقبت

مستمر جدا شده ها و ضرب و شتم های وحشتناک توسط گزمره های فرقه حتی در همین اروپا اسمش چیست؟ حتی شما به یک پدر و مادر پیر یعنی مصطفی محمدی و همسرش هم که برای ملاقات دخترشان در آلبانی هستند رحم نکردید و اول اقدام به ترور سیاسی وی کردید و وقتی زورتان نرسید دهها قلاده از ربات هایتان را به خیابانهای تیرانا گسیل کردید تا این پدر و مادر را ترور فیزیکی و یا در اذهان بد نام جلو دهند اما از ترس پلیس و قانون ترور را متوقف کردید و فهمیدید که اینجا قلعه اشرف و عراق صدام حسین نیست. بفرمایید این کارها اسمش چیست؟

نتیجه گیری:

فشارهای سیستماتیک و فوق طاقت انسان در تشکیلات برای برده سازی فکری در فرقه نیروها را به مرز جنون می رساند که یک دفعه مانند چله از کمان خارج می شوند و با قبول همه نوع خطرات از فرقه جدا می شوند. اعمال خشونت طلبانه فرقه باعث یک تنش

و اصطکاک مستمر بین نیروها شده است. در تشکیلات هیچ کس به نفر کنار دستی اش که سالیان یک جا می خوردند می خوانند اعتماد ندارد. این درگیریهای مستمر و نا امنی افراد را به سمت درگیری فیزیکی با هم و با فرماندهانشان سوق می دهد. کمتر روزی است که در تشکیلات درگیری و بزن بزن وجود نداشته باشد. افراد در سطح و مدار بالایی تشکیلاتی که جدا شده اند خوب می دانند من چه می گویم. در بولتن تشکیلات نیرویی درگیری های فیزیکی قید می شد.

بنابر این، فرقه رجوی با دو چالش تشکیلات و مناسبات فرقه گرایانه و خشونت و جنگ مسلحانه تا آخرین روز حیاتش دستخوش جدایی نیروها می باشد و فرقه هر ترفندی هم که به کار بگیرد نمی تواند جلوی خروج افراد و ریزش نیرویی را آن هم با این حجم که اکنون دیگر به سطح فرماندهان و حتی زنان عضو شورای مرکزی سازمان رسیده است، بگیرد.

## انتظار بی صبرانه ملت ایران برای محاکمه خائنین

نادر محمدی - کردستان

همزمان با اعلام آمادگی دستگاه قضایی کشورمان برای محاکمه سران فرقه تروریستی رجوی، امیدهای مردم نیز برای تسریع در روند این محاکمه افزایش یافته، بی صبرانه در انتظار این محاکمه هستند.

مسعود رجوی و دیگر و دارودسته این فرقه تروریستی که یک روز تا بیخ دندان مسلح و مست از دلارهای اجانب و جیره خواری صدام دیکتاتور، حمام خون ایرانیان هم کیش و زاد خود را به راه می انداختند شاید هیچگاه به مغز لجن زده و متفنشان خطور نمی کرد که روزی خواهد رسید در پیشگاه مردم ایران، مفلوک و درمانده با روی سیاه و نهایت شرمساری، مجبور باشند پای میز محاکمه بایستند.

اجرای عملیات های تروریستی بی شمار بر ضد مردم ایران، همراهی با صدام دیکتاتور در کشتار بی رحمانه کوردهای عراقی، مشارکت در قتل شیعیان آن کشور و خوش خدمتی به بیگانگان خصوص به آمریکایی ها و اسرائیلی ها در افشای اسرار نظامی و هسته ای کشور که به شهادت دانشمندان هسته ای انجامید تنها بخشی از جنایت های مسعود رجوی و سازمان درهم شکسته و زواردرفته فرقه رجوی است که در فرادهای نه چندان دور باید پای میز محاکمه پاسخگو باشند. در کنار این جنایت ها، قطع به یقین سلسله دادگاههای درنظرگرفته شده برای محاکمه سران فرقه تروریستی رجوی، مملو از افشای جنایت های هولناک و

تاریک این گروهک در حق اعضای در زنجیرکشیده خود خواهد بود که در آغازین سالهای جوانی به طرق و ترفندهای گوناگون گرفتار فرقه شده و امروز پیر و فرتوت و درهم شکسته اند. ملت ایران بی صبرانه در انتظار برپایی یکی از بزرگترین و مهمترین دادگاهی است که در آن خائنین به خلق ایران در ازای ده ها سال جنایت و خیانت، باید محاکمه و به سزای اعمالشان برسند و خانواده های اعضای گرفتار در سازمان مخوف و ضدبشری فرقه رجوی، باید بخش جدای ناپذیری از شاهدان جنایت و خیانت و دنات مسعود رجوی، مریم قجر عضدانلو و دیگر پوشیدگان این فرقه در دادگاههای علنی محاکمه باشند.

می‌رسید، آن زمانه هیچ فریاد رسی نبود و در این کره خاکی دادخواهی‌های ما شنونده‌ای نداشت. مریم رجوی فکر می‌کرد یک تاز میدان است و روز حساسی در کار نیست، اما امروز آن زندان و سلول انفرادی تمام شده است و من آزاد هستم، اما هنوز مریم رجوی زنده است و نفس می‌کشد، اما خوشبختانه مسعود رجوی به لطف خدا، از صحنه حذف شده و امروز جرات عرض اندام ندارد، اگر زنده هم هست دیگر مسعود رجوی زندان ساز و دیکتاتور آن روز نیست، جنازه‌ای متعفن است که هیچ کس سمت او نمی‌رود، سازمان هم با تمام شعبده بازیهایش دیگر حتی یک نفر هم نیرو جذب نمی‌کند، پس این نشان می‌دهد که زمان همه ظالمان را به خاک سیاه می‌نشانند، مسعود رجوی که روزگاری در این دانشگاه و آن استادیوم سخنرانی می‌کرد و جوانان را به دور خود جمع می‌کرد، امروز باید در سوراخ موش و در تاریکی‌های سیاه چاله‌ها دو سه کلمه پیامچه بفرستد که آن هم خریداری ندارد.

ادعای ما جدادگان این است که فرقه رجوی در تمامیت خودش به همراه رهبران کذائی و شعبده بازش در حال قبض روح است، صدها و هزاران لعنت و نفرین مادرها و پدرها و جدادشده‌ها هم پشت سرش است، تاریخ نشان داد که به مرور زمان نیروهای میرنده و مستهلک و البته ظالم، از صحنه حذف خواهند شد، فضاقت اخراج سازمان از عراق کم چیزی نبود که به همت خانواده‌ها و جدادشده‌ها از عراق محقق شد، امروز هم ورود پلیس آلبانی به دخمه مجاهدین رویداد و رخداد کوچکی نیست، حتما که این گونه تفحص‌های امنیتی دولت آلبانی خیلی زود به بار خواهد نشست و میوه خواهد داد، زمان اضمحلال و فروپاشی فرقه رجوی در تمامیتش نزدیک است. توصیه ما هم به سران سازمان این است که تاریخچه بعد از ورود خود به عراق را مرور کنند و از وقایع اتفاق افتاده درس بگیرند، کسانی که از تاریخ درس نگیرند به تکرار آن محکوم هستند، دیروز اخراج از عراق نتیجه عملکردهای سیاه سازمان بود، اکنون نیز در به همان پاشنه می‌چرخد، در آلبانی هم تاریخ مجاهدین در حال تکرار است.



## نیم قرن برده‌داری نوین

| محمدرضا مبین |

است، همان دخمه‌ها هست و زندان‌ها. اولین بار که در سال ۱۳۷۶ لب به اعتراض گشودم، شبانه به سلول انفرادی منتقل شدم، مبدا که دیگران هم صدای اعتراض و انتقاد را بشنوند، شش ماه بی هیچ گناهی در سلول انفرادی حبس شدم، سلول‌های کناری هم پر بود از بچه‌های بی گناهی که به بند کشیده شده بود، در سازمانی بودیم که خود مدعی رعایت حقوق بشر بود، اما خود اولین و بزرگترین ناقض حقوق بشر بود، ماهها هیچ صدایی شنیده نمی‌شد، بازجویی‌های شبانه تنها تفریح ما بود، چرا که برای دقایقی و ساعاتی که به بازجویی برده می‌شدیم، چند قدمی راه می‌رفتیم و یک نفر بود که با ناسزا و انواع فحش‌های رکیک از ما پذیرائی می‌کرد! گاه گذاری هم در سلول‌های بغلی وقتی یک زندانی را به باد کتک می‌گرفتند صداهائی شنیده می‌شد و با ضجه و ناله به پایان

امروز اعضای مفلوک سازمان در اسارتگاه‌های مجاهدین به بند کشیده شدند و مریم رجوی مشغول خوشگذرانی در خاک بورژوازیست، سالهاست که عده‌ای از جوانان را پیر کردند و خام خیالانه در فکر آزادی هستند، این چه آزادی است که باید صدها انسان در بند باشند، نزدیک به نیم قرن است که این برده‌داری نوین در جریان است و مجامع حقوق بشری، سکوت پیشه کرده‌اند، مگر این انسان‌ها حق زندگی ندارند؟

آن زمان که در اشرف بودیم در ساختمان‌هایی به سر می‌بردیم که مخروبه بود و تازه این مخروبه‌ها هم به زندان‌های انفرادی مبدل شده بود، صدایمان هم به جایی نمی‌رسید، هر کس صدایش در می‌آمد به قرنطینه و سلول‌های انفرادی منتقل می‌شد و با انواع روش‌های غیرانسانی مورد برخورد قرار می‌گرفت، امروز هم هیچ چیز عوض نشده

افشاگری هولناک «حمید چاهه» پس از ۱۰ سال سکوت و برای اولین بار

## سرگذشت دردناک زنی که ۲۱ سال در بیمارستان روانی است

خواهر جوانم با توطئه رجوی‌ها مورد تجاوز گروهی قرار گرفت



«حمید چاهه» عضو پیشین فرقه رجوی پس از ۱۰ سال سکوت و برای اولین بار از جنایت هولناکی در حق خواهرش که عضو مجاهدین بوده، پرده برداشت.

به گزارش فراق، حمید چاهه با ۱۲ سال سابقه حضور در فرقه (از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۲) در گفت و گو با سیامک نادری، یکی از جدانشده های قدیمی از سرنوشت هولناک خواهر جوان ۲۳ ساله اش به نام معصومه چاهه سخن گفت و به دادخواهی پرداخت.

معصومه سال ۱۳۸۰ خواهان جدایی از تشکیلات بود و به همین دلیل توسط مسئولان تحت فرمان مسعود و مریم رجوی در قرارگاه اشرف واقع در عراق مورد اذیت و فحاشی در نشست های جمعی قرار گرفت، سپس زندانی و شکنجه شد.

سگ‌های رجوی معصومه را به لب مرز ایران و عراق فرستادند. معصومه آنچنان که خود می گوید در مرز مورد تجاوز گروهی از مردان جوان سیاه چرده قرار گرفت: «تعدادی جوان که چهره هاشان سیاه بود درنبالم می دویدند و من فرار می کردم از دست آنها ... و بعد رسیدند و ... بعد افتادند رو من...» معصومه پس از تجاوز گروهی با بدنی خونین و دست های زخمی شده ناشی از سیم خاردارهای مرز ایران و عراق و میدین مین با لباس هایی پاره شده خود را به خانه یکی از اقوام خود در «شهر ری» رساند و در حالی که شوکه شده بود و قدرت تکلم نداشت به صورت پراکنده حقایق زندان و شکنجه توسط مجاهدین در قرارگاه اشرف و سپس تجاوز گروهی، اذیت و آزار قرار گرفتن خود را بیان کرد.

معصومه دختر جوان ۲۳ ساله بر اثر این شرایط هولناک و فجایی که مریم رجوی و رهبری عقیدتی فرقه مخوف و تبهکار مجاهدین، بر سر وی آورده تعادل روانی خود را از دست داد و الان ۲۱ سال است که در بیمارستان های روانی از جمله «امین آباد»

بسفری آویزان کرده بود پرده برمی دارد و نیز اینکه خودش هم می خواسته خودکشی کند. در ادامه او از جشن و شادی و رقص و پایکوبی در نشست مسعود و مریم رجوی به هنگام عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر توسط بن لادن و القاعده سخن گفته با اشاره به جهان بسته درون مجاهدین تاکید می کند: «هیچ ارتباطی با جهان خارج از کمپ نداشتیم، تلفن نداشتیم، حق تماس با خانواده نداشتیم، حق دیدن برنامه آزاد تلویزیون نداشتیم، رسانه های نداشتیم و در همان پذیرش به ما گفته بودند که با کسی صحبت نکنید، محفل شعبه سپاه پاسدارن است!»

به گفته سیامک نادری چاهه پس از جدانشدن از فرقه به دلیل اینکه هزینه ماهیانه زندگی در آلبانی توسط فرقه پرداخت می شد از او خواستند هوادار مجاهدین باقی بماند و برای مجاهدین با استفاده از چندین اکانت های جعلی در حمایت از مریم رجوی توثیت بزند اما او الان ساکن کانداست و فرقه رجوی به جهت پیام هایی که علیه رجوی در فیس بوک نوشته است چندی پیش از وی شکایت کرد.

بستری می شود. در بخش دیگری از این ویدئو حمید چاهه از سرکوب هولناک خود و دیگر اعضا در نشست های جمعی تحت عنوان نشست «دیگ» افشاگری می کند. «دیگ» اصطلاحی در تشکیلات فرقه رجوی است که در آن فردی را در نشست های جمعی سوژه می کنند یعنی داخل دیگ می اندازند و آتش شعله های دیگ را زیاد می کنند. منظور با فحاشی کردن، تهدید، توهین، تهمت زدن و تَف باران کردن و داد زدن های مستمر سایرین بر سر سوژه ای که برای ساعت های متمادی در درون دیگ قرار دارد تا سوژه از پای در بیاید و هر آنچه مسئولین فرقه مجاهدین می خواهند اعتراف کرده و سرسپار مطلق تشکیلات و مسئولین فرقه رجوی باشد و سوژه در این دیگ هیچ راه گریزی ندارد جز تن دادن به مسئول نشست که منوآت پلید رهبری عقیدتی برای ارباب هرچه بیشتر اعضا را دنبال می کند.

حمید چاهه در این گفت و گو همچنین از خودکشی یکی از اعضا به نام احمد رازانی که در سال ۱۳۸۹ در مرکز ۱۲ خود را از پهنکه

## حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای تشریح کرد راهکار قوه قضاییه چنانچه کشورهای غربی از تحویل سران فرقه رجوی سر باز زنند



اقدامات جنایتکارانه فرقه رجوی به شهادت رسیده و یا مجروح و شکنجه شده‌اند، در زمره شاکیان این پرونده هستند؛ علی‌احال چنانچه کشورهای غربی از تحویل عناصر فرقه رجوی سر باز زنند، ما از طریق بین‌المللی به تعقیب آن‌ها مبادرت می‌ورزیم کما اینکه تاکنون نیز این کار را کرده‌ایم.

رئیس قوه قضاییه در ادامه با اشاره به نقش آشکار و نهان آمریکا و رژیم صهیونیستی در حمایت از گروهک‌های تروریستی، تصریح کرد: دست جنایتکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی در بسیاری از ترورها، جنایت‌ها و تخریب‌ها که در سطح کشورهای منطقه ما به وقوع می‌پیوندد آشکار است؛ در قضیه داعش نیز مشاهده شد که مکرراً وقتی عناصر این گروه تروریستی در محاصره نیروهای مقاومت قرار می‌گرفتند این آمریکایی‌ها بودند که به کمک آن‌ها می‌شتافتند؛ در رقابت‌های انتخاباتی پیشین آمریکا نیز عیان شد که یکی از نامزدها، صریحاً از نقش واشنگتن در تأسیس داعش پرده برداشت.

باب تشکیل پرونده قضایی برای فرقه رجوی و شماری از سران برجسته این فرقه، ضمن تبیین و تشریح جنایت‌های فجیع فرقه تروریستی نامبرده علیه مردم ایران، اظهار کرد: امروز آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی آشکارا به حمایت و تجهیز فرقه رجوی مشغولند؛ فرقه‌ای که هزاران نفر از مردم ایران را به شهادت رسانده و علاوه بر همراهی و همکاری با رژیم متجاوز بعث، جنایت‌هایی فجیعانه و سبعانه را علیه مردم ما مرتکب شده است؛ لذا کشورهای غربی که به فرقه رجوی پناه داده‌اند اگر ملتزم به ضوابط بین‌المللی و مصوبات خود هستند، باید نسبت به تحویل عناصر این فرقه به ایران، اهتمام داشته باشند؛ ما در جمهوری اسلامی ایران در پی آن هستیم تا یک محاکمه عادلانه را بر اساس اصول و ضوابط دادرسی برای آن‌ها برگزار کنیم و حتی خطاب به آن‌ها برای تعیین وکیل نیز ابلاغ‌های مقتضی را صادر کرده‌ایم؛ باید توجه داشت که تعداد قابل توجهی از مردم عادی نیز که اعضای خانواده‌های‌شان در نتیجه

رئیس قوه قضاییه گفت: چنانچه کشورهای غربی از تحویل سران فرقه رجوی سر باز زنند، ما از طریق بین‌المللی به تعقیب آن‌ها مبادرت می‌ورزیم.

به گزارش فراق، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای، به مناسبت «روز حقوق بشر اسلامی» با تلویزیون المیادین از رسانه‌های تأثیرگذار و جریان‌ساز منطقه و جهان، به گفتگو نشست؛ برای انجام این مصاحبه، «عُسان بن جَدو» مدیر شبکه مزبور که در زمره شخصیت‌های رسانه‌ای سرشناس و برجسته منطقه و جهان است به عنوان مصاحبه‌گر در حوزه ریاست قوه قضاییه حاضر شد.

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در مطلع این مصاحبه که بیش از یک ساعت به طول انجامید، به تبیین و تشریح ساختار مستقل قضایی در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخت و سپس در باب ماهیت حقوق بشر اسلامی و تفاوت‌های ملموس آن با حقوق بشر ادعایی غربی، توضیحاتی مبسوط را ارائه کرد. محسنی اژه‌ای در بخشی از سخنان خود در



### یک مصداق عینی در فرقه رجوی

در یکی از نشست‌ها رجوی از ارتباط شمس و مولانا با همدیگر می‌خواست خودش را اثبات کند که نیروها و پیروان او حتماً بایستی از طریق رجوی به امامان و پیامبر و خدا برسند و ارتباط مستقیم هر مجاهد با خدا و قرآن شرک است:

روزی مولوی با مراد خود شمس از مسیری می‌گذشتند که به رودخانه‌ای عریض و پر عمق می‌رسند. شمس به مولوی می‌گوید باید از عرض رودخانه بگذریم و به آن سوی رودخانه برویم. مولوی می‌گوید با چی، اینجا که وسیله‌ای نداریم. شمس در پاسخ می‌گوید، تو دست مرا بگیر و ذکر یا شمس بگو ما هر دو از روی آب عبور می‌کنیم. مولوی نیز دست استاد را می‌گیرد و ذکر گویان از آب عبور می‌کند. مقداری از مسافت که طی شد، مولوی دقت می‌کند و متوجه می‌شود که شمس در زیر زبان ذکر یا علی زمزمه می‌کند. مولوی نزد خود فکر کرد؛ حتماً ذکر استاد قوی‌تر است و چرا خود نگوید. اما همینکه به تکرار آن ذکر مشغول شد، یکباره پایش در آب فرو رفت، استاد دست او برگرفت و گفت، هر کسی با ذکر مخصوص خود پیشرفت می‌کند، تو همان یا

عصانیت و عکس‌العمل پرخاشگرانه آنها نسبت به موضعگیری‌های سخنگوی جمهوری اسلامی در ۱۹ تیرماه، که مشخص بود چنان‌که عنوان از کف داده‌اند که اخلاق سیاسی و رسانه‌ای و ادبیات نوشتاری را نیز کاملاً فراموش کرده‌اند و صرفاً از فحش و ناسزاهای چاروا داری استفاده کنند که البته همین ادبیات نیز برازنده رجوی می‌باشد.

همچنین در پاسخ به موضعگیری‌ها و مقالات افراد جداشده، ارتش سایبری سازمان بلافاصله با تمام توان به میدان می‌آیند و جداشده‌ها را مزدور خطاب کرده و علیه آنها یقه‌درانی می‌کنند.

در این مطلب به چند نمونه از مصادیق خصوصیات فرقه‌ای در تشکیلات رجوی و خیانت‌های رجوی اشاره کوتاهی می‌کنم.

### فرقه شخصیتی چیست؟

فرقه شخصیتی یعنی ارادت و نگاه ویژه به یک رهبر کاریزماتیک داشتن. رجوی رهبر بلامنازع فرقه مجاهدین می‌باشد که همه افراد هویت و شخصیت خود را از او می‌گیرند و برای وصل به آرمان‌ها و ایدئولوژی حتماً بایستی از طریق او به معبود خویش وصل شوند.

صدیقه رجویی به علت مخالفت با انقلاب ایدئولوژی و طلاق از همسرش توسط جلادی چون مهوش سپهری (نسرین) کشته شد و علت مرگش را سکنه مغزی اعلام نمودند.

به گزار فراق، علی مرادی عضو جداشده از فرقه رجوی در یادداشتی نوشت: به کارگیری واژه فرقه برای سازمان رجوی و اشاره دقیق و مشاهدات عینی خیانت‌ها و جنایاتش توسط افراد جداشده‌ای که با گوشت و پوست خود در خلال سالها گذراندن عمر خویش مناسبات حکم بر این سازمان را به خوبی لمس نموده‌اند نه براساس اتفاق و تمایلات فردی بلکه محصول مطالعات دقیق و بحث و بررسی‌های طولانی مدت و تحقیقات در خصوص فرقه‌ها و ویژگی‌های آنها می‌باشد که با آنچه که ما در داخل تشکیلات رجوی دیده‌ایم و اکنون نیز بازتاب آنرا مشاهده می‌کنیم تطابق دقیق وجود دارد.

واکنش‌های هیستریک و عکس‌العمل‌های دیوانه‌وار این تشکیلات و سران آن به مطالب و مقالات افراد جداشده و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و سازمان‌های حقوق بشری که در خصوص آنها اظهار نظر می‌کنند، مصداق این واقعیت است که فرقه همیشه از انتقاد و پرسش و پاسخ حذر دارد.



ایدئولوژی و طلاق از همسرش توسط جلادی چون مهوش سپهری (نسرین) کشته شد و علت مرگش را سکنه مغزی اعلام نمودند. علی الفتی در بغداد کشته شد علت مرگ غرق شدن در فرات اعلام شد. سعید نوروزی در حین عملیات از پشت تیر خورد و عامل قتل را نفوذی اعلام نمودند. حمزه رحیمی در زندان در سال ۷۳ زیر شکنجه کشته شد اساسا خبری از او اعلام نشد. دختری بنام سعیده ( نام سعیده احتمالی است و دقیق از نامش یقین ندارم ) بعثت اینکه در سرود جمعی روی سن ترانه خواند به دستور مهوش سپهری توسط سمیرا شمس سرش به دیوار کوبیده و کشته شد و هیچ علتی اعلام نشد.

ما از روی سنگ قبرها متوجه می شدیم که فردی توسط تشکیلات و به دستور رجوی کشته شده که روی سنگ قبر او مجاهد خلق نمی نوشتند و یا از عبارت درگذشت و یا رزمنده و... استفاده می کردند. و نمونه های بسیار زیادی دیگر که در حوصله این مطلب نمی گنجد. امید است عمر باقی باشد و در ادامه مطالب به مصادیق بیشتری از جرم و جنایت و عملکرد های فرقه رجوی بپردازیم.

ذهن نیروهایش تزریق نماید و بتواند به راحتی شستشوی مغزی دهد. نشست های موسوم به دیگ، عملیات جاری و غسل هفتگی از اهرم های این شستشوی مغزی هستند. یعنی هیچ فردی نمی تواند لحظه ای آزاد برای فکر کردن داشته باشد و تمام وقت را باید به فکر ثبت و نوشتن تناقضات ذهن خود باشد و شب در نشست ها آنها را در مقابل جمع بخواند و تکفیر و تنبیه شود.

### از بین بردن افرادی که مخالف رهبر فرقه هستند

این نیز از خصوصیات فرقه هاست که اجازه ندهند مخالفی در گروه باشد چون ممکن است عقاید او گسترش پیدا کند و فرقه را نابود سازد. لذا رجوی با این علم هر صدای منتقد و مخالفی را در گلو خفه می کند. این کار با روش های مختلف صورت میگیرد.

نمونه هایی از افراد مخالف که توسط و یا بدستور رجوی حذف فیزیکی شدند به قرار زیر می باشد:

صدیقه رجبی به علت مخالفت با انقلاب

شمس بگو. سپس هر دو از روی آب گذشتند. صرف نظر از اینکه این داستان واقعی هست یا خیر و چند و چون این رابطه چگونه بوده است اما رجوی می خواهد از این موضوع رابطه مراد و مرید را به نیروهایش القا کند و اجازه ندهد انسانهای عاقل و بالغ با مطالعه و روشنفکران انقلابی واقع بین در این مسیر رشد یابند.

### قطع رابطه افراد با خانواده هایشان

رهبران فرقه ها برای نگهداری نیروهایشان ناگزیر هستند احساسات و عواطف را در درون آنها از بین ببرند تا بتوانند عشق و علاقه به رهبر را در آنها نهادینه کنند و نیروها را به خودشان وابسته نمایند.

هر انسان در ارتباط با خانواده اش همواره در تبادل احساس و عاطفه است و این نیروی عاطفه بسا قدرتمند تر از کشش رهبر سیاسی است. این افراد هر لحظه از عشق به مادر و خواهر و همسر و فرزند چنان سیراب میشوند که رهبر فرقه قدرت مهار شبانه روزی آنها را ندارد. لذا در اولین گام، ارتباط نیرو را با خانواده قطع می کنند و خانواده را در قالب هیولا، ضد مبارزه، مزدور، دشمن و ... به نیروهایشان معرفی می کنند که مصداق بارز و عینی آن شخص رجوی می باشد و رزم حماسی خانواده ها بیش از ۴ سال در مقابل پادگان اشرف خود گواه این حقیقت است.

### ایزولاسیون و حصار ذهنی، شستشوی مغزی

مهمترین ابزار نگهداری نیروها در یک تشکیلات فرقه ای ایزولاسیون و شستشوی مغزی می باشد. قطع ارتباط اخبار و رسانه، منع تبادل افکار، بی خبری از تمام تحولات و حوادث جهان اهرمی است که رهبر فرقه می تواند نیروهایش را شستشوی مغزی دهد. خوب و بد در مقابل هم قیاس می شوند. خیر و شر، غلط و درست و... این موارد در مقابل همدیگر قابل قیاس و نتیجه گیری و استدلال هستند که ذهن افراد را فعال و کنجکاو می کند تا در میان این تضاد قدرت انتخاب داشته باشد اما رجوی همه نیروها را از این استدلال و مجادله ها و مقایسه ها محروم می کند تا فقط دیدگاه و دستورات خود را به



## نقش تعیین کننده ممنوعیت تردد مریم رجوی به آلبانی در کنده شدن افراد

ابوالفضل نجیب

او به این کشور بیشتر از این جهت حائز اهمیت است. مضاف بر این که رفت و آمد او به آلبانی چنانچه مورد تصریح مقامات آلبانی بوده، از حیث ساماندهی عملی و روانی اقدامات غیر قانونی سایبری و ایضن عملیات شبه تروریستی میدانی در داخل ایران حائز اهمیت است.

اعمال محدودیت تردد مریم رجوی به آلبانی نقش تعیین کننده‌ای در کنده شدن افراد باقیمانده در تشکیلات به جا خواهد گذاشت. مضاف بر این که بسیاری از اعضای رده بالای سازمان در حال حاضر در اروپا مستقر هستند. واقعیت این است نقش مریم رجوی سوای اهمیت صوری که نتیجه‌ی فضا سازی‌های چند دهه‌ی اخیر است، به همین نقش روانی بر تشکیلات رجوی محدود می‌شود. بر خلاف آنچه درباره او بزرگ نمایی می‌شود این نقش فقط به نوعیت مناسبات درونی و همچنین پروپاگاندای رسانه‌ای حول و حوش او محدود می‌شود.

قطع این ارتباط حضوری بی تردید تأثیرات خود را در دراز مدت بر بدنه‌ی تشکیلاتی در تیرانا به جا خواهد گذاشت. آنچه شاید بتواند جایگزین این شوک شود، پررنگ شدن ارتباط‌های مجازی رجوی با مقر تیرانا باشد.

عدم حضور فیزیکی رجوی در میان اعضای باقیمانده معنی پیدا می‌کند. از این جهت که مریم رجوی نقش کلیدی و مهمی در بقا و حفظ تشکیلات رجوی به لحاظ سیاسی، ایدئولوژیکی و روانی ایفا می‌کند.

او در غیاب رجوی به نقطه‌ی وصل و چسب تشکیلات به رهبر ایدئولوژیکی تبدیل شده است. در اهمیت این نقش کافی است به پروسه‌ی تعمیق انقلاب ایدئولوژیک درونی توسط رجوی التفات شود. جایی که مریم رجوی به عنوان یگانه زنی که موفق به فهم و درک رجوی در مقام رهبر تمام قد سیاسی و ایدئولوژیکی می‌شود، و در نهایت فاز «انقلاب مریم» کلید می‌خورد.

فازی که در جریان تبیین و تعمیق آن، وصل به رهبری بدون وصل تمام و کمال به مریم به مثابه واسطه فرد و تشکیلات با رهبری به امر غیر ممکن تعبیر می‌شود.

آنچه تردهای مریم رجوی و ارتباط پیوسته و حضوری او در تشکیلات را حائز اهمیت می‌کند، همین نقش کاتالیزور و واسطه‌ای بین بدنه‌ی باقیمانده‌ی تشکیلاتی با مسعود رجوی است.

تصمیم دولت آلبانی مبنی بر ممنوعیت تردد

اعمال محدودیت تردد مریم رجوی به آلبانی نقش تعیین کننده‌ای در کنده شدن افراد باقیمانده در تشکیلات به جا خواهد گذاشت. اعلام خبر ممنوعیت ورود مریم رجوی به آلبانی از سوی رسانه‌های دولتی، تداعی کننده‌ی دوره‌ای است که مریم رجوی در زمان استقرار تشکیلات رجوی مدام بین عراق و فرانسه در رفت و آمد بود.

در آن سال ها استقرار مریم رجوی از عراق به فرانسه با هدف گذاری روند رایزنی و تقویت به اصطلاح فاز سیاسی صورت گرفت. آنچه رجوی سال ها به عنوان دیپلماسی انقلابی بر آن تاکید داشت، با استقرار دوباره او در فرانسه وارد فاز جدیدی شد.

آنچه طی دهه‌های مختلف از جذب دیپلمات‌ها و شخصیت‌های سیاسی اروپایی و آمریکایی شاهد هستیم محصول همین هدف گذاری است. با این حال حضور وقت و بی وقت مریم رجوی در اشرف و طی سال‌های اخیر در تیرانا از جهات بسیاری برای رجوی حائز اهمیت بود و هست.

اهمیت موضوع بیش از هر چیز در غیبت و

## در مراسم اکران مستند «از تیرانا تا تهران» برای شهروندان آلبانیایی عنوان شد مسئولیت ما در سراسر آلبانی این است که صدای مادران باشیم



خود دور و بی خبر باشد، گفت: الان متأسفانه سازمان مجاهدین خلق این کار را نه یک ساعت بلکه سالیان سال در حق مادران چشم انتظار انجام داده است. او تصریح کرد: مادران زیادی از دنیا رفتند ولی نتوانستند حتی یک دقیقه بعد از سالها با عزیزان خود صحبت کنند. در انتهای برنامه خانم اریسا رحیمی از همه شرکت کنندگان تشکر کرد و اعلام نمود که به زودی این مستند از سیمای نجات آلبانی پخش خواهد شد.

در ادامه خانم نعیمه جونگیسای، فعال سیاسی و مهمان ویژه برنامه، به سخنرانی پرداخت. جونگیسای گفت: مسئولیت ما در تیرانا و در سراسر آلبانی این است که صدای مادرانی باشیم که به دنبال آزادی فرزندانشان از اسارت سازمان مجاهدین خلق هستند. در ادامه آلدو سولولاری مدیر رسانه ای انجمن نجات آلبانی با طرح این پرسش که آیا حق هست یک مادر حتی یک ساعت از فرزند

مستند «از تیرانا تا تهران» برای جمعی از شهروندان آلبانیایی اکران شد. به گزارش فراق، مستند «از تیرانا تا تهران» ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳، در سالن نمایش هتل دورا سیتی در تیرانا برای شهروندان آلبانیایی پخش گردید که مورد استقبال حاضران قرار گرفت. در این برنامه ابتدا اریسا رحیمی توضیحاتی در باره مستند برای حاضران ارائه داد و سپس مستند «از تیرانا تا تهران» به نمایش درآمد.



پای درد دل‌های فریده پرورش  
خواهر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی

## سالاهاست از

## نهادهای بین‌المللی

## می‌خواهیم

## به داد ما خانواده‌ها برسند

و یا طرف جلادانی که مراقب تمام حرکاتش بودند. نگهبانان عکس‌هایی که مادرم به فریدون داد را از دست فریدون گرفتند و جلوی چشم ما تمام عکس‌ها را پاره کردند. گفتند فریدون دیگر نه مادر دارد و نه خانواده... بعد از چند دقیقه برادرم را بردند. من به دنبال فریدون دویدم و داد زدم داداشی بگذار رویت را ببوسم و خدا حافظی کنم، ولی نگهبانان اجازه ندادند و او را سوار ماشین کردند و بردند. با صحنه‌هایی که ما در عرض چند دقیقه دیدار با برادرم مشاهده کردیم وضعیت فریدون و سایر فرزندان که در داخل زندان اشرف گرفتار و اسیر شده‌اند را فهمیدیم، بیچاره مادرم فقط گریه و نفرین می‌کرد. سرانجام با آن وضعیت روحی و با رنج فراوان به ایران برگشتیم.

مادرم با گریه موقع برگشت می‌گفت، من به بچه‌های پسریم چه بگویم، بگویم پدر شما کجاست، چرا نیامد، چرا نگهبان با فریدون بود، مگه پسریم چه گناهی و یا جرمی کرده که در عراق زندانی شده. حتما کسانی که بچه من رو اسیر کردند از نفرت صدام بودند. مادرم این حرف‌ها رو با گریه می‌گفت و به

خدای من، فریدون را دیدیم. چقدر لاغر و سیاه شده بود. مادرم تحمل نیاورد با گریه خودش را بغل فریدون انداخت و با صدای بلند فریاد می‌زد که چرا لاغر و سیاه شدی نکند که مریضی؟ دو نفر نگهبان همراه فریدون بودند و با مادرم خیلی بد برخورد کردند. برادر و خواهرهایم از این عمل نگهبانان فریدون عصبانی شدند. آن‌ها فریدون را از بغل مادرم بیرون کشیدند و با عصانیت فریاد زدند که اجازه ندارید زیاد حرف بزنید، ما تا چند دقیقه دیگر فریدون را می‌بریم. مادرم التماس می‌کرد که اجازه بدهید چند ساعتی با فریدون تنها باشم. می‌خواهم از همسر و بچه‌هایش برایش بگویم. عکس بچه‌های فریدون را آوردم، قسم می‌دهم به خدا، فریدون نگاه کن بچه‌هایت بزرگ شدند.

این عکس همسرت معصومه است. هنوز هم منتظرت نشسته. با بچه‌هایت تماس بگیر تا صدایت را بشنوند بگو ما هم کنار تو هستیم. بیا با هم عکس بگیریم تا به بچه‌هایت نشان بدهی و به آنها بگویم که این پدر شماست. تنها نگاه‌های فریدون را می‌دیدیم. انگاری گیج شده بود. نمی‌دانست طرف مادرش بیاید

فریدون پرورش، یکی از اسیران فرقه رجوی است که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ از استان اردبیل به جبهه اعزام شد. وی مرداد ۱۳۶۷ در منطقه اسلام آباد به اسارت صدام درآمد و خانواده او بعد از چند سال مطلع شدند که فریدون در مقر اشرف دست فرقه رجوی اسیر شده است.

به گزارش فراق، فریده پرورش خواهر مهربان و چشم‌انتظار فریدون سالاهاست که در جمع خانواده‌های عضو انجمن نجات برای رهایی برادرش شبانه روز تلاش می‌کند. این خواهر عاشق در گفت و گویی با فراق جزئیات تلاش‌هایی که در این سال‌ها برای نجات برادرش کشیده را بیان کرد:

سال ۱۳۸۲ با مادر، خواهر و برادرانم به بغداد رفتیم. فاصله بغداد تا اشرف چهار ساعت بود. بالاخره با تحمل گرمای طاقت فرسای عراق به اردوگاه اشرف رسیدیم، ما را به نگهبانی که رویروی درب آهنی بزرگ راهنمایی کردند. چند ساعتی هم در نگهبانی منتظر نشستیم ولی خبری از فریدون نشد.

نزدیک‌های غروب بود که به ما خبردادند که فریدون جلوی درب نگهبانی منتظر شماست.

هم به پایان رسید ولی هیچ ملاقاتی صورت نگرفت. بعد از دیدار سال ۱۳۸۲ که بدترین خاطره در ذهن مادرم به جا مانده بود، روز به روز حالش وخیم و وخیمتر شد. مادرم سکنه قلبی کرد و در حالی که عکس های فریدون را جلوی چشمانش گرفته و با گریه و زاری با آن عکس ها حرف می زد حدود شش سال پیش چشم از این جهان خاکی فرو بست.

حالا سالهاست به تمامی ارگان ها و نهادهای بین المللی و حقوق بشری نامه می نویسیم که به داد ما خانواده ها برسید. من به عنوان یک خواهر دردمند و همچنین از طرف فرزندان فریدون، از تمام ارگان های حقوق بشری مسئول برای آزادی برادرم فریدون پرورش از دست فرقه رجوی درخواست کمک دارم. من از دولت آلبانی می خواهم هرچه زودتر برادرم را از اسارت مریم رجوی آزاد کند.

فریدون پرورش پیله رود فرزند ولی متولد ۱۷ خرداد ۱۳۴۴، دو فرزند دختر و چهار نوه دارد که به سن ازدواج رسیدند ولی آن ها را ندیده است.

اشرف برای دیدار با عزیزان خود به انتظار نشسته بودند. خیلی امیدوار شدم. دیگر تنها نبودم. بهترین شهادتی که ثابت می کرد، رجوی برادرم را از زندان صدام رها کرده، چرا که تمامی خانواده ها فریاد می زدند فرزندان ما را آزاد کنید.

بالاخره بعد از چند روز در روی خاکریزهای درب جنوب که خانواده ها هم بودند، برادرم را دیدم از ماشینی به نام آی فا پیاده شد. از دور شناختم و داد زدم فریدون من فریده خواهرت هستم. بیا چند کلمه از همین پشت سیم خاردارها حرف بزنیم. ولی متاسفانه برادرم با حالت عصبانی شروع به فحاشی و سنگ زدن به طرف من کرد.

واقعا باور نداشتم اینچنین با من برخورد کند. سنگ هایی که می زد با شدت تمام به بدنم اصابت می کرد. درد عجیبی تمام بدنم را می گرفت ولی من دیدن برادرم را حتی چند لحظه به درد هایی که بر جسمم وارد می شد ترجیح می دادم.

چهار سال انتظار برای دیدار چند دقیقه ای

ما التماس می کرد که بریم به سازمان ملل شکایت کنیم و کمک بگیریم.

بچه های فریدون منتظر پدر شان بودند ولی وقتی گریه مادرم را دیدند این انتظار به ناامیدی تبدیل شد. دختر بزرگ فریدون پرسید: مادر بزرگ پدرم مرده؟ و مادرم با گریه گفت نه زنده است می خواهد بیاد ایران ولی نمی دانم کی می آید. دختر کوچک فریدون گفت، از پدرم عکس گرفتی؟ و یا عکس مرا به پدرم نشان دادید و او در هنگام دیدن عکس من چه گفت؟ به او گفتید من ازدواج کردم و بچه دارم؟ عکس بچه ها رو به پدرم نشون دادید؟ و هزاران سؤال که سالیان سال است بی جواب مانده.

در سال ۱۳۸۹ با خبر شدم که عده ای از خانواده ها چند سالی است که جلوی درب زندان به انتظار دیدن عزیزان گرفتار خود در دست دژخیمان رجوی به انتظار نشسته اند. به همین دلیل من هم با هزاران امید راهی عراق (مقر اشرف) شدم.

خانواده ها ی زیادی جلوی درب زندان

### تهیه کننده فیلم سینمایی «سرهنک ثریا»

## «سرهنک ثریا» به سینماها می آید



دیگر آب و هوا هم شرایط مساعدی را برای سینما رفتن دارد. از این منظر همیشه فکر می کنم اوایل فصل پاییز بازه مناسبی برای اکران فیلم است.

این تهیه کننده سینما با اشاره به حوادث اخیر مرتبط با ورود پلیس آلبانی به مقر فرقه رجوی در این کشور و تأثیر آن بر استقبال از «سرهنک ثریا» گفت: برخی فکر می کردند موضوع فرقه رجوی موضوع کهنه و فراموش شده ای است و پرداختن به آن دیگر ارزشی ندارد اما با همین ماجراهای اخیر مشخص شد که این فرقه همچنان فعالیت های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی را ادامه می دهد.

جلیل شعبانی تهیه کننده فیلم سینمایی «سرهنک ثریا» از تدارک برای اکران این فیلم در فصل پاییز خبر داد.

به گزارش فراق، جلیل شعبانی تهیه کننده فیلم سینمایی «سرهنک ثریا» در گفت و گو با خبرنگاران گفت: با توجه به صحبت هایی که داشته ایم در حال مذاکره هستیم تا در فصل پاییز آن را اکران کنیم.

وی ادامه داد: زمانی که برای اکران فیلم در نظر گرفتیم حوالی مهرماه است. این فصل از آنجایی که فصل بازگشایی دانشگاه ها است و غالباً دانشجویها اوقات فراغت عصرگاهی خود را با تماشای فیلم در سینما سپری می کنند، فصل مناسبی برای اکران فیلم است. از طرف

## خانواده شهدای ترور کشور چشم انتظار یک رویداد بزرگ



— | سیدمحمدجواد هاشمی نژاد \*

اضطراب فرقه تروریستی رجوی از رویداد دادگاه به قدری بالا است که همه ظرفیت های دست ساز و لابی کننده خود در اروپا و آمریکا را بسیج کرده اند تا علیه دادگاه اظهار نظر کنند.

به گزارش فراق، هفتم مرداد جاری دادگاه کیفری یک استان تهران با صدور یک آگهی اعلام کرد قرار است ۱۰۴ نفر از سران فرقه تروریستی رجوی به اتهام جنایات ارتكالی محاکمه شوند. این آگهی از افراد مذکور خواسته بود تا ظرف یک ماه وکلای خود را معرفی کنند.

خبر آن چنان برای سرکردگان فرقه شوک آور بود که برخلاف رویه همیشگی یعنی واکنش سریع به اتفاقات و اخبار، هیچ کدام از رسانه های آنها تا ۴۸ ساعت هیچ مطلبی در این باره منتشر نکردند.

دو روز بعد یعنی ۹ مرداد، مسعود رجوی سرکرده فرقه و متهم ردیف اول فهرست منتشر شده دادگاه کیفری که از سال ۱۳۸۲ از هراس دستگیری، تاکنون متواری بوده است به این خبر واکنش نشان داد و طبق معمول رویه همیشگی فرقه اقدام به فرافکنی و انحراف افکار عمومی از اتهامات وارده نمود. آشکار است که تأخیر دو روزه سرکرده فرقه در اعلام موضع، نشان از حساسیت ماجرا و این رویداد بی سابقه دارد. وی به خوبی می داند که این موضوع تا چه اندازه جدی و دارای تبعات کیفری سنگینی برای او و گروهش دارد به همین دلیل ۴۸ ساعت را اختصاص به بررسی ابعاد قضیه داده است و از آنجا که ماجرای به این مهمی قابل سکوت نیست ناچار به پاسخ به صورت یک بیانیه متناقض گردید.

از آن هنگام رسانه های فرقه و قلم به دستان سایبری فرقه شروع به انتشار حجم قابل توجهی از مطالب در خصوص دادگاه پیش رو و محاکمه ۱۰۴ متهم کردند. تاکنون ده ها مطلب توسط این فرقه و عناصر آن در رسانه های فرقه منتشر شده است که به طور

مشخص این خط را دنبال می کنند که از این دادگاه هراسی ندارند!

اما اگر واقعا سرکردگان فرقه رجوی هراسی از دادگاه ندارند، چرا از آن هنگام تاکنون بخش قابل توجهی از مطالب سایت خود را اختصاص به موضوع دادگاه داده اند؟ چرا آگهی دادگاه کیفری تهران و دادگاه پیش رو، به نگرانی نخست فرقه تبدیل شده است؟

اضطراب فرقه تروریستی رجوی از رویداد دادگاه به قدری بالا است که همه ظرفیت های دست ساز و لابی کننده خود در اروپا و آمریکا را بسیج کرده اند تا علیه دادگاه اظهار نظر کنند یا به زعم خود اقدامی پیشگیرانه انجام دهند! نام هایی مانند کمیته بریتانیایی برای آزادی ایران، کمیته بین المللی در جستجوی عدالت، کمیته آلمانی همبستگی برای ایران آزاد، کمیته دوستان ایران آزاد در کشورهای نوردیک، کمیته بین المللی پارلمنترها و .. همه و همه تشکل هایی هستند که در سالیان اخیر با کمک و پرداخت های کلان فرقه رجوی، توسط تعدادی از افراد غربی تشکیل شده یا مورد حمایت قرار گرفته تا وظیفه لابی گری برای فرقه را برعهده داشته باشند.

اکنون رجوی ها که در هراس وحشتناکی از عواقب دادگاه کیفری تهران قرار گرفته اند، این ظرفیت ها را فعال کرده اند تا از رهگذر آنها، به زعم خود مانع از برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهام جنایی آنها علیه مردم ایران شوند.

پرسش این است که اگر هراس و واهمه ای از این دادگاه نیست پس این همه توجه نشان دادن به آن و هزینه پرداختی برای لابی گران و اختصاص دادن حجم بالایی از مطالب روزانه درخصوص آن برای چیست؟

دادگاه رسیدگی به اتهامات سرکردگان فرقه رجوی، قرار است بیش از ۷۰۰ پرونده جنایی این فرقه علیه فرزندان ملت را بررسی و صدور حکم کند. اکنون پس از چهار دهه از جنایات فرقه وطن فروش و خائن رجوی، بازماندگان و خانواده شهدای ترور کشور، چشم به دادگاهی دارند که بتواند حق خون های به ناحق ریخته شده فرزندان آنان را با محاکمه و مجازات جانپان بستاند. عدالت و اجرای آن باعث وحشت و بی خوابی مجرمان و خائنان است. تا باد چنین بادا!

■ دبیرکل خانواده شهدای ترور

## آینده مبهم فرقه رجوی از نگاه رسانه آمریکایی

مذا پارسی



مجله خبرک تحلیلی

علی احمدی دیگر کارشناسی است که در این گزارش مورد مصاحبه قرار گرفته است. او عضو اجرایی مرکز سیاست امنیتی ژنو است که معتقد است حامیان مجاهدین خلق معمولاً نومحافظه کاران سنگدل و سیاستمداران بازنشسته ای هستند که خرسند از دریافت چک هایی با مبالغ سنگین از مجاهدین هستند. الکس وطنخواه، مدیر برنامه ایران در موسسه خاورمیانه واشنگتن، دی. سی بر این بارو است که توافقی‌های تازه میان ایران با آمریکا و اروپا، آینده مجاهدین خلق را به مخاطرات تازه‌ای وارد می‌کند و حذف مجاهدین از صحنه می‌تواند امتیازی باشد که غرب به ایران می‌دهد. با این وجود، وطنخواه معتقد است که مجاهدین خلق به این زودی‌ها ناپدید نمی‌شود، چندان که در شش دهه گذشته علیرغم تحولات ژئوپولیتیک بقا داشته است. او می‌گوید: فکر می‌کنم که آن‌ها به مرور ضعیف‌تر می‌شوند.

در حالیکه نزدیکی ایران و عربستان آن‌ها را ضعیف‌تر می‌کند، نمی‌تواند نشانی از مرگ آنها باشد. لازم به ذکر است که در طول تاریخ فرقه‌ها نمی‌میرند، بلکه تضعیف یا تقویت می‌شوند چرا که این ایدئولوژی نیست که موجب بقای آنها شده است بلکه متدولوژی‌هاست که به طور سازمان یافته اعضا را در شرایط کنترل ذهن نگه می‌دارد.

پلیس فرانسه به طور موقت برگزاری گردهمایی‌شان را ممنوع کرد. البته پاسخ همیشگی مجاهدین خلق به این تحولات این است که غرب در قبال ایران سیاست مماشات در پیش گرفته است و آلبانی تحت فشار ایران به قرارگاه اشرف ورود کرده است. این در حالی است که یک مقام وزارت امور خارجه آلبانی به سی. ان. ان گفته است که کشورش برای میزبانی مجاهدین بهای سنگینی پرداخت کرده است که نمونه آن حملات سایبری سال گذشته بود که پیامدهای بدی برای شهروندان آلبانیایی داشت و موجب شد دولت آلبانی روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کند. این مقام آلبانیایی گفت: «خیلی اهانته‌آمیز است که آلبانی متهم به مماشات شود در حالیکه از مجاهدین خلق در خاک خود استقبال کرد و آن‌ها را مورد حمایت انسان دوستانه قرار داد.» همچنین نادین ابراهیم به موضوع از سرگیری روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان به عنوان یکی دیگر از عوامل تضعیف مجاهدین خلق اشاره می‌کند. در ادامه تریتا پارسی نایب رئیس موسسه کوینسی به سی. ان. ان می‌گوید که نوسانات تنش‌های میان ایران و دیگر کشورها، مستقیماً بر مجاهدین خلق اثر می‌گذارد و همزمان با بهبود روابط میان ایران و سعودی، مجاهدین خلق کارکرد خود را برای عربستان از دست می‌دهد.

عضو اجرایی مرکز سیاست امنیتی ژنو معتقد است حامیان مجاهدین خلق معمولاً نومحافظه کاران سنگدل و سیاستمداران بازنشسته ای هستند که خرسند از دریافت چک هایی با مبالغ سنگین از مجاهدین هستند. به گزارش فراق، در پی برگزاری گردهمایی سالانه مجاهدین خلق در پاریس و حضور بحث برانگیز سیاستمداران آمریکایی در آن، رسانه سی. ان. ان آمریکا در مطلبی از مجاهدین خلق با عنوان «عزیز نو محافظه‌کاران آمریکا» یاد کرد. نویسنده مقاله، «نادین ابراهیم» به بررسی سوابق این گروه، چند و چون رابطه آن با غرب و آینده مبهم آن پرداخت. نادین ابراهیم از همان آغاز اذعان می‌کند که روزهای شکوه مجاهدین خلق رو به افول است چرا که علیرغم سازماندهی خوبش در دشمنی با جمهوری اسلامی، از حمایت بسیار کمی در میان ملت ایران برخوردار است که دلیل عمده آن گذشته پرخوشونتش و حمایتش از صدام حسین در زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق است.

بنابر تحلیل‌هایی که در مقاله سی. ان. ان آمده است، تعاملات دیپلماتیکی که اخیراً بین ایران و دشمنانش در گرفته است ممکن است برای مجاهدین خلق گران تمام شود. به ویژه که در یک ماه گذشته هم مقر مجاهدین در آلبانی مورد تجسس پلیس قرار گرفت و هم



افشاگری از شبکه مالی فرقه رجوی

## منشاء پول‌های کثیف

صادق امامی

سرقت از فروشگاه‌های زنجیره‌ای غربی و حتی دانشگاه‌ها، بخشی از راهکار برای تامین نیازهای مالی فرقه بود. اما هزینه‌های این گروه بسیار بیشتر از این شیوه‌های درآمدزایی بوده است.

۱- موسسات خیریه

یکی از نخستین راهکارها برای درآمدزایی قابل توجه، تاسیس انجمن‌های خیریه با ادعای کمک به کودکان بی بضاعت و خانواده آنها در ایران بود. مجید نفرشی، پژوهشگر در مستندی چند قسمتی با نام «خیریه اشرف» به بررسی این موضوع پرداخته است. او پس از آزادسازی نزدیک به ۶ هزار سند در موسسه چریتی کامیشن که یکی از نهادهای مردم‌نهاد و ناظر بر موسسات خیریه در انگلیس است، به بررسی این اسناد پرداخت و متوجه شد بخشی از این اسناد مربوط به موسسه خیریه‌ای به نام «ایران‌اید» (IranAid) است که تلاش می‌کرد به کودکان و خانواده‌های بی‌بضاعت در ایران و مناطق مرزی ایران کمک کند: «متوجه شدم که این موسسه خیریه پوشالی است و محلی برای کلاهبرداری و انتقال پول از اروپا به عراق و برعکس است. درحقیقت این موسسه،

همیتون، رئیس کمیته فرعی اروپا و خاورمیانه کنگره نوشت و مدعی شد که هزینه‌های شاخه نظامی‌اش «توسط مردم ایران تامین مالی» می‌شود. این ادعا در برهه‌های مختلف به اشکال گوناگونی مطرح شده است. نمونه‌اش اظهارنظر علی صفوی، عضو کمیته موسوم به روابط خارجی شورای ملی مقاومت که بازوی سیاسی سازمان رجوی است. او ادعا کرده بودجه کمپین حامی مجاهدین خلق از ایرانیان آمریکایی تامین می‌شود اما این ادعا را هم گزارش‌ها و هم شهادت‌های مختلفی در مورد منابع ثروتمند این گروه رد می‌کنند. در این گزارش به بررسی منابع درآمدی فرقه و همچنین شرکت‌های پوششی غربی و شرقی که به این گروه کمک مالی می‌دهند، پرداخته‌ایم.

منابع مالی از کجا می‌آید؟

پس از تغییر فاز فرقه رجوی، این گروه نیاز به درآمد برای اقدام علیه ایران داشت. اخاذی از خانواده اعضای فرقه رجوی، فروش نشریه در غرب، فروش اطلاعات محرمانه به عراق، لیبی، عربستان، رژیم صهیونیستی و سایر کشورها و

«مایکل روبین» یکی از مقامات سابق پنتاگون در مقاله‌ای در موسسه آمریکن اینترپرایز، با زیر سوال بردن ادعای فرقه رجوی (مجاهدین خلق) مبنی بر اینکه «بزرگ‌ترین گروه اپوزیسیون ایران» است، از ایدئولوژی «شدیدا ضد آمریکایی»، عمل به‌عنوان یک «فرقه» و «وضعیت مالی نامشخص» این گروه نوشته است.

به گزارش فراق، روبین این مقاله را در مارس ۲۰۲۳ یعنی حدود ۱۱ سال پس از خروج فرقه رجوی از فهرست سازمان‌های تروریستی ایالات متحده آمریکا نوشته اما نه او که در پنتاگون فعالیت داشته و نه هیچ روزنامه‌نگار و تحلیلگر دیگری تا به امروز موفق به کشف شبکه مالی این گروه در غرب نشده است. رجوی‌ها دهه‌هاست که ادعا می‌کنند منابع مالی آنها از سوی هواداران‌شان تامین می‌شود. فرقه رجوی پس از اینکه در دهه ۹۰ میلادی، وزارت امور خارجه آمریکا در فکته‌شیتی درباره مجاهدین خلق، از حمایت عراق از این فرقه برای حمله به ایران نوشت، مسعود رجوی در ۲۷ فوریه ۱۹۹۲ نامه‌ای به



پوششی برای [تشکیلاتی موسوم به] شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق بود. ایران‌اید، از ۲۹ شهریور ۱۳۶۲ (۲۰ سپتامبر ۱۹۸۳) فعالیت خود را آغاز کرده بوده بود. رجوی ها انجمن‌های خیریه دیگری به‌بانه حمایت از کودکان ایرانی در شهرهای مختلف کشورهای اروپایی و آمریکا همچون CHR در لس‌آنجلس تاسیس کرده بودند و از این طریق نیز مبالغ قابل توجهی به‌دست آوردند. در جریان «عملیات تنو» بازرسان پلیس مقادیر زیادی پول نقد کشف کردند که از طریق شبکه‌های «کثیف» در سراسر جهان در گردش بودند. در این عملیات، در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، پلیس مریم رجوی به‌همراه چندین تن از اعضای سازمان را به‌جرم پولشویی دستگیر کرد؛ هرچند مریم رجوی ۱۷ روز بعد با خودسوزی عوامل فرقه آزاد شد، اما شواهدی در این پرونده در دادگاه استیناف پاریس ثبت شده که نشان می‌داد طی این عملیات پلیسی، «بیش از هشت میلیون دلار» آمریکا که متشکل از اسکناس‌های صد دلاری بوده در چمدان‌های واقع در ساختمان مجاور اقامت مریم رجوی مشهور به فرزانه هانفی‌مروتی کشف شده است. همچنین در این عملیات پلیسی بیش از ۳۵ بشقاب ارتباطات ماهواره‌ای، ۲۰۰ دستگاه کامپیوتر و ۹۹ دستگاه جی‌پی‌اس با اهداف نظامی که امکان نفوذ تروریست‌های مجاهدین‌خلق از عراق به خاک ایران را فراهم می‌کرد و همچنین تجهیزات تشخیص و ردیابی و مدارک تسلیحاتی و عملیاتی این سازمان در ایران نیز به‌دست پلیس فرانسه افتاد. براساس اطلاعات منتشرشده توسط اداره ضدجاسوسی فرانسه، اعضای خاصی از طرف سازمان درگیر فعالیت‌های مالی مشکوک هستند: «بررسی حساب‌های برخی از اعضای سازمان این پیچیدگی را نشان می‌دهد. مبالغ هنگفتی که این افراد درگیر و مدیریت می‌کنند بسیار بیشتر از درآمد حرفه‌ای خودشان است. آنها درواقع حداقل تا آنجا که به مقامات مالیاتی و نهادهای اجتماعی مربوط می‌شود، معمولاً بدون هیچ حرفه یا فعالیت تجاری واقعی هستند.» اطلاعات بسیاری از منابع در مورد جریان این وجوه بین شبکه‌های حساب‌های بانکی، یک دایره بسته را نشان می‌دهد که نفوذ

که نشان داد سازمان مجاهدین‌خلق به‌طور متقلبانه برای کودکان پول جمع‌آوری کرده است، چندین خانه امن و مجتمع‌های آنها را تعطیل کرد. روزنامه لوموند چاپ فرانسه در فوریه ۲۰۰۵ با استناد به نتایج تحقیقات درباره مجاهدین‌خلق، از «یک شبکه پولشویی» گفت و نوشت که تحقیقات بازپرس‌های فرانسوی مشخص ساخته که در سال ۲۰۰۲، مجاهدین‌خلق توانسته است «بیش از ۱۹ میلیون دلار از طریق شبکه‌های مالی گسترده خود در سراسر جهان به فرانسه و سایر کشورها» منتقل کند. بازپرس‌های قضایی معتقد بودند آنها این منابع را از طریق انجمن پوششی IranAid و با ادعای کمک به کودکان بی‌سرپرست در ایران و پولشویی از فرانسه و انتقال پول از آلمان، روسیه و سوئیس صورت داده است.

## ۲- نفت عراق

در سال ۱۹۸۶ مسعود رجوی، دعوت صدام را به‌منظور نقل مکان به عراق برای پیوستن به نیروهای ارتش صدام و مبارزه با ایران پذیرفت. صدام برای رجوی امکانات لجستیکی و مالی را فراهم کرد. رجوی چندین مجتمع در عراق تاسیس کرده و اعضا و حامیان را به عراق منتقل کرد. رجوی «ارتش آزادیبخش ملی» (NLA) را تاسیس کرد و در کنار صدام، علیه ایران جنگید. براساس پژوهش‌های انجام گرفته و اعترافات فرقه، صندوق مالی این گروه در عراق مملو از دلارهای نفتی شد. مریم سنجابی، یکی از اعضای سابق شورای نخبگان سازمان مجاهدین‌خلق گفته که براساس توافقاتی که در سال ۱۹۸۷ بین مجاهدین‌خلق و مقامات عراقی منعقد شد، توافق شد علاوه‌بر تسلیحات، درآمدهای حاصل از فروش «روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت» به مجاهدین اختصاص پیدا کند. در سال ۱۹۹۵ و پس از حمله عراق به کویت و تحریم این کشور، مجاهدین نفت عراق را به بازارهای خارجی قاچاق می‌کرد و با پولشویی این منابع را به عراق بازمی‌گرداند یا در اروپا هزینه اقداماتش می‌کرد. این گروه علاوه‌بر موسسات خیریه‌ای که در سراسر جهان داشت، از ظرفیت شرکت‌های تاسیس‌شده خود برای فروش نفت عراق استفاده کرد. به گفته سنجابی، «رجوی در آخرین دیدار خود با صدام

و ارزیابی آن دشوار است. تحقیقات افبی‌آی در سال ۲۰۰۴ از فعالیت‌های مخفیانه این فرقه در تامین منابع مالی پرده برداشت. براساس این گزارش، پول جمع‌آوری شده توسط موسساتی در لس‌آنجلس و واشنگتن دی‌سی از طریق یک عملیات پیچیده بین‌المللی پولشویی از حساب‌های ترکیه، آلمان، فرانسه، بلژیک، نروژ، سوئد، اردن و امارات متحده عربی به خارج از کشور منتقل شده است. با وجود گزارش‌های متعدد تخلف در سال ۱۹۹۵، سایر نهادهای خیریه در انگلیس به فعالیت‌های این موسسه مشکوک شده ولی متوجه حمایت دولت از این موسسه می‌شوند. بر همین اساس آنها خود دست‌به‌کار شده و کشف کردند که فعالیت‌های این موسسه برای تامین فعالیت‌های تروریستی و یک سازمان نظامی است. با این وجود تا کمی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایران‌اید به فعالیت خود ادامه داد و به جمع‌آوری پول در کشورهای اروپایی مشغول بود. در آن زمان پس از زیر نظر گرفتن شدیدتر نقل و انتقال پول در کشورهای غربی، کمیسیون نظارت بر خیریه‌های انگلیس Charity Commission for England and Wales پس از یک‌سال تحقیقات، دستور بستن این خیریه و حساب‌های آن را صادر کرد. همچنین دادگاه عالی آلمان پس از تحقیقاتی

حسین در آگوست ۲۰۰۰ از صدام خواست تا براساس اسناد و نامه‌ها سهم نفت منافقین را تا ۱۰۰ هزار بشکه در روز (۳ میلیون بشکه در ماه) افزایش دهد. رجوی سهم نفت خود را به‌صورت کوپن دریافت کرد که سپس به اروپا فرستاده شد تا به دلار تبدیل شود.»

### ۳- عتیقه‌جات

مسعود خدابنده، مسئول سابق تیم حفاظتی فرقه رجوی، سال ۲۰۱۸ در مصاحبه‌ای با خبرگزاری اردنی البوابه یکی از راه‌های پنهانی که سعودی‌ها از طریق آن به تامین مالی این گروهک کمک می‌کردند را افشا کرد. او گفت که طلا و سایر کالاهای با ارزش مانند ساعت‌های رولکس از عربستان سعودی به بغداد ارسال شده و سپس توسط تاجران سعودی در بازارهای سیاه در پایتخت اردن و عمان به فروش می‌رسید. درآمد حاصل از این معاملات پس از آن در حساب‌های خارجی مرتبط با مجاهدین خلق قرار می‌گرفت و برای تامین اعتبار عملیات آنها استفاده می‌شد. او به البوابه گفت که شخصا بر انتقال اشیای با ارزش از عربستان سعودی به بغداد نظارت داشته است. خدابنده در یک مورد به سه کامیون پر از شمش طلا از عربستان سعودی به بغداد اشاره کرد که توسط دو عراقی و دو سعودی قاچاق شده بود. او گفته که ارزش تقریبی این طلاها ۲۰۰ میلیون دلار بوده است.

### ۴- قاچاق مواد مخدر

یکی از منابع درآمدی گروه‌های تروریستی قاچاق مواد مخدر، الماس و سلاح در سراسر جهان است. فرقه رجوی نیز بخشی از منابع خود را از این طریق تامین می‌کنند. براساس گزارشی که بنیاد ضدتبهکاری انگلیس از دستگیری این گروه ارائه کرده، این گروه در پرونده قاچاق محموله ۵۰۰ کیلوپی هروئین به کشور اوکراین نقش داشته است.

### ۵- فعالیت‌های جاسوسی و خرابکارانه

پس از کنفرانس‌های مطبوعاتی منافقین در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ که در آن به‌طور عمومی برنامه هسته‌ای ایران را فاش کردند، منافقین که به علت پیشینه تروریستی علیه نیروهای آمریکایی، در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا بودند، مورد حمایت سیاسی این کشور قرار گرفت. منافقین با توجه به اینکه ایرانی

بودند و جامعه ایران را به خوبی می‌شناختند، به سادگی امکان جاسوسی و تخلیه تلفنی و حتی عملیات در ایران را داشتند. بر همین اساس نیز مورد توجه سرویس‌های جاسوسی غربی و منطقه قرار گرفتند. آنها در ازای جاسوسی و عملیات در ایران، مبالغ قابل‌توجهی از سرویس‌های خارجی دریافت می‌کردند. پس از انتقال این گروهک به آلبانی، سرویس‌های غربی، تجهیزات پیشرفته برای عملیات سایبری این گروهک در اختیار آنها قرار دادند تا ضمن در امان ماندن از تبعات واکنش ایران، ضربه سختی به زیرساخت‌های کشور بزنند. در حال حاضر بخشی از درآمدهای منافقین از طریق چنین عملیاتی‌هایی به دست می‌آید.

### پول‌ها چگونه به فرقه می‌رسد؟

عناصر جداشده از فرقه رجوی در گفت‌وگوهای متعدد، افشا کرده‌اند که درآمد سازمان مجاهدین خلق از منابع نفتی عراق، در بانک‌ها و صنایع اروپایی و آمریکایی سرمایه‌گذاری شده است. با وجود اینکه فرقه رجوی از لیست سازمان‌های تروریستی در آمریکا خارج شده است و می‌تواند به سادگی در بسیاری از کشورها فعالیت اقتصادی کند، به دلیل اینکه این منابع صرف فعالیت‌های تروریستی می‌شود و افشای سایر فعالیت‌ها همچون قاچاق مواد مخدر و سایر فعالیت‌های غیرقانونی آنها، احتمالاً با واکنش‌های سیاسیون و مردم مواجه خواهد شد، این فرقه سعی می‌کند همچون گذشته بدون افشای شبکه اقتصادی‌اش، فعالیت‌های خود را ادامه دهد. شاید یکی از دلایل عدم افشای فعالیت‌های اقتصادی فرقه رجوی، سطح بالای حفاظتی است که سرویس‌های جاسوسی غربی برای آنها اتخاذ کرده‌اند. علی صفوی، عضو کمیته روابط خارجی شورای موسوم به مقاومت در پاریس، مدیریت این شبکه اقتصادی را برعهده دارد. شورای ملی مقاومت، درواقع بازوی سیاسی فرقه رجوی است که در سال ۱۳۶۰ پس از ائتلاف رجوی و بنی‌صدر موجودیت یافت اما کمی بعد بنی‌صدر از آن جدا شد. این تشکیلات دارای کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته روابط خارجی» است؛ کمیته‌ای که در آن صفوی شبکه‌ای با نام حامیان تغییر حکومت در ایران تشکیل داده است. این شبکه به‌طور عمده

توسط چهره‌های ثروتمند مورد حمایت قرار می‌گیرد که ضمن تامین مالی گروه، به نوعی پوشش ارتباطی سرویس‌های اطلاعاتی با فرقه رجوی بوده و از سوی دیگر زمینه‌های فعالیت اقتصادی این گروه را برای اقدام علیه ایران فراهم می‌کند. این شبکه در حوزه‌های مختلف کاری بین‌الملل فعالیت می‌کند و افراد همچنان در قالب کمک‌های خیریه در آن مشارکت می‌کنند. صفوی در پاریس ارتباط گسترده‌ای را با ثروتمندان اروپایی و آمریکایی ایجاد کرده است. او به واسطه این درآمدهای مالی توانسته علاوه بر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا و گروه‌های مختلف در اروپا، با برخی از مرتبطان حزب کمونیست چین نیز ارتباط برقرار کند. با وجود سطح بالای تدابیر حفاظتی برای جلوگیری از کشف شرکت‌های وابسته به فرقه رجوی و همچنین شرکت‌های واسطه غربی و شرقی که منابع مالی در اختیار آنها قرار می‌دهند، «فره‌یختگان» به چند شرکتی که کمک‌های گسترده‌ای را در سال‌های گذشته به فرقه رجوی داشته‌اند، دست پیدا کرده است. البته این تنها بخشی از شرکت‌هایی است که از فرقه رجوی حمایت مالی می‌کنند. با توجه به رسیدگی قوه قضائیه به پرونده سران فرقه رجوی و صدور کیفرخواست برای ۱۰۴ نفر از اعضای ارشد این فرقه از سوی قوه قضائیه، این احتمال وجود دارد که قوه قضائیه یا نهادهایی که در موضوع فرقه رجوی فعالیت دارند، به پرونده شرکت‌ها و افرادی که با فرقه رجوی همکاری می‌کنند، ورود کنند. سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات در برنامه تلویزیونی «بدون توقف» که به تازگی پخش شد، برای فرقه رجوی و حامیان آنها خطو نشان کشید و گفت فرقه رجوی به هر کشوری برونیت نخواهند داشت و برای آن کشور هم ناامنی به بار خواهند آورد.

### شرکت فیلمسازی

### Red Granite Pictures

شرکت گوشت West Coast Prime و غذاهای دریایی International Pacific

### کتابفروشی The Last

شرکت سرمایه‌گذاری گلارز

گروه هتل‌های کویو هتل

شرکت جین ول

## وقتی سیم خاردارهای دور اشرف عزیزتر از جان خانواده شد



اشرف شدند. با هیچ کدام از این عزیزان از نزدیک آشنائی دقیق نداشتیم و به همین دلیل سعی می کردیم تمامی جوانب احتیاط را حفظ کنیم. وقتی وارد جمع خانواده ها شدند در همان اول ورود، خودشان را با خانواده ها کاملاً وقف دادند و در واقع همسنگر و همدرد خانواده های متحصن شدند و این برای ما بهترین امیدی شد برای آزادی فرزندانمان.

روزهایی که در جمع جدانشدگان بودیم، از شکنجه ها و زندان ها و کشتارها در زندان های اشرف برای ما صحبت می کردند، خانواده ها سئوالی که شاید چند ماهی بود در ذهن خود با آن درگیر بودند که چرا اعضای فرقه به سیاح ها ناموس می گویند را از جدا شدگان پرسیدند، یکی از جدانشدگان که نزدیک به بیست و پنج سال عمر خود را در اشرف فنا کرده بود این چنین شرح داد:

«روزی که ما با زن و بچه خود بخاطر اهدافی که داشتیم به سازمان ملحق شدیم و بعد از مدتی به ما گفتند می خواهیم با حکومت ایران وارد کارزار بشویم و فروغی بیافروزیم که برای همیشه جاویدان بماند. چندین هزار نفر عازم جنگ که نامش فروغ جاویدان بود شدیم، در این جنگ هزاران کشته دادیم و دست از پا درازتر به اشرف برگشتیم که همین قصه

واقعاً برای ما خانواده ها جای تعجب داشت کسی که خودش را مجاهد خلق می داند چطور به خودش اجازه جسارت به پدر و مادر می دهد.

شروع کردند به سنگ زدن و نفری هم که خورجین گردنش بود سنگها را به طرف کسی که سنگ را پرتاب می کرد، می رساند که خدای ناکرده کم نیاورد، به هر تقدیر بعد از سنگهایی که نوش جان کردیم محل استقرار خانواده ها را تعیین کرده و مستقر شدیم.

ولی صحبت های مصطفی همیشه در ذهن ما بود (این خط قرمز است و این سیاح ها ناموس و شرف ماست) یعنی ۳۰ سال به خاطر حفظ این ناموس یعنی سیاح جنگ کردند، کشته دادند و درجا زند؟ چرا که واقعیت امر هم همین بوده چون در این مدت فقط در یک مکان به نام اشرف درجا زدند ولی برای ایران و ایرانی تلاش نمی کردند پس چگونه خودشان این چنین گرفتار شدند!

ولی ما مصمم بودیم که به هر صورت جواب سئوالمان را پیدا کنیم.

تا اینکه مدتی از استقرار و تحصن خانواده ها گذشته بود که جمعی از جدانشدگان از فرقه بدنام رجوی، از ایران و دیگر کشورها برای کمک به خانواده ها وارد مقر خانواده ها در

واقعاً برای ما خانواده ها جای تعجب داشت کسی که خودش را مجاهد خلق می داند چطور به خودش اجازه جسارت به پدر و مادر می دهد.

به گزارش فراق، اولین روزی بود که درب جنوب را خانواده ها تصرف کردند، وقتی با شوق و اشتیاق به طرف سیاح رفتیم، متوجه شدیم که چند نفر با ماشین آیفای به طرف خانواده ها می آیند، سیم های سیاح را گرفتیم و فریاد زدیم، بچه ها بیایید نترسید ما خانواده های تان هستیم.

ماشین نزدیک خانواده ها شد چند نفری پیاده شدند، یکی دوربین به دست، دیگری قلاب سنگ زنی را در هوا می چرخاند و آن یکی خورجینی را به گردنش آویزان کرده بود که بعداً متوجه شدیم، درون خورجین پر از سنگ است. شروع کردند به زدن خانواده ها، ما هم از سیاحها گرفته و محکم تکان می دادیم و فریاد می زدیم که بچه هایمان را می خواهیم. مردی که مصطفی صدایش می کردند از ماشین پیاده شد، فقط داد و فریاد و فحاشی می کرد، از دهانش کف سفید بیرون می ریخت و پشت سرهم می گفت: «مزدور برو گم شو، دست به سیاح ها زن این ناموس و شرف ماست این خط قرمز ماست.»

خودش سر دراز دارد.

هزاران نفر در این جنگ کشته شدند و مابقی یا زخمی شدیم و یا سالم به اشرف برگشتیم، فردای همان روز تمامی نفرات که زخمی و یا سالم بودند زندانی شدند و به فرمان مهوش و صدیقه و مژگان شکنجه شدند و دلیل شکنجه را هم نمی دانستیم، برایمان نشست گذاشتند مسعود رجوی فقط عربده می کشید که شما مزدور ایران هستید، شما مزدوری کردید تا کشته نشوید آنهایی که کشته شدند مجاهدین راه حق و نامدار خلق هستند و دستور داد مجدداً زندانی و شکنجه شویم.

چند ماهی از زندانی ما گذشته بود، دوباره دستور نشست دیگری داد. اکثر نشست ها تا بیست و چهار ساعت و یا شاید بیشتر طول می کشید. زندانیان که حدود ۸۰۰ نفر و یا بیشتر می شدند به نشست دعوت شدیم. در این نشست بعد از تحقیر و تهمت و کتک که از ناحیه خواهران صورت گرفت، دستور دیگری از ناحیه رهبر غایبمان صادر شد: همه باید زنان خود را طلاق و حلقه های ازدواج را تحویل بدهید چرا که همین زنان باعث شکست شما در جنگ شد.

فردای آن روز به اجبار و تهدید و کتک، زنانمان را طلاق دادیم و خطبه طلاق را هم مسعود رجوی خواند.

نشست دیگری گذاشته شد، به همان صورت اولیه با تهدید و تحقیر، این بار دستور داده شد که مقرر زنان باید از مردان جدا شود و در نشست دیگری دستور داده شد که تمای نوزادان و کودکان از مادران جدا شود و از اشرف خارج و تحویل افراد بی نام و نشان شوند. بدترین ساعات ما در اشرف زمانی بود که گریه مادران را می شنیدیم که به اجبار نوزادانشان از آغوششان گرفته می شد.

نشست دیگر و دستور دیگر: همه کارها، فکرها، حرکت ها و گفته ها باید به صورت فاکت نوشته شود، کسی جرات ندارد از عشق و عاطفه همسری و مادری و پدری حرفی بزند، نباید خواب خانواده را ببینی و یا اگر چنین شد باید حتما بصورت فاکت نوشته شود و اگر خدای ناکرده خواب همسرت را دیدی غسل واجب است و بعد از آن شکنجه و زندانی، که

چرا به این مسئله فکر کردی تا خوابش را ببینی؟.

نشست دیگری در مورد حفظ اسلحه ها بود، نطق چنین شروع شد: بعد از این اسلحه ها، از زنان و فرزندان شما به شما نزدیکترند باید با جان و دل از آنها محافظت کنید. مجاهدی که اسلحه به دست و کلت به کمر نداشته باشد مجاهد نیست، چون تمام جان و حیثیت و شرف مجاهد در اسلحه او خلاصه می شود.

در نشست دیگری فهمیدیم که مریم قجر عضدانلو از شوهرش مهدی ابریشمچی ملقب به شریف، که با مسعود رجوی ارتباط غیر اخلاقی داشته، جدا می شود، خطبه طلاق را مردی به نام بی شرف یعنی مسعود رجوی خوانده و درست فردای آن روز با معشوقه چندساله خود یعنی مریم قجر پاک دامن ازدواج می کند و سفره عقد را شریف می چیند و خطبه عقد را مسعود می خواند (چه دنیای وارونه ای امروز مال من و فردا مال تو، همین قانون توسط بانوی اول ترور و رقص رهایی، احتمالا الان در فرانسه و آمریکا و اسرائیل هم رعایت می شود) بماند.

روزگار ما به همین منوال در اشرف می گذشت، روزی جارو می کردیم، روزی آشغال می ریختیم، روزی دیوار می ساختیم و روز دیگر خراب می کردیم، به هر صورت سرمان گرم مجاهدیتمان بود، تا اینکه دوباره دستور نشست دیگری دادند.

زمانی به مقر نشست که در ستاد روبروی درب اسد قرار داشت می رفتیم، متوجه شدیم که روی بعضی از بنگال ها و تانکها و مقرر پارچه سفید کشیده اند. وارد مقر نشست شدیم، دوباره رهبر دوراندیش و غایب ما با صدای رسا که انگاری تمام ایران را فتح کرده نطق کردند که: ما برای آزادی ایرانیان حتماً نیاز داریم با دولتهایی هم پیمان شویم که هم قدرت دارند و هم مخالف حکومت ایران هستند، از جمله دولت آمریکا و به همین دلیل باید طبق نظر و سلیقه ارتش آمریکا حرکت کنیم.

باور کنید همه بچه هایی که درسالن بودند بعد از شنیدن این حرفها و دیدن پارچه های سفید درجای خود میخ کوب شدند، ملعون مسعود ادامه داد:

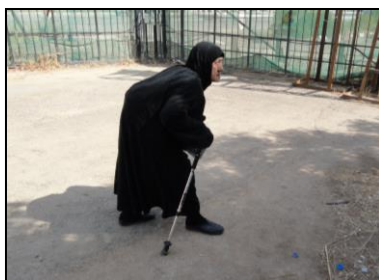
می دانید که دولت آمریکا می خواهد به عراق حمله کند، البته با برادر صدام حسین و یا با ما کاری ندارد. می خواهد از طریق مرز عراق به ایران حمله کند و ما هم به خواسته خودمان می رسیم و تمامی ایران را با کمک آمریکا می گیریم و بعد ...

تمام حيله های رجوی را فهمیدیم که خیلی راحت به آمریکا فروخته شده ایم. چند روزی طول نکشید که آمریکا حمله کرد، اشرف غوغا شد، خیلی از نفرات کشته شدند و کسانی را هم که با قانون های رجوی مخالف بودند و زندانی بودند، حمله آمریکا را بهانه کرده و همه آن نفرات را خود رجوی کشت و در نشست ها گفت تمامی نفرات در حمله آمریکا کشته شدند و این حمله باعث شد تا اسلحه ها که همانا ناموس و شرف و حیثیت ما بود را باید دودستی با احترام تمام تحویل ارتش آمریکا بدهیم. بعد از آن متوجه شدیم که تمام صحبت های مسعود رجوی کشکی بیش نبوده و خودش را خیلی راحت در اختیار آمریکا به بهانه حمله به ایران قرار داده بود.

بعد از این جنگ، مسعود رجوی با وقاحت تمام نشست دیگری گذاشت و می خواست خود فروشی خودش را به نوعی توجیه کند: شما نگران نباشید آمریکا در خدمت مجاهدین از جمله مریم است می خواهد به هرنحوی که شده به ما کمک کند تا به طرف ایران برویم. من تصور می کنم تا چند روز آینده در ایران هستیم. عده ای آماده شدند تا به ایران بروند و بعد نوبت من و شماهاست، نگران نباشید پیروزی از آن ماست، آن عده که می خواستند به ایران بروند سر از فرانسه درآوردند!

بعد مدتی دوباره به نشست دعوت شدیم رهبر غایب در حال سخنرانی بودند و گفت: بعد از این شرف و حیثیت شما سیاح ها و سیم خاردارهای دور اشرف است، این سیاح ها و سیم خاردارها عزیزتر از جان همسران و فرزندان شماست. این سیاح ها خط قرمز ماست. این سیاحها تمامی ایران است. ما به هیچ کس اجازه نزدیک شدن به این سیم خاردارها را نخواهیم داد، مثل شرف و حیثیت خود مراقبت کنید.

دیگر کارمان شده بود محافظت از سیم خاردارها، شبانه روز باید دور اشرف به دور



خدایی روی سن رفتن و دست روی دست گذاشتن و یک لبخند مونالیزایی زدن فکر می‌کنید چقدر برای ملکه ترور آب می‌خورد. کاش می‌توانستیم از اعضای پارلمان بخواهیم، از حمایتها و خدمت های بشر دوستانه این مدافع حقوق بشر یعنی همان بانوی ترور در حق جدانشدگان، از چندین هزار ایرانی که به دستور همین ملکه تروریست شهید شدند، از نفرت گمنام ایرانی که اجسادشان در گور دسته جمعی اشرف پیدا شده است، از نفرتی که در اشرف خودکشی و یا خود سوزی کردند، از پول های دزدی عراقیها سؤال کنند، از بیست و پنج هزار کردی که بدستور همین مدافع بزرگ حقوق بشر یعنی مریم قجر عضدانلو و مسعود رجوی کشته شدند بگویند! چرا اعضای پارلمان های اروپایی حرفی از بچه های اسیر ما نمی‌زنند؟

چرا نمی‌پرسند این نفرت چگونه به اشرف آورده شدند؟  
چرا نمی‌پرسند آیا این نفرت با اطلاع خانواده ها وارد اشرف شدند؟  
چرا نمی‌پرسند چرا نفرت اسیر نمی‌تواند با خانواده هایشان ارتباط برقرار کند؟  
نمی‌پرسند وقتی خانواده ها چهار سال در پشت زندان درب اشرف برای ملاقات عزیزانشان انتظار کشیدند چرا اجازه هیچ ملاقاتی را ندادند؟  
نمی‌پرسند که چرا خانواده ها را با سنگ و آهن می‌زدند؟

روزگاری بود که سیاح های دور زندان اشرف، شرف و ناموس مسعود رجوی بودند و الان همان سیاح ها به اعضای پارلمان اروپایی تبدیل شده که مریم قجر عضدانلو را احاطه کرده‌اند.

برگرفته از خاطرات مادر ثریا عبدالهی از زمان حضور چهار ساله‌اش در عراق

ما خانواده‌ها در هیچ امور سیاسی دخیل نبودیم، اکثر خانواده ها پیر و سالخورده شده‌اند و یا از این دنیا رفتند، چرا تا کنون با سرکردگان گروه قاجاق انسان هیچ گونه برخورد و یا حتی سوالی نشده است؟

آقایان و خانمها که در این اجلاسها به عنوان نماینده حقوق بشر شرکت می‌کنید باید اجازه بدهید خانواده های دردمند و چشم انتظار که به صدای فرزند و عزیز خود حسرت به دل مانده‌اند هم در این اجلاس ها شرکت کنند، خانواده هایی که اکثر آنها حتی قادر نیستند درد دل های خود را حتی به زبان ساده بیان کنند، مادری که کارش فقط آه و نرفین است که چه کسی فرزندش را از آغوشش ربوده، پس این خانواده چگونه می‌تواند یک سیاستمدار باشد؟ خانواده ایرانی غیرت و شرف دارد، خانواده ایرانی محرم و نامحرم را می‌شناسد، نمی‌تواند دامن به پا کرده و در این اجلاس و در آن جشن و با این ژنرال و آن شهردار بگوید و بخندد تا به قیمت خود فروشی خود، شاید به هدفش برسد خانواده ایرانی و یا بهتر بگویم زن ایرانی غیرت و تعصب، وطن پرستی و ملت خواهی را با جانش معامله می‌کند، زن ایرانی یعنی: غیرت، شرف، ناموس و لیاقت در تمام امور زندگی اعم از خانواده و اجتماع.

کسی می‌تواند مدافع این خانواده ها و ملت ایران باشد که خود الگویی در تمامی مراحل زندگی باشد. همین پارلمان های اروپایی از شوهر اول و دوم مریم قجر عضدانلو ابریشمچی رجوی و غیره سؤال کنند، از تحصیلات عالیه فرزندانش، از موفقیت های شوهرش و یا از امور زندگیش تا به ننگین بودن و فاسد بودن این زن پی ببرند که بوی تعفن آن دنیا را گرفته. متأسفانه فرزندان ما به دست و حيله کسی ربوده و اسیر شده که موجب ننگ و سرافکندگی خانواده ها در تمام دنیا است که چند بند آن توسط یکی از عزیزان دربند این فرقه در ابتدای این نوشته آورده شد.

ناقص حقوق بشر فرزندانمان که خود مدافع حقوق بشر شده و برای ایران تعیین تکلیف می‌کند، تروریست فراری که به آغوش ظالمان و جانپان عالم پناه برده، برای انرژی هسته ای و غنی سازی در ایران نظر می‌دهد.

سیم‌ها می‌گشتمیم تا کسی جرات نکند به شرف و ناموس ما نزدیک شود هرکس نزدیک می‌شد یعنی حکم مرگش صادر شده بود. حال فهمیدید چرا رجوی به سیاحها ناموس و شرف می‌گفت چون تمامی حیثیت و ناموسش را به آمریکا بخشیده بود و پناه آورده بود به مشتی آهن و خاک که ته مانده ناموسش را هم بعد از ۳۰ سال بخشید به ارتش عراق و خدا را شکر که ناموس خودش هم در آغوش دولت هایی مثل امریکا واسرائیل و قطر و عربستان است. (چاه مکن بهر کسی / اول خودت دوم کسی)»

این بود صحبت‌های آن عزیز جدا شده که جان و هستی خود را در راه اندیشه کثیف رجوی گذاشته بود و اکنون با آه و اشک، یادی از گذشته شوم خودش می‌کرد. ما خانواده ها همیشه قدردان این نفرت ستم‌دیده بودیم و هستیم.

خانواده ها با شنیدن این دردلهای جدانشدگان واقعا نمیدانستند در کدام نقطه دنیا قرار دارند، شاید آخر خط دنیا همین نقطه بود، چرا که جناباتی که در این فرقه صورت گرفته و می‌گیرد در تاریخ کم نظیر است و تاکنون نیز هیچ دولت و حامی حقوق بشری نسبت به وضع این نفرت رسیدگی نکرده و نه می‌خواهد که بداند چنین اتفاقی افتاده است.

قرن، قرن تکنولوژی و پیشرفت است، قرن آزادی فکر و تکامل اندیشه و انتخاب هدف، واقعا چرا باید اینگونه جانوران درنده ای در این دنیا جای داشته باشند، در دنیای آزاد امروزی چرا باید این گونه جانپان حامیان داشته باشند که هر روز در اجلاس ها و پارلمان ها شرکت می‌کنند و حضور در این جلسات به چه قیمتی می‌باشد؟ با قدرتی که رسانه های امروزی دارند یقیناً تمامی جنایت‌های فرقه بد نام رجوی را تمام دنیا می‌دانند ولی برای ما خانواده ها همیشه جای سؤال است که چرا کسانی که خود دم از حقوق بشر و بمب اتم و غنی سازی و هسته ای می‌زنند چرا هیچ صحبتی از جنایت‌های ۴۰ ساله فرقه رجوی به میان نمی‌آورند؟ چرا هیچ کدام از ملت های جهان کوچکترین حمایتی از هزاران خانواده که فرزندان‌شان به عمد ربوده شده و در گروگان دژخیمان رجوی هستند نکرده‌اند؟

نایب رییس کنگره ایرانیان کانادا

## مهاجرت احتمالی فرقه رجوی زنگ خطر بزرگی برای کاناداست

اطمینان خاطر به جامعه ایرانیان و دیگر شهروندان دهید



تصویر لو رفته از دفتر فرقه رجوی در کانادا

نایب رییس کنگره ایرانیان کانادا ادامه داد: افزون بر این، ما از شما درخواست می‌کنیم با پایبندی به ایجادکردن پناهمگاهی امن برای افراد یا گروه‌هایی که از سابقه اقدام‌های تروریستی برخوردارند، به جامعه ایرانیان و دیگر شهروندان کانادا اطمینان [خاطر] دهید. ما قاطعانه باور داریم که مقام‌های کانادایی به ارزیابی دقیق پرونده‌های مهاجرتی می‌پردازند و اجازه ورود به کشور را برای افرادی صادر می‌کنند که تهدیدی برای امنیت و رفاه جامعه به‌شمار نمی‌روند. ما اطمینان داریم کارکنان وزارتخانه شما با نهایت دقت به این موضوع رسیدگی [و توجه] می‌کنند. وی خاطرنشان کرد: ما در انتظار دریافت پاسخ از سوی جنابعالی هستیم و همواره خود را به حمایت از ارزش‌ها و اصولی متعهد می‌دانیم که کانادا نماینده آن به‌شمار می‌رود.

وی همچنین تصریح کرد: تاریخچه [فعالیت] و اقدام‌های سازمان مجاهدین خلق بر همگان آشکار است و با توجه به اینکه نام این سازمان تا سال ۲۰۱۲ در فهرست گروه‌های تروریستی کانادا قرار داشته است، مهاجرت احتمالی اعضای این گروه زنگ خطر بزرگی برای جامعه به‌شمار می‌رود. مهاجرت احتمالی اعضای این گروه نه‌تنها برای ایرانیان کانادا مایه نگرانی است، بلکه برای تمامی کانادایی‌ها نیز می‌تواند [تهدیدآمیز و] نگران‌کننده باشد. این کنگره برای تلاش‌های دولت کانادا در زمینه حفظ اصول امنیتی و [توجه به مبانی] حقوق بشر ارزش بسیاری قایل است. ما از شما درخواست می‌کنیم با بررسی دقیق درستی یا نادرستی گزارش‌های رسانه‌ها به این موضوع فوری رسیدگی کنید.

نایب رییس کنگره ایرانیان کانادا در نامه‌ای سرگشاده به وزیر مهاجرت این کشور درباره انتشار برخی خبرها در رسانه‌ها راجع به احتمال نقل مکان برخی از رهبران و اعضای سازمان مجاهدین خلق به کانادا ابراز نگرانی کرد. به گزارش فراق، در نامه مونا قاسمی به مارک میلر، وزیر مهاجرت کانادا، آمده است: وزیر محترم [مهاجرت کانادا] من از طرف کنگره ایرانیان کانادا نسبت به برخی گزارش‌های اخیر رسانه‌ها مبنی بر انتقال [احتمالی] مقرر رهبران سازمان مجاهدین (منافقین) خلق به کانادا، نگرانی عمیق خود را به آگاهی‌تان می‌رسانم. ما تأیید می‌کنیم این خبر هنوز راستی‌آزمایی نشده است و درستی آن در ابهام قرار دارد و از سوی دیگر ما به شایستگی مقام‌های کانادایی در انجام تحقیقات لازم باور داریم.

## این خانواده‌ها جوخه تیرباران رجوی هستند

● محمود دشتستانی  
انجمن نجات مرکز بوشهر



ارزش قائلند و به آنها عشق می ورزند و می دانند که فرزندانسان گوشت دم توپ و سپر گوشت و استخوان برای حیاط رجوی بوده و هستند و مصمم هستند که این واقعیت را بگوش عزیزانشان و جامعه جهانی برسانند.

پدران و مادران پیر و سالخورده و خواهران و برادرانی که فقط عکس عزیزانشان را دیده اند فریاد میزنند ملاقات ملاقات، حق مسلم ماست! اینجا همانهایی هستند که به دستور مسئولین بی عاطفه که خوی حیوانی دارند بر سرشان سنگ می کوبیدند و فحش می دادند و عوامل ایران می خواندندشان، که برخی از آنها با چشم منتظر از دنیا رفتند و دیگر بین ما نیستند. رجوی می گفت اینجا جلاهای دولت ایران هستند در لباس خانواده و جوخه تیرباران تشکیلات هستند. من با لقب دومی موافقم براستی که جوخه تیرباران تشکیلات و عامل موثر در متلاشی کردن این تشکیلات اهریمنی و ضد انسانی هستند و خستگی ناپذیر فقط شعارشان شلیک است.

با درود به همه خانواده ها و شرکت کنندگان در تجمع بزرگ مقابل سفارت ترکیه و با درود به همه دست اندکاران راه اندازی این تجمع و اجتماع و با درود به همه جدانشدگانی که با عزم جزم در افشای چهره مخوف این فرقه و رهبران و مسئولینش و با تشکر از دولت آلبانی برای این اقدام انسانی قانونی و انسان دوستانه اش.

اشرف در عراق بود. مسئولین فرقه فکر می کنند هر کجا را برای خودشان حصار کشیدند و به قول خودشان باب الاسد گذاشتند کشور دیگری می شود و برای ورود ارگانهای دولتی بایستی ویزا گرفت. کسی نیست به این احمقهای انقلاب کرده بگوید اینجا عراق نیست که بگوئید از طرف دولت ایران ماموریت دارند. شما در اروپا هستید و پلیس با حکم قضایی می خواهد وارد شود و نیازی نیست جلوی ماشین هایشان دراز بکشید و بگوئید مزدور برو گمشو! شما در کشور آلبانی هستید و هر کشوری قوانین خودش را دارد. البته که در این فرقه همیشه کسانی در گوشه هستند که تیر می کنند و کسانی هم نگویند هستند که تیر میشوند و نمیدانند که چه کلاه گشادی روی سرشان گذاشته شده است.

اما در کنار این هرج و مرج تشکیلاتی و خطی فرقه رجوی و در کنار این گسسته شدن شیرازه تشکیلاتی و تاکتیکی فرقه رجوی، صحنه دیگری در آن روی سکه هم داشتیم و آن اجتماع و همبستگی خانواده های اعضای گرفتار درون فرقه در مقابل سفارت ترکیه بعنوان حافظ منافع آلبانی در ایران بود، همچنان متحد و یکپارچه و مصمم تر از قبل در کنار هم با جمعیتی انبوه و بی سابقه جلوی سفارت ترکیه در تهران! دقیقاً آن روی وضعیت فرقه در تیرانا! بله آنها عزیزانشان را می خواهند و برای عزیزانشان بعضاً با گذشت ۴ دهه هنوز

در ماه های گذشته سیر تحولات سیاسی داخلی و خارجی سرعت بسیار زیادی بخود گرفته که در سرعت از بین رفتن تشکیلات فرقه ای رجوی و آزادی اسیران گرفتار در تشکیلات فرقه ای رجوی، سهم به سزا و خاصی دارد! البته که رجوی این موضوع را بهتر از هر کسی می داند و برای نجات از این بحران تقلا می کند. جدانشده ها بهتر از هر کسی می دانند که بعد از عملیات پلیس ضد تروریسم آلبانی به اشرف ۳، درون تشکیلات چه می گذرد و چه بلایی بر سر اعضا و کادرهای نگون بخت در تشکیلات می آورند. از نشستهای تناقضات، غسلهای هفتگی روزانه، گزارش نویسی ها از اینکه چه در سر دارید، و اینکه شما می توانستید جلوی پلیس را بگیرید که داخل اردوگاه نیایند اما نکردید و باید حسایش را پس بدهید، تا خواندن همه گزارشات در جمع و روبرو شدن با فحشها و تحقیر کردنها تا حاضر حاضر گفتن سوژه و تعهد دادن به جمع و در انتها کف زدن همان کسانی که تا دقیقه ای پیش فحش می دادند و الان سوژه را به جایی رساندند که بگوئید... و تکرار نمی شود و از نشست مجاهد خلق بیرون رفتن! اما همه می دانند که این همه شامل رجوی و زنش و همه آن کسانی هست که تا همین الان هم سینه چاک این فرقه هستند! دوران جولان دادن و شارلاتانیسم و در شکاف زیستن و توطئه کردن ها و به قول خودشان نعل وارونه زدنها که به دیگران نسبت می دهند و مهمتر از همه شیره سر جوانان این مرز و بوم مالیدن ها با ادعای حقوق زنان و رهایی مردان و ... دیگر به سر آمده و آن خورشیدی که خود او با انقلاب درونی اش، با مارک زدن ها، با کشتارهای درونی و با فحاشی هایی که به دیگران می کرد، نزدیک به ۴۰ سال پنهانش کرده بود در حال طلوع است و به راستی که طلوع یک پایان است و چه پایان زیبایی و البته برای او (رهبری فرقه) دردناک.

موضوع وارد شدن پلیس آلبانی به اردوگاه تیرانا تداعی کننده حمله پلیس عراق به اردوگاه



## بررسی ساز و کارهای بین‌المللی در خصوص خواسته خانواده‌ها

بخش پایانی

سرویس حقوق  
بین‌الملل فراق

پژوهش از: دکتر نواب محمدی

اتفاقا بخش عمده فعالیت های صلیب سرخ در قالب ارائه انواع خدمات به افراد نیازمند چنین خدماتی در دوران صلح نمودار می گردد. یکی از فعالیت های اصلی و کلیدی در چارچوب فعالیت نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، در راستای یافتن مفقودشدگان و کمک به خانواده‌ها برای ارتباط با اعضای مفقود یا دورمانده است، مفهومی که در قاموس صلیب سرخ تحت عنوان «بازپیوند خانواده‌ها» معادل عبارت انگلیسی Reuniting the families توصیف می گردد و به یکی از کلیدی ترین و مهمترین رسالت های صلیب سرخ و جوامع ملی میدل گشته تا آنجا که می توان گفت امروزه «بازپیوند خانواده‌ها» هسته اصلی فعالیت های بشردوستانه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ را تشکیل می دهد. در چارچوب تلاش برای «بازپیوند خانواده‌ها»، نهضت بین‌المللی صلیب سرخ با همکاری با نهادهای مرتبط (شامل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و جمعیت های ملی صلیب سرخ و هلال احمر) مبادرت به ارائه خدمات متنوعی از جمله حمایت های روانی، قانونی و مادی از خانواده ها و افراد آسیب دیده، جست و جو و یافتن افراد مفقود یا جدامانده (به هر دلایلی) و بازپیوند خانواده ها و حتی برنامه های اسکان یا

های به حق این خانواده های رنج کشیده را اجابت کند؟

در بخش اول این تحقیق، مختصری در باب جایگاه کمیته بین‌المللی سرخ و نهادهای هم پیوند با آن به ویژه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و شرح وظایف، فعالیت ها و روند اقدامات این نهادها سخن رانده شد در ادامه نیز با معرفی چند نهاد بین‌الملل دیگر بر موضوع خاص مطالبات خانواده‌ها از این نهادها متمرکز شویم.

### آژانس مرکزی ردیابی CTA

بروز حوادث و فجایع طبیعی یا بحران های ناشی از اقدامات شریانه انسان، گاه منجر به جدایی اعضای خانواده ها و بی خبری آنان از یکدیگر می گردد. وقوع جنگ ها و جنایات مسلحانه، آشوب ها و بحرانهای سیاسی، بلایای طبیعی از قبیل سیل، زلزله، طوفان و قحطی، شیوع بیماریهای اپیدمیک، مهاجرت (عمدتا غیرقانونی) و ... سبب می شود گاه برخی خانواده ها برای سالیان متمادی از عزیزان خود بیخبر مانده و حسرت دیدار دوباره آنان را در دل داشته باشند.

چنانکه در این یادداشت بدان اشاره شد امروزه گستره فعالیت های مجموعه بین‌المللی صلیب سرخ به دوران جنگ و تمرکز بر افراد درگیر یا متأثر از جنگ محدود نمی شود. بلکه

هجدهم اردیبهشت ماه سال جاری (مصادف با هشتم می که به مناسبت سالروز تولد هانری دونان، بنیان گذار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اولین برنده جایزه صلح نوبل به عنوان روز جهانی صلیب سرخ نام گذاری شده است) جمعی از خانواده های اسرای گرفتار در تشکیلات فرقه ای مجاهدین خلق، در مقابل دفتر مرکزی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران گردهم آمده و با بیان مطالب و گرفتاری های خود خواستار آن شدند تا صلیب سرخ جهانی و سایر نهادهای حقوق بشری نسبت به مطالبات آنان در پیگیری وضعیت عزیزان خود که در دام فرقه رجوی گرفتار آمده اند، واکنش معقول و موثری داشته باشند. به همین بهانه سرویس حقوق بین‌الملل فراق درصدد آمده است تا نسبت به بررسی سازوکارهای بین‌المللی فراهم در موضوعات این چنینی و امکان سنجی نقش آفرینی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در یافتن راهکاری برای این خانواده ها و اجابت خواسته های ایشان تامل نماییم.

به واقع پرسش اصلی این است که آیا اساسا با توجه به باختر و هنجارهای موجود، صلیب سرخ جهانی قادر به ایفای نقش در این زمینه بوده یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است به چه نحو و با چه مکانیسمی می تواند خواسته

خدمات تامین اجتماعی می نماید.

یکی از وظایفی که در اساسنامه نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر با الهام از اساسنامه کمیته بین المللی صلیب سرخ برای این نهاد تعیین شده است، عبارتست از «تامین جریان عملیات آژانس مرکزی جستجوی مفقودین». در راستای ایفای این رسالت، در همان سالهای اولیه تشکیل کمیته بین المللی صلیب سرخ، دفتری تحت عنوان «آژانس ردیابی مرکزی» The Central Tracing Agency که باختصار CTA نامیده می شود تشکیل شد. این آژانس که به عنوان آژانس بازل در طول جنگ فرانسه و پروس در سال ۱۸۷۰ با وظیفه ارائه اطلاعات در مورد سربازان اسیر شده به خانواده هایشان تأسیس شد، امروزه در مرکز تلاش های کمیته بین المللی صلیب سرخ در سراسر جهان برای محافظت و بازگرداندن پیوندهای خانوادگی قرار دارد. جستجو و شناسایی افراد مفقود شده، حفظ کرامت انسانی فوت شدگان، و اطمینان از تامین نیازهای خانواده های آنها تر جمله وظایف این نهاد است. وظایف آژانس ردیابی مرکزی CTA بعنوان یکی از قدیمی ترین نهادهای صلیب سرخ، در کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو نیز ذکر شده است.

اما نکته مهم آن است که روند تحولات تاریخی در ۱۵۰ سال گذشته و تغییرات مختصات جهانی، سبب گردیده تا شکل درگیری ها و فجایع بشری نیز دستخوش تحولاتی گردیده است. بر همین اساس، آژانس ردیابی مرکزی تلاش نموده تا خود را با این تحولات سازگار نماید. این نهاد تلاش های خود را برای یافتن ناپدید شدگان در جنگ های مسلحانه و «سایر شرایط اضطراری بشردوستانه» (یعنی بحران های طبیعی یا انسان ساز) توسعه داده است. هم اکنون این آژانس در بیش از ۷۰ کشور و منطقه با همکاری نزدیک با جمعیت های صلیب سرخ و هلال احمر ملی انجام فعالیت کرده و به دولت ها کمک می کند:

آژانس مرکزی ردیابی در سایت این نهاد، شرح وظایف خود را بدین شکل ابراز داشته است؛ جلوگیری از ناپدید شدن افراد از طریق

ثبت گروه های آسیب پذیر از جمله افراد محروم از آزادی، ایجاد دفاتر ملی اطلاعات برای متمرکز کردن اطلاعات در مورد افراد محافظت شده در جریان درگیری های مسلحانه، گسترش استفاده از برچسب های شناسایی در میان نیروهای مسلح، و ارائه آموزش در مورد مدیریت آبرومندانه انسانی، تعیین تکلیف سرنوشت و محل نگهداری افراد ناپدید شده از طریق فعالیت برای ردیابی افراد مفقود شده و بازیابی پیوندهای خانوادگی، حمایت و تقویت مکانیسم های ملی و هماهنگی برای جستجوی افراد مفقود، مدیریت و حفاظت از اطلاعات، و مشاوره در مورد فرآیندهای جستجو اعم از مکان یابی و ایمن سازی قبر، ایجاد زمینه هایی برای بازیابی، تجزیه و تحلیل، شناسایی و بازگرداندن بقایای انسانی به خانواده هایشان، پاسخگویی به نیازهای چندوجهی خانواده های مفقودین با ارائه حمایت های روانی، روانی، اجتماعی، حقوقی، اداری و اقتصادی از خانواده های مفقودین و جوامع آنها.

### مطالبات خانواده ها و امکان سنجی مسئولیت صلیب سرخ برای پاسخگویی

در چارچوب توضیحات فوق، چنانکه مذکور افتاد، یکی از رسالت های اصلی نظام بین المللی صلیب سرخ از بدو تشکیل، جستجو و یافتن افراد مفقود شده و بازپیوند خانواده ها بوده است. این رسالت که تا سالیان در دوران مخاصمات و افراد تحت تاثیر مخاصمات بویژه اسرا تملور می یافت در گذر زمان توسعه یافت. تا آنجا که پس از بروز تحولات عظیم در ساحت زیست بشر، امروزه نظام بین الملل صلیب سرخ بویژه نهضت و هلال احمر، جست و جوی مفقودشدگان و افراد دورمانده از خانواده ها را صرفا نسبت به قربانیان مخاصمات منحصر نداشته و کلیه افراد متاثر از جنگ و سایر حوادث و فجایع (اعم از بلایای طبیعی یا بحران های ناشی از اقدامات خود بشر) را دربرمی گیرد. وضعیت افراد گرفتار در فرقه رجوی را از هر منظری که بررسی کنیم، مطالبات خانواده های آنان و صلاحیت نهاد بین المللی صلیب سرخ را کاملا موجه و قانونی می نماید.

چندین حالت را می توان برای این افراد گرفتار در نظر گرفت؛ برخی از آنان در دوران

آشوب های داخلی و نبرد پارتنزانی با نظام مستقر و خرابکاری و ارتکاب ترور های داخلی دهه ۶۰ و نیز در جنگ تحمیلی ۸ ساله بنابر مشی فرقه رجوی به اقدامات نظامی علیه کشور متوسل شده و پس از آن نیز (به اختیار یا بالاجبار) برای همیشه دربند تفکرات فرقه ای رجوی گرفتار آمده و از نعمات حضور در کانون خانوادگی خود محروم گردیده اند. برخی از اعضا نیز بدلیل ترس از تبعات جدایی (ترس از عقوبت مجازات خواه از سوی عوامل خود فرقه یا مجازات در کشور) در کمال یاس و سرخوردگی در کمپ های فرقه روزگار می گذرانند. برخی نیز تحت تاثیر عملیات روانی و شستشوی مغزی یک تشکیلات کاملا فرقه ای قرار گرفته که بحدی تحت تاثیر این آموزه های غیرانسانی فرقه ای قرار گرفته اند که کاملا مسلوب الاراده گشته و واقعا توان تفکر و تعقل و نیز احساسات انسانی خود را از دست داده اند. از هر منظری که به موضوع نگریسته شود این حق طبیعی و بدیهی خانواده هاست که از یک نهاد ذیصلاح بین المللی بخواهند دستکم نسبت به بررسی موضوع اعضای دورمانده خانواده و استعلام وضعیت آنان و حتی بررسی وضعیت جسمی و روانی این افراد و ملاحظه واقعیت های موجود در کمپ های فرقه ای که علاوه بر ارتکاب جنایات جنگی در کشورهای ایران و عراق، بدیهی ترین حقوق انسانی اعضای خود (منجمله حق ازدواج و تشکیل خانواده، حق برقراری ارتباط با خانواده ها، آزادی رفت و آمد، آزادی بیان و ابراز عقیده و ...) را سلب نموده است، و نیز نسبت به اطلاع رسانی از وضعیت این افراد به خانواده های خود اقدام نماید. بهر روی، حتی در صورت اتخاذ تدابیر حداقلی از سوی صلیب سرخ، چنانچه حتی در نهایت امر امکان برقراری ارتباط مستقیم با این افراد فراهم نگردد، همینکه نهادی در مقیاس صلیب سرخ نسبت به حقایق ضدانسانی موجود در چارچوب فرقه پی ببرد نیز بنوبه خود موفقیتی چشمگیر تلقی می گردد. از این منظر، بنظر نگارنده پیگیری مستمر وضعیت و طرح مصرا نه مطالبات از سوی خانواده ها و تعامل مثبت و سازنده با این نهاد بین المللی در گذر زمان واجد آثار بسیار مهمی خواهد بود.



## قابی از یک زندگی شیرین

## می‌شود از اسارت رهایی یافت و آزاد زندگی کرد



خانواده‌های سرفراز رحیمی و خلیل انصاریان، از اعضای نجات یافته از فرقه رجوی با انتشار تصاویری از زندگی آزاد خودشان تلاش دارند به اعضای وامانده نشان دهند که می‌شود از اسارت رهایی یافت و زندگی آزادی داشت. به گزارش فراق، آن‌ها با انتشار تصاویری از تفریح خانواده‌های انجمن آسیلا در تعطیلات تابستانی می‌گویند: سالیان سال هست اعضای سازمان مجاهدین از هر گونه تفریح محروم هستند، رجوی ادعا می‌کند که که اعضا در تشکیلاتشان آزاد هستند اما جز فریب و نیرنگ چیزی بیش نیست. اگر اعضا آزاد هستند چرا حق ازدواج ندارند؟ چرا حق تفریح و گردش آزادانه ندارند؟ چرا حق تماس و دیدار با خانواده‌هایشان را ندارند؟ چرا حق دیدار با فرزندان و همسران خودشان را ندارند؟

## سرکرده فرقه رجوی در بلژیک به خود لرزید

■ دولت مدعی مبارزه با تروریسم به سرکرده تروریست‌ها تریبون می‌دهد

چگونه دولت بلژیک با ادعای مبارزه با تروریسم می‌تواند به سرکرده این فرقه در خاک خود تریبون بدهد؟ به گزارش فراق، ناصر کنعانی در واکنش به حضور سرکرده فرقه تروریستی رجوی در بلژیک در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی «یکس» نوشت: «با توجه به جنایات و ترورهای سنگین گروه تروریستی مجاهدین خلق علیه مردم ایران و ماهیت فریبکارانه آن‌ها که نهادهایی مانند پارلمان اروپا به آن معترفاند، چگونه دولت بلژیک با ادعای مبارزه با تروریسم می‌تواند به سرکرده این فرقه در خاک خود تریبون بدهد؟»

مریم رجوی، سرکرده فرقه تروریستی رجوی در تجمع ۲۴ شهریور این فرقه که با حضور آوارگان اکراینی و سایر گروهک‌های تجزیه طلب برگزار شد، در بروکسل حضور یافت و به یک سخنرانی نمایشی پرداخت.

(۲۰۲۳) AT-۹p نسبت به دستگیری و استرداد مریم رجوی و تیم حفاظتی سرکرده فرقه که پرونده اقدامات تروریستی آن‌ها موجود است، اقدام کند. به گزارش فراق، اسامی تیم حفاظتی مریم رجوی از ۲۲ شهریور به بروکسل بلژیک اعزام شدند، عبارتند از: وحید باباخانی، ابراهیم قلاج قاسم قریشی، محمد بحری، احمد ابراهیم، مریم اکبرزادگان، موسی فیض ورمزروقی، با سرتیمی طاهر سعیدی مسئول حفاظت فرقه رجوی.

**واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه ایران به سفر مریم رجوی به بلژیک: دولت مدعی مبارزه با تروریسم به سرکرده تروریست‌ها تریبون می‌دهد**

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در واکنش به سفر سرکرده فرقه رجوی به بلژیک و شرکت در تجمع اجاره ای این فرقه نوشت:

سرکرده فرقه تروریستی رجوی برای خروج از بن بست سیاسی در یک سیرک نمایشی در بلژیک سخنرانی کرد.

به گزارش فراق، مریم رجوی ۲۴ شهریور در یک تجمع اجاره ای در بروکسل سخنرانی کرد و تلویحا از قدرت نمایی ایران در منطقه و جهان به خود لرزید.

این سفر مریم قجر عضدانلو به بروکسل پایتخت اتحادیه اروپا برای سخنرانی در تجمع فرقه، در حالی است که در فوریه ۲۰۲۳ اتحادیه اروپا قطع‌نامه‌ای با عنوان «قطعنامه پارلمان اروپا علیه اقدامات گمراه کننده فرقه رجوی» این فرقه را متهم به ارباب، شکنجه و قتل کرده‌اند و از اقدامات گمراه کننده فرقه در سوءاستفاده از نمایندگان اروپایی در اتحادیه اروپا انتقاد کرده‌اند.

اتحادیه اروپا باید طبق قطعنامه (۰۲۹۲)

## ماهیت اصلی فرقه رجوی برای آلبانی رو شد

روزشماری می‌کنیم برای محاکمه مسعود و مریم رجوی



محمد اکبرزاده، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی گفت: با افشاگری‌هایی که انجام شده، خوشبختانه ماهیت اصلی فرقه رجوی برای آلبانی رو شده است.

برادر عیسی اکبرزاده در گفت و گوی تصویری با فراق، ضمن حمایت از فراخوان دادگاه ۱۰۴ تن از سران فرقه رجوی اظهار داشت: فرماندهان و مسئولین فرقه رجوی سالهاست اسیران این فرقه را از دیدار با خانواده‌ها محروم کردند و بسیاری از پدرها و مادرها در آرزوی دیدار با عزیزانشان چشم از جهان فرو بستند، ما خانواده‌ها از اعلام جرم علیه مسعود و مریم رجوی حمایت و برای رسیدن روزی که سران فرقه روی به محاکمه کشیده شوند، روزشماری می‌کنیم.

وی در آن زمان مسئولیت حفاظت از درب‌های اردوگاه اشرف را بر عهده داشت و در اسکان خانواده‌ها، مدیریت در امور خرید و بقیه مسائل یاور خانواده‌ها بود.

محمد اکبرزاده در چهارسال تحصن خانواده‌ها در اشرف، شریک غم خانواده‌ها شد و تلاش‌های فراوانی برای آرامش دادن به آن‌ها کرد.

## عشق و حال و کباب برای شما، اسپری فلفل برای اعضای نگون بخت



نوادگان را تا آخر از حلقوم رجوی بیرون می‌کشد. خانواده‌های اعضای نگون بخت در ایران سالهاست عاشقانه برای بیدار شدن عزیزانشان از خواب غفلت تلاش می‌کنند اما شیاطینی چون رضایی‌ها حتی دیدن خواب خانواده را برای آن‌ها ممنوع کردند.

مستعار حبیب، مسئول زندان‌های رجوی در دهه ۷۰، مسئول سر به نیست کردن ناراضیان و فریب پناهندگان ایرانی در کنار خواهرش اشرف بود. خانواده رضایی که خود را سهامدار فرقه رجوی می‌داند، تمام مخارج زندگی خانواده خود، بستگان، فرزندان و احتمالا

سران فرقه تروریستی رجوی در حالی در نشست‌های روزانه اعضای نگون بخت را با مغزشویی به مبارزه واهی دعوت می‌کنند که خود در کشورهای اروپایی همراه خانواده به خوشگذرانی مشغولند. به گزارش فراق، ابوالقاسم رضایی با نام

# ۴ داغ بزرگ برای رجوی‌ها

۱ مریم سنجابی



مجله خبرک تحلیلی

اخیرا پارلمان اتحادیه اروپا قطعنامه‌ای در محکومیت سازمان تروریستی مجاهدین به تصویب رسانده است که با شرح بخشی از شگردهای فرقه رجوی عنوان کرده اعضای فرقه با روش‌های موهوم از پارلمان‌ترها و سیاستمداران اروپایی سو استفاده می‌کنند. به گزارش فراق، بر اساس این قطع نامه رجوی‌ها اقدام به جعل حمایت، امضا و سو استفاده از نام یک سری پارلمان‌ترها بدون اطلاع آنان کردند.

در این قطعنامه آمده است: «فرقه رجوی در سال‌های گذشته با استفاده از روش‌های گوناگون مانند پرداخت مبالغ هنگفت و روش‌های متقلبانه تلاش کرده است تا حمایت سیاستمداران غربی را به نفع خود جلب کند تا یک چهره موجه از خود به نمایش بگذارد.» «نام نمایندگان را در لیست امضا کنندگان نامه‌هایی که امضا نکرده اند یا به عنوان میزبان مشترک کنفرانس‌هایی که هرگز آن را تأیید نکرده اند گنجانده است و برای گمراه کردن نمایندگان وسامانه شفافیت از بیش از ۴۵ عنوان جعلی استفاده نموده‌اند»

قطعنامه در بخشی دیگر فرقه رجوی را سازمانی معرفی کرده که متهم به ارباب، شکنجه و قتل مهاجران ایرانی است و از شیوه‌های تهاجمی و مبهم برای دیدار با نمایندگان پارلمان اروپا از جمله پنهان کردن وابستگی گروهی خود استفاده می‌کنند.

این اتفاق مهمی است که یک جنبه آن فریب افکار عمومی و اعضای خودش و هم چنین بی اعتباری تمام تلاش‌های مذبوحانه فرقه در جهت جمع آوری امضا و حمایت‌ها در سال‌های گذشته است و جنبه دیگر آن مشروعیت بخشیدن بیشتر به نظام جمهوری اسلامی و سیاست خارجی ایران می‌باشد.

خبر مهم دوم در ارتباط با شکست فعالیت‌های فرقه در انگلستان است. به نوشته گاردین، دولت انگلستان در موضع اخیرش مخالفت رسمی خود را برای قرار دادن نام سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های اصطلاحاً تروریستی اعلام کرد و گفت: «انجام چنین اقدامی علیه سپاه موجب می‌شود کل حکومت ایران در فهرست سازمان‌های باصطلاح تروریستی قرار بگیرد چرا که سپاه یکی از بخش‌های محوری ساختار نظامی ایران است.»

خبر فوق شکست بزرگ دوم برای فرقه است که در سال گذشته عمده تلاش‌های خود را بر روی جلب حمایت و جمع آوری امضا از سناتورهای پارلمان جهت قراردادن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی انگلستان گذاشته بود.

لازم به یادآوری است همین تلاش مذبوحانه در اتحادیه اروپا نیز انجام می‌شد که در آن مرحله نیز با شکست سنگینی مواجه شدند. شکست سوم اقدامات و برنامه ریزی‌های پرهزینه برای سالگرد اغتشاشات در ایران بود که سرکردگان فرقه حساسی روی این موضوع مانور می‌دادند تا حداقل دلگرمی برای اعضای ناامید و سرخورده خود پیدا کنند. آنها از چند ماه قبل برای تجمع بروکسل جدا از سایر گروه‌ها در روز جمعه ۲۴ شهریور فراخوان دادند که باز هم در عمل نتوانستند بیش از چند ده

نیروی مزد بگیر را به صحنه بیاورند. شکست چهارم برنامه سفر مریم قجر به بروکسل با همین هدف بود که در اوج کساد و با بی آبرویی بزرگی در سالی در بسته با تعداد محدودی مهمان اجاره ای بدون هیچ انعکاسی در رسانه‌ها برگزار شد. از قرار معلوم بازهم به مریم قجرتودهنی محکمی زده اند و اجازه ندادند که در تظاهراتی که مدت‌ها بر روی آن سرمایه گذاری کرده بودند شرکت کند و الا به جای پیام ویدئویی خودش به صحنه می‌رفت. جالب است که خبرگزاری‌های خارجی نیز هیچ اهمیتی به این مانورهای فرقه نمی‌دهند و در موارد نادری هم که خبر منتشر می‌کنند مشخص است طبق معمول خبرهای تنظیم شده از طرف خودشان برای خبرگزاری مورد نظر ارسال می‌شود تا با پرداخت حق الزحمه منتشر کنند. آنچه روشن است اخبار فرقه در هیچ رسانه معتبری انعکاس نمی‌یابد. هیچ ایرانی و یا مقام جدی خارجی به آنها توجه ندارد و کلاً اهمیتی به آنها نمی‌دهند. تمام تبلیغات معمولاً در رسانه‌های خودشان و برای اعضای وامانده است تا امید مجددی دهند و مدتی دیگر آنها را فریب کارانه مورد سو استفاده قرار بدهند.



## خانواده عشق من است



شهریور بیرون می آیم.  
 ۱۲ شهریور پایان ۳۵ سال اسارت، خروج از  
 تباهی، پا گذاشتن به امید ی تازه، پایان  
 شکنجه های روحی و روانی، توهین ها و  
 تهمت ها، پایان دروغ ها و نیرنگ ها، پایان  
 چاپلوسی و مجیز گوئی و کاسه لیبی برای  
 مریم رجوی، این عنصر رذل و خالی از  
 عواطف انسانی دشمن پدر و مادر انسان ها،  
 وطن فروش ترین، خیانت کار ترین به ایران و  
 ایران، بود.

کنار جاده منتظر تاکسی بودم و گویا زمان می‌دوید. بی صبرانه تنها به یک آدرس فکر می‌کردم آدرسی که داداشم برایم فرستاده بود. راننده تاکسی خیلی آرام می‌راند، به زبان انگلیسی گفتم سریعتر برو من باید ساعت ۱۵ آنجا باشم. گویم، داشتم از یک غده سرطان

«به سوی کسانی می‌رفتم که ۳۵ سال  
نویید بخش زندگیم و دلیل زنده ماندنم  
بودند.»

به گزارش فراق، حمید محمد آق آتابای، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در یادداشتی به مناسبت اولین سال روز نجات خود از اسارت رجوی نوشت: درست یک سال پیش در چنین روز و چنین زمانی، چهار تن از فرماندهان کثیف سازمان مجاهدین با ون سفید رنگ داشتند مرا بیرون می‌بردند. لحظاتی احساس می‌کردم دارم وارد دنیایی دیگری می‌شوم، اگرچه نمی‌دانستم چه روزگاری در انتظارم است اما قدم به سوی سرنوشتی جدید باید بر می‌داشتم. چون به تنها بازمانده فرشتگان آسمانی پدر و مادر، «حمیده» جان، قول شرف داده بودم تا ۱۵

## برادر حمداله مستانه:

۳۶ سال است نتوانستم برادرم را ببینم



برادر حمداله مستانه گفت: با وجود تلاش‌های بسیار هنوز ۳۶ سال است که نتوانستم برادرم را ببینم. به گزارش فراق، برادر چشم انتظار مستانه در تجمع اخیر خانواده‌های چشم انتظار با اشاره به این که چهار بار به مقر اشرف در عراق رفته است و نتوانسته برادر خود را ببیند، از دولت آلبانی خواست توافقی با ایران انجام دهد تا خانواده‌ها به آلبانی بروند و اسیران خود را نجات دهند.

## فردین علی اکبری:

پدر و مادرم پس از ۲۲ سال چشم انتظاری درگذشتند



فردین علی اکبری برادر حمید علی اکبری: حمید ۳۶ سال پیش در جنگ ایران و عراق، ابتدا اسیر بعثی‌ها و سپس اسیر فرقه رجوی شده است. من در این سال‌ها در جستجوی حال و وضعیت برادرم یک لحظه هم از پا ننشسته و همراه با دیگر اعضای خانواده، تلاش‌های زیادی را برای آزادی آنها انجام داده‌ام. پدر و مادرم ۲۲ سال پیش از شدت غصه و گریه در فراق برادرم از دنیا رفتند. همه خانواده‌هایی که سالهاست در انتظار عزیزانشان سوخته و ساخته‌اند، از دولت آلبانی تقاضا دارند که امکان ملاقات و گفت‌وگو با عزیزان در اسارت را برای ما فراهم کنند.

## حسین ثابت رستمی

سرکرده‌های فرقه رجوی باید در دادگاه جواب پس دهند



حسین ثابت رستمی، برادر یکی از اسیران فرقه رجوی در پیامی خطاب به دادگاه سران این فرقه در ایران گفت: سرکرده‌های فرقه رجوی به جهت ظلم‌هایی که در حق خانواده‌ها کردند باید در دادگاه جواب پس دهند.

## «سمیع» جان مادر در بستر افتاده، آمدنت دیر نشود!



طهمورث ناظری، برادر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی با ارسال تصویری به فراق خطاب به برادرش نوشت: «سمیع» جان مادر در بستر افتاده، آمدنت دیر نشود! به خدا مادرت از فراق تو پیر شد. به گزارش فراق، برادر سمیع ناظری در پیام خود ضمن تقدیر و تشکر از خانم ثریا عبدالهی بابت حضور در شبکه نسیم و افشای جنایات فرقه رجوی ملعون و همچنین ابراز درد و آلام خانواده‌های درد کشیده، اظهار داشت: امیدوارم در سایه این همه تلاش و به احترام این روزهای عزیز انشالله خداوند راهی را برای ما چشم انتظاران بگشاید.



بیش از ۴۰ سال است پدر و مادر دل شکسته محمد مهدی ثابت رستمی چشم انتظاری می کشند. چهل و یک سال چشم هایشان اشک باران است. چهل و یک سال روز خوش نمی بینند. چشم هایشان ضعیف شد، قدشان خمیده شد و در هم اکنون بستر بیماری هستند.



[www.feraghnews.ir](http://www.feraghnews.ir)

فعال ترین و پرمخاطب ترین گروه رسانه ای در حوزه افشاگری از سیمای نفاق